

برتولت برشت



German Army in Russia now appears frozen, dazed, exhausted of will or pride. Back troops, the terror of the world of 1940 and 1941 but the farther they got

into Russia, the less they liked the cold and the ample room to die in. However Russians advance westward, the warmer it feels and the more delightful the p

الفبای جنگ

برتولت برشت

الفبای جنگ

انتشار اینترنتی به زبان فارسی

توسط گاهنامه هنر و مبارزه

ژوئن ۲۰۱۱

ترجمه از فرانسۀ به فارسی

توسط حمید محوی

برتولت برشت

القبای جنگ

تیترا اصلی: Kriegsfibel

انتشارات فرانسوی

توسط کلوس شافلز

Klaus Schuffels

ترجمه از آلمانی به فرانسه

توسط فیلیپ ایورنل

Philippe Ivernel

انتشارات دانشگاه گرونوبل

Presse universitaire de Grenoble

۱۹۸۵

نوشته‌های فرامتنی در چاپ فرانسوی

قدردانی

طرح انتشار جدید الفبای جنگ با افزایش بخش‌هایی که پیش از این منتشر نشده بود – به زبان فرانسه – تنها به یاری انتشارات آلمانی در آلمان شرقی و غربی امکان‌پذیر گردید و از این بابت باید از خانم برشت شال (۱) و سورکامپ ورلگ (۲) که به ما اجازه انتشار نوشته‌ها و عکس‌ها را دادند سپاسگذاری کنم. از انتشارات ارش (۳) که با انتشارات دانشگاهی گرونوبل همکاری کردند نیز باید سپاسگذاری کنم. در آرشیو نوشته‌های برشت در برلن شرقی، از راهنمایی‌های خانم رمتون (۴) برخوردار بودم، آقای سلین دو (۵) جستجوی مدارک عکاسی را امکان‌پذیر ساختند که ما در این کتاب منتشر کرده‌ایم. نویسنده، گونتر کانرث مطالب دقیقی را به دلیل همکاری‌هایش با برتولت برشت در اختیار من گذاشت. از دانیل وارنی (۶) نیز سپاسگذارم که متن‌های انگلیسی را ترجمه کرد. باید از آلن بروسا (۷) سپاسگذاری کنم که در تمام مراحل تهیه کتاب حاضر مرا همراهی کرد و به همین گونه که باید از فیلیپ ایورنل (۸) قدردانی کنم که ترجمه متن آلمانی برتولت برشت را که همیشه برای مترجمان او خیلی مشکل برانگیز به نظر می‌رسد به عهده گرفت.

کلوس شافلز

Klaus Schuffels

- 1) Brecht Shall
- 2) Suhrkamp verlag
- 3) Arche
- 4) Ramthun
- 5) Sellin
- 6) Danielle Wargny
- 7) Alain Brossat
- 8) Philippe Ivernel

برتولت برشت ۱۹۵۲

خاطره دردها و رنج ها نزد انسان به شکل شگفت آسایی خیلی زود به فراموش سپرده می شود، و دردها و رنج هایی که ممکن است در آینده در کمین او نشسته باشند، باز هم خیلی دور از ذهن به نظر می رسند. نیویورکی ها بی آنکه ابراز نگرانی کنند بارها گزارشاتی را درباره فجایع انفجار بمب اتمی خوانده اند. هامبورگی هایی که هنوز از ویرانه های جنگ بیرون نیامده اند، ولی با این وجود، برای جلوگیری از خطر جنگی تازه تردید می کنند. وحشتی که سال های چهل بر جهان سایه افکنده بود، گویی به فراموشی سپرده شده و بسیاری می گویند "باران دیروز نمی تواند ما را خیس کند". ولی ما باید با این بی اعتنایی که غایت آن مرگ است، مبارزه کنیم. هیچ چیزی نمی تواند مرا از اتحاد با اندیشه منطقی در رویارویی با دشمنانش بازدارد. پیوسته باید تکرار کنیم، حتی اگر هزار بار حادثه ای را که به وقوع پیوسته تکرار کنیم، باز هم کم است. بی وقفه باید اخطار کنیم حتی اگر طعم خاکستر را در دهانمان جاری سازد. زیرا بشریت در خطر جنگی به سر می برد که ابعاد آن در مقایسه با جنگی که در گذشته روی داده بسیار ناچیز است. اگر دستانی را که در حال مهیا ساختن آن هستند متوقف نسازیم، چنین جنگی به قطع یقین به وقوع خواهد پیوست.

روت برلو ۱۹۵۵

Ruth Berlau

آن کسی که گذشته را فراموش کند، از آن گریزی نخواهد داشت. این کتاب برای آموزش خواندن تصاویر تهیه شده است. آنهایی که شناختی از تصویر ندارند، خواندن تصویر برای آنها به سختی خواندن خط تصویری خواهد بود. نظام سرمایه داری با دقت و خشونت تمام، ناآگاهی از واقعیات اجتماعی را حراست می کند، هزاران تصویری که در نشریات منتشر می گردند، برای خواننده ای که از مفهوم آنها بی اطلاع است، بیشتر به خط تصویری شباهت دارند.

۱

الفبای جنگ

چاپ اوّل

برلن ۱۹۵۵

(مطالبی که داخل پرانتز نوشته شده به برتولت برشت تعلق ندارد)





همچو کسی که خواب می بیند، چنین قله هایی را در هم نوردیده
برگزیده سرنوشت، راه را می شناسم
تنگ ناک گذار مفاک-فرجام
در خواب می یابم. در پی من خواهید آمد؟





«چه می سازید، برادران؟» _ «ماشین جنگی.»
«و کنار همین جا با این ورقه های آهنی؟»
«بمب هایی که جدار ماشین جنگی را می شکافد.»
«و این همه برای چیست؟» - «برای زندگی.»

اسپانیا ۱۹۳۶





همیشه زنان سواحل ایبری

وقتی از آبتنی در پای کوهسار صخره ای بیرون می آیند
روی دست ها و پستان هایشان روغن سیاه رنگی می نشیند
آخرین یادمان کشتی های غرق شده.

(اسپانیا ۱۹۳۹)

فاتح بزرگ، ژنرال یوآن یاگو^(۱)، برای مراسم کلیسایی در فضای باز در «میدان کاتالونیا» در بارسلون، جلوی سریر پادشاهی اش زانو زده است. در پشت صحنه، هتل کولر، پشت او ژنرال های دیگری نیز زانو زده اند : مارتین الونسو، بارون، وگا. یاگو و سولشاگا بعدا وفاداران را تا مرز اسپانیا به عقب نشینی واداشتند.

1) Juan Yagüe

ملقب به قصاب پاداجوز در جنگ داخلی اسپانیا



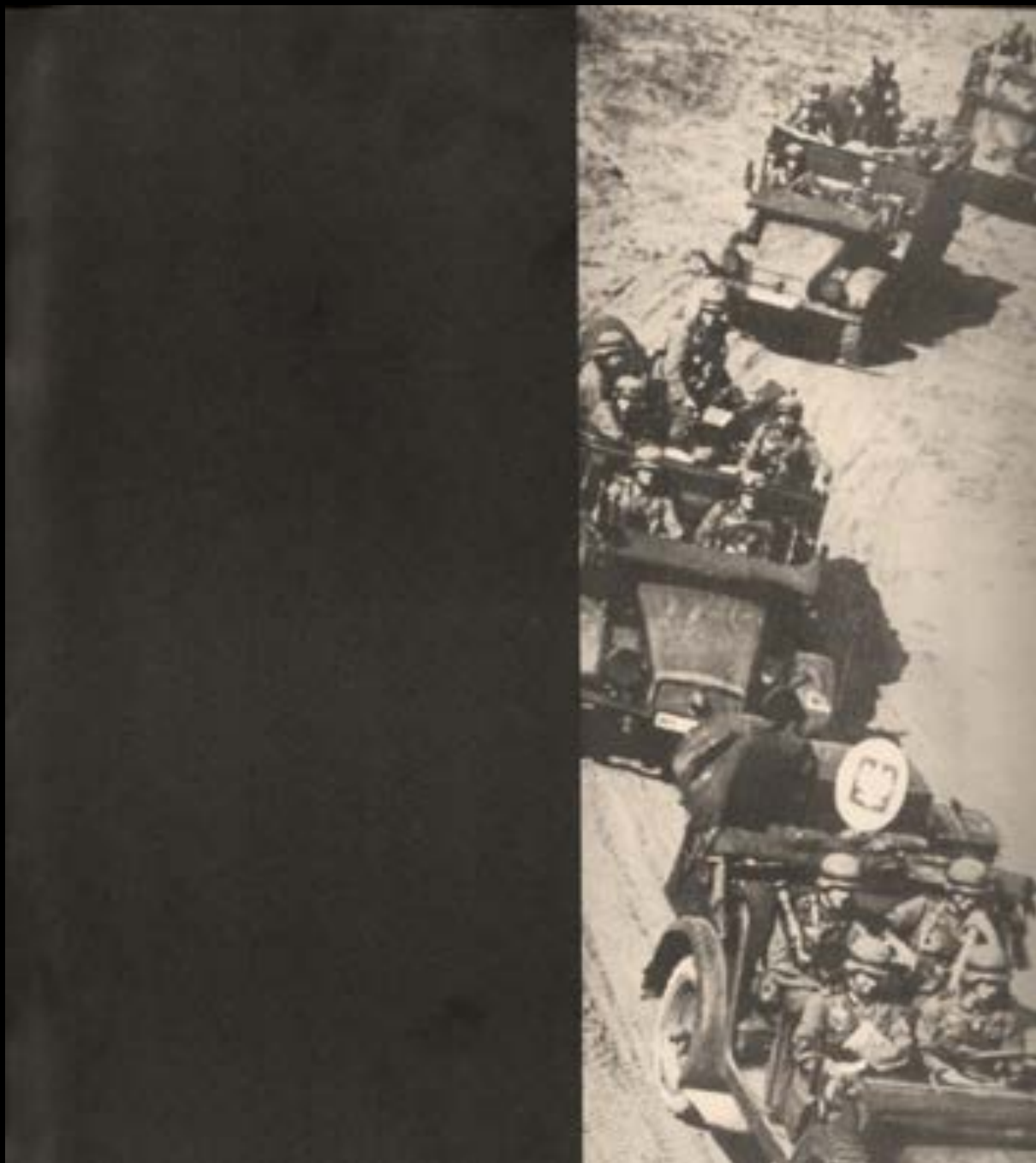


OK, General Juan Yagüe, kneels before his
all his opponent were in Barcelona's Plaza de
Catalunya. In background is the Hotel Colón, whose tower
is seen again in the picture below, at lower right. Behind
Yagüe are Generals Martín Almona, Barrón, Yagüe, Yagüe
and Solchaga moved off to chase Loyalists to the border.

ناقوس ها به صدا در می آیند، رگبار تیر می غرد.
خدا را سپاس گذار باشید. قاتل خود را وقف مسیح می کند!
او آتش را به ما هدیه کرد تا آتش زبانه کشد.
بدانید : مردم پست هستند و خدا فاشیست.

اشغال لهستان (۱۹۳۹)

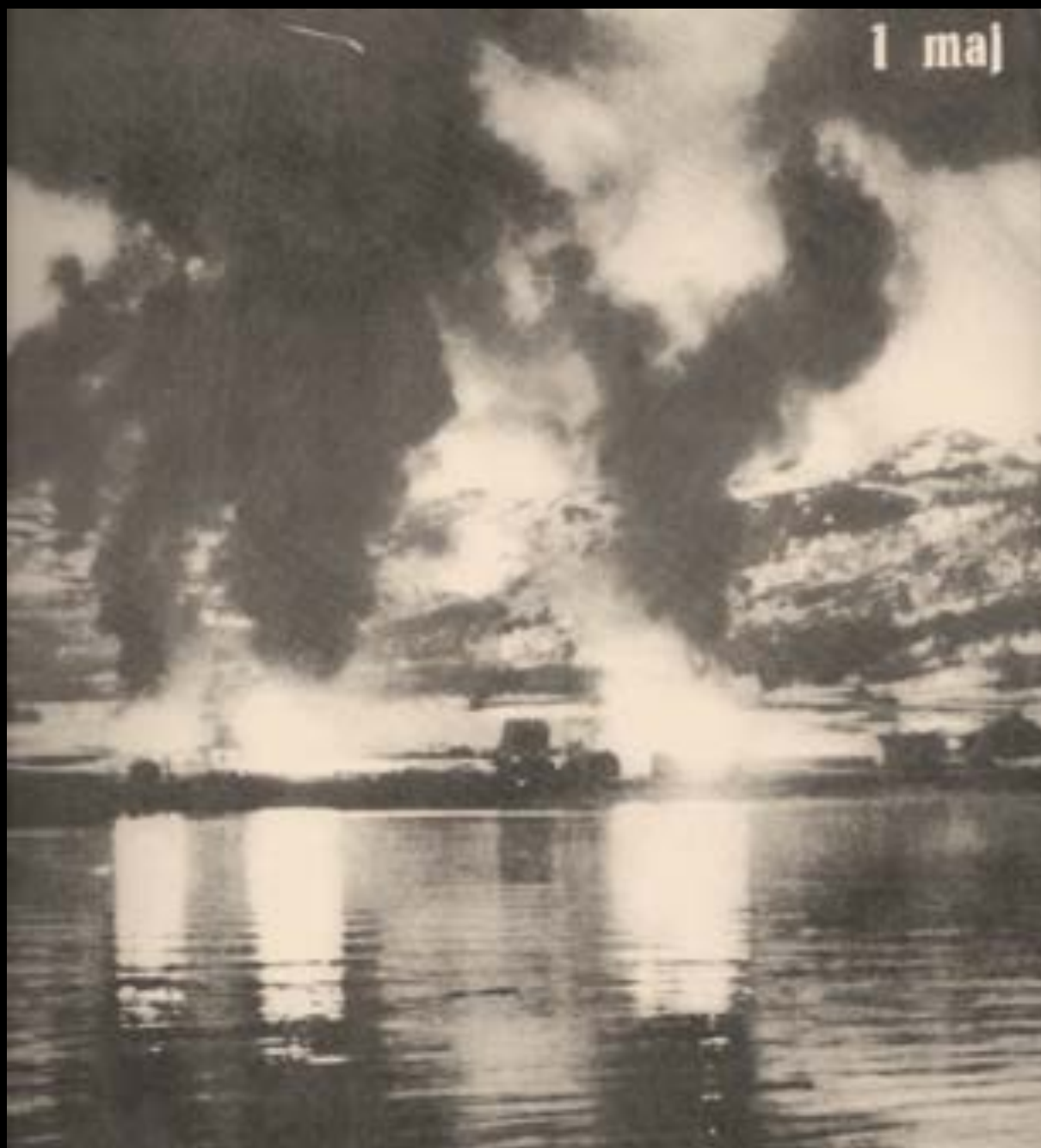




ای نیک مردمان، اگر شنیدید کسی می گوید
آمده است تا در هجده روز امپراتوری بزرگی را نابود کند
بپرسید که من کی باید بمیرم
من در کوران حوادث بودم، و هفت روزش را دیدم

حمله به نروژ (۱۹۴۰)

۶



و در شمال جهان آتش زبانه کشید
و نفیر جنگ بر آرامش ساحل پرتاب شد
بگویید، ماهیگیران، چه کسی شما را به مرگ محکوم کرد؟
همان حامی که به حمایت شب سربرآورده بود.

V



در ژرفای آب راه «کاته گا»، ما هشت هزار آرمیده ایم
کشتی های باربری حمل چهارپایان ما را به اعماق فرو بردند.
آهای ماهی گیر، اگر در این جا با تورهایت ماهی گرفتی
ما را به یادآور، و بگذار تا یکی بگریزد

ورود یگان های آلمان به هلند، بلژیک و فرانسه (۱۹۴۰)

سربازان یگان های تهاجمی آلمان را در این تصویر می بینیم که از زیر واگون های قطار به خط تنگه آبرت حمله می برند. این سربازان جوان، شجاع و با انضباط بودند و در مجموع ۲۴۰ لشکر را تشکیل می دادند. ولی بر خلاف آن چه عموماً تصور می کردند، پیروزی ارتش آلمان تنها به نیروی هوایی و یگان های زرهی و تانک بستگی نداشت، بلکه حاصل تاکتیک قدیمی بود که عبارت است از تمرکز آتش سنگین روی نقاط استراتژیک.





German assault troops, here emerging from beneath railroad cars to attack the Albert Canal line, were young, tough and disciplined. In all, there were 140 divisions of them. But

despite the world's idea that the conquest was merely by planes and tanks, it actually depended on the old-fashioned tactic of a superior mass of firepower at the decisive point.

شما را با چشم می بینم که دشمن را جستجو می کنید
پیش از آن که به نبرد تانک ها بشتابید :
آیا فرانسوی ها را با نگاهتان نشانه گرفته اید؟
یا تنها فرمانده تان را نگاه می کنید که شما را تحت نظر دارد؟

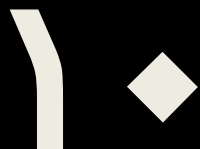
Roubaix

«روبه» شهری در شمال فرانسه

۹



برای ارتش دشمن در خیابان راه گشوده اند !
شهر مرده و تنها چیدمان ویرانه هاست که زندگی می کند !
چنین نظمی را «روبه» هرگز به خود ندیده بود.
او چیره گشته و اکنون فرمانروای مطلق است.





که بمیرد، این است آخرین آرزوی من.
این دشمن موروئی، بی منازع است.
من می گویم : زیرا تنها آبهای لوآر می دانند
که من کجا هستم، و شاید جیرجیرک ها.

پاریس در اشغال آلمان هیتلری

بهار پاریس فرا رسیده است – و این یکی از نشانه های بارز آن است. امسال صید ماهی در شمال رودخانه سن، به دلیل کمبود مواد غذایی، بیش از هر سال دیگری صیادان را به خود جذب کرده است.

”



در قلب شهر روشنایی ها، به محاصره افتاده ایم.

ماهی کوچکی لغزید

و ما صیدش کردیم، می بینید، خوراک ما به همین لاغری بود

ما از هیتلر و از رهبران خودمان شکست خوردیم.

آلمانی ها خیلی به این مرد فرانسوی احترام می گذارند.
آنها چشمان او را پیش از تیرباران می بندند.

۱۶



The Germans were "kind" to this Frenchman. They blindfolded him before he was shot

سرانجام ما آن مرد را به پای دیوار بستیم :

تا او را از پا در آوریم

آن مرد نیز مانند ما فرزند یکی از مادران بود.

و برای آن که جهانیان به خوبی بدانند، از این واقعه عکس گرفتیم.

(فرانسه ۱۹۴۰)

لیون فوشتوانژر - نویسنده از خانواده بورژوازی یهودی - مقابل دوربین، پشت سیم های خاردار در اردوگاه. م. فوشتوانژر موفق شد این عکس را از مرز فرانسه خارج کند.

۱۲



بی گمان او دشمن دشمن آنها بود
ولی اتهام گناهی نابخشودنی را بر دوش می کشید.
دشمنان آنها ؟ حاکمان او !
او را به جرم شورش به زندان افکندند.

مارشال پتن و لاوال رؤسای دولت ویشی
که با نازی ها همکاری می کرد

41



بیش از آلمانی ها، مردم از این نوع فرانسوی ها متنفرند .
به روی شیروانی ها پناه گرفتند و در شلوارشان خیس کردند
از هم وطنان خود بیشتر می ترسیدند تا از آلمانی ها
قدرت برای آلمانی ها ؟ آری. برای مردم ؟ هرگز.

خدمهٔ يك بمب افكن آلمانی

۱۵



ما خلبانانی هستیم که روی شهر تو پرواز می کنیم.
آمده ایم تا تو و فرزندانت را به لرزه بیاندازم
تو و فرزندانت را نشانه گرفته ایم
می پرسى چرا ؟ پس بدان : از روی ترس.

لندن ۱۹۴۰

شهر لندن، امروز

با عبور بمب افکن ها مرکز شهر لندن بیش از پیش به تل ویرانه ای شباهت دارد. این عکس از فراز کلیسای سن پل گرفته شده است.

۱۶

City av i dag



*De centrala delarna av London ha under luftkrigets förlopp i mycket
antagit karaktären av ruinkvarter. Denna vy över City är tagen från
St Pauls-katedralen.*

این وضعیت من است. تنها به این خاطر که برخی
خیانت کاران راه دیگری را در آسمان برگزیدند که پیش بینی نشده بود،
مخفی گاهی بودم که به غنیمت جنگی تبدیل شد.
قربانی یک حادثه حریفه ای، افسوس.

لیورپول ۱۹۴۰

دومین بندر بریتانیای کبیر، لیورپول چندین بار مورد حمله هوایی آلمان قرار گرفت . این تصویر گواه بر حمله تازه ای به زیر ساخت های بندر است.

۱۷



hamnen i Liverpool, Englands näst största, har som bekant varit föremål för flera tyska bomb-
 ärvid blivit utsatt för många träffar. Här se vi en vacker bild från hamnen och eldsvådorna i
 den utvisa, att hamnanläggningarna nyligen haft kännning av de tyska bomberna.

تا لحظه ای دیگر من هنوز شهری از شهرهای مشهور جهان هستم.

پنجاه نسل در من زندگی کردند

پیش از ملاقات پرنده های مرگ :

هزار سال مرا ساختند، ولی تنها در یک شب ویران شدم.

«به هدف اصابت کرد»

مأمور پرتاب بمب مکانیسم پرتاب بمب را فعال ساخته و از هدف گیری اش خوشحال است.

۱۸



این ابلیس را ببینید، بدبخت بیچاره ای بیش نیست!
«وقتی می بینم دیگران می گریند، به خنده می افتم.
متولد بارمن در آلمان هستم، من نماینده تجاری در لباس های زیر بودم
و اکنون مرگ و بدبختی می فروشم.»

مردم لندن در طول بمباران هوایی به مترو پناه می برند

۱۹



روزگار بالا و پائین بود
آسمان را نیز فتح کرده بودند
و حتی وقتی هیچ پرنده ای پر نمی زد،
مردم به زیر زمین می خزیدند، با این وجود از بین رفتند.

لندن ۱۹۴۰

حرفه نان آور جدید

با آغاز بمباران هوایی، بی نوایان لندن راه تازه ای برای نان درآوردن پیدا کردند. جلوی ورودی مترو که در مواقع حمله هوایی به عنوان پناهگاه مورد استفاده مردم قرار می گیرد، تجمع دختران و پسران جوان را می بینیم. در داخل مترو این دختران و پسران جوان جاهایی را آماده کرده و اجاره می دهند. در این عکس می بینیم که گروهی از این جوانان وسایلی مانند پتو را نیز در کالاسکه بچه حمل می کنند.



Ny födkrok



De fattiga i London ha genom bombräderna fått en ny födkrok. Ungdomar av båda könen samlas kring nedgångarna till den underjordiska järnvägens stationer — som bekant anlitade som skyddsrum under bombardementen. Dels ha de „hamstrat“ plats där nere, dels hyra de sängkläder åt hängade spekulanter och ställa de „hamstrade“ skyddsrumspplatserna till förfogande då alarmeret går. Här ses en samling ungdomar med täcken och dynor i barnvagnar vilka anlitas som transportmedel.

قدیمی تر از بمب افکن هایشان

بیش از همه با گرسنگی است که می دانند چگونه ما را آزار دهند :

کسب پول برای نان روزانه

ما زندگی مان را به خطر می اندازیم.

۲۱



تنها دود گواه بر عبورشان بود
فرزند آتش، ولی فرزند نور، هرگز.
از کجا آمده بودند؟ از شب سیاه.
که سپس به کجا بروند؟ به نیستی.

برلن ۱۹۴۰

بمب افکن های بریتانیایی روی برلن

در اطراف پایان تابستان بمب افکن های بریتانیایی به چندین شهر مهم صنعتی و نظامی آلمان چندین بار حمله کردند، هامبورگ، برم از جمله این شهرها بودند.

در شب ۱۱ سپتامبر، بریتانیایی ها برای نخستین بار به برلن حمله کردند. در این عکس، یکی از ساختمان های شهر برلن را می بینیم که با بمب های بریتانیایی ویران شده است.



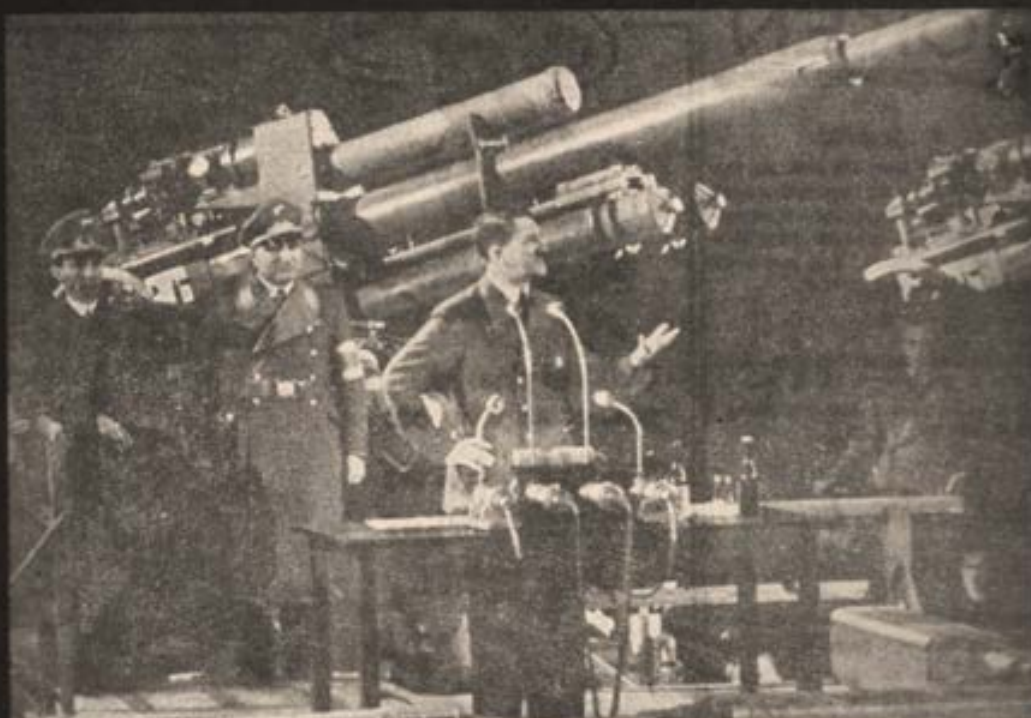


ای زن، جستجویشان نکن، آنها را باز نخواهی یافت.
 ای زن، سرنوشت را بیش از این متهم نکن !
 ای زن، نیروهای پنهانی که ترا مجروح کرده اند
 آنها یک نام ، یک آدرس و یک چهره دارند.

برلن ۱۹۴۰

در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۰ یکی از سخنرانی‌های تاریخی‌اش را در کارخانهٔ اسلحه‌سازی واقع در حومهٔ برلن ایراد کرد. این است تریبون رهبر رایش و فرماندهٔ کل قوای آلمان. در سمت چپ هیتلر، روبرت لی، رئیس جبههٔ کار آلمان، و گوبلز وزیر رایش را می‌بینیم.

۲۲



Den 10 december höll Adolf Hitler ett av sina stora tal i en vapenfabrik i närheten av Berlin. Vår bild visar rikskanslern och högste befälhavaren för den tyska krigsmakten på talarpodiet. T. v. om Hitler ses ledaren för den tyska arbetsfronten dr Robert Ley och rikministern dr Goebbels.

حرف هایش را می شنوید، از عصر جدید می گوید.
 از سوسیالیسم می گوید، و آن را به شما نوید می دهد.
 ولی پشت سرش را ببینید، یادمان کار بازوان شما :
 اراده توپ های سنگین، در سکوت، شما را نشانه گرفته است.

نوسک

گوستاو . رهبر سوسیال دموکرات

او سازمان دهی سرکوب اسپارتاکیته‌ها را در سال ۱۹۱۹ به عهده داشت.

۲۴



من از یاران بودم، سگ خونخوار.
نام فرزند خلق را خودم برای خودم برگزیده بودم.
از من سپاسگذار بودند : وقتی نازی ها از راه رسیدند
به من خانه و مستمری اعطا کردند.

گورینگ

هرمن، رهبر ناسیونال-سوسیالیست
مارشال و کلکسیونر آثار هنری دزدی

۲۵



من دلک سلاخ این دکه هستم
هرمن آهنین، کشتی گیر کچ خلقی
مارشال رایش، پلیس پادشاه کلاهبرداران
پس دوست عزیز، اگر با من دست می دهی، انگشتانت را بشمار.

گوبلز

جوزف، دکترو، رهبر ناسیونال-سوسیالیست

وزیر اطلاعات و تبلیغات





من دکتری هستم که گزارشات را به خوبی معالجه می کنم.
مغز من برای خدمت به جهان بارور است.
چه اهمیتی دارد! با چنین گام هایی تاریخ جهان را می نویسم.
به سختی باورم می کنند، به خاطر گام بد قواره ام

گورینگ و گوبلز

۲۷



«جوزف، این طور که معلومه، مرا غارتگر معرفی کرده ای»
«غارتگر، هرمن؟ غارتگر؟ تو؟ به چه درد می خورد؟
بی اعتبار کردن تو بی باکی بیهوده ای خواهد بود.
علاوه بر این، اگر هم گفته باشم، چه کسی باور خواهد کرد؟

گورینگ، هیتلر، گوبلز در اپرا

سه نازی بزرگ - که زندگی شان باید به پایانی واگنری می انجامید

۲۸



ای آواز لک لک ها! «هرگز از من نپرسید!»
ای زائرین آوازه خوان! ای جادوی آتش فریب!
ترانه طلای راین بر شکم های خالی!
چنین نامیدمش : جمهوری بایروت

٢٩



اسب جنگی تراشیده شده از سنگ از دادگستری بیرون می آید
ابهام آمیز به آینده ای بی نور خیره نگاه می کند.
«چگونه ای اسب جنگی؟» - «هشت سال درمان اسب
هیچ درمان نشدم.»

فرماندهان نظامی آلمان ۱۹۴۲

مارشال فدور وون بوک(۱)، ۶۱ ساله، پروسی، در فتح لهستان، پاریس و شمال قفقاز شرکت داشته است.

مارشال هوگو اسپرل(۲)، ۵۷ ساله، فرزند یک آبخو فروش باواروآ، فرمانده نیروی هوایی در اسپانیا، لهستان، هلند، فرانسه و در نبرد انگلستان.

مارشال کارل وون روندشتدت(۳)، ۶۶ ساله، او حمله معروف سدان را سازماندهی کرد و همان جا نیز مرکز فرماندهی اش را بر پا کرد.

مارشال اروین رومل(۴)، ۵۰ ساله، فرمانده بی رحم لشکر آلمان در آفریقا و در جنگ مصر.

ژنرال هنز گودریان(۵)، ۵۶ ساله پروسی، که با تانک هایش فتوحات لهستان و فرانسه را به نام خود ثبت کرد، او فرمانده زره پوش های هوا برد بود.

مارشال زیگموند لیست، ۶۲ ساله، باوروآ، قهرمان خدشه ناپذیر تحرک، همان گونه که جنگ لهستان و فرانسه گواه بر آن است.





Field Marshal Fedor von Bock, 61, a Prussian, helped conquer Poland, Paris and the North Caucasus.



Field Marshal Hugo Sperrle, 57, Bavarian brewer's son, commanded air corps in Spain, Poland, Lowlands, France, Battle of Britain.



Field Marshal Karl von Rundstedt, 66, planned and carried through famous break at Sedan, now has headquarters there.



Field Marshal Erwin Rommel, 50, is slashing, hard-hitting commander of the German Afrika Korps in Battle of Egypt.



General Heinz Guderian, 56, a Prussian, had brilliant tank successes in Poland and France, commanded panzer divisions from a plane.



Field Marshal Sigmund List, 62, steely Bavarian master of mobility, knifed through Poland and France.

و این هم شش جنایت کار.
 آهای، با این شتاب روی بر نگردانید
 برای برکشیدن نقاب از چهره آنها، می بایستی معادل
 پنجاه شهر و تمامی یک نسل را می پرداختیم.

کلیسای کاتولیک آلمان

کلیسای موتوریزه آلمان

کلیسای کاتولیک آلمان نسی و هشت کلیسای موتوریزه در اختیار دارد

به گفته نزدیکان کلیسای کاتولیک آلمان از این پس ۲۸ واحد موتوریزه در اختیار دارد. یعنی ۲۸ کلیسای موتوریزه که می تواند در مناطق دور افتاده مراسم کلیسایی برگزار کند. ده واحد دیگر قرار است به پادگان های نظامی اختصاص پیدا کند. عموماً راننده این کلیساهای موتوریزه خود کشیش خواهد بود.



Motoriserade tyska kyrkor.

Den katolska kyrkan förfogar
över 38 sådana.

Beckmanns bild.

(PNB) Enligt meddelande från katolska kyrkliga ämbetsmän förfogar den katolska kyrkan numera i Tyskland över 38 motoriserade kyrkor. Det rör sig om små på husar monterade motorer som kommit till användning i trafikskolor för att låta man i de flesta byar i Tyskland höra messan. Men i vissa fall utnyttjas motoriserade kyrkor också för att låta skolor bygga upp utbildningsanordningar i de mest avlägsna och fattiga delarna. I de flesta fall tjänstgör prästerna själva som förare.

مژده : خدا موتور دار می شود!

هیتلر فتح می کند، و خدا دیگر نمی توانست به دنبال او بدود.

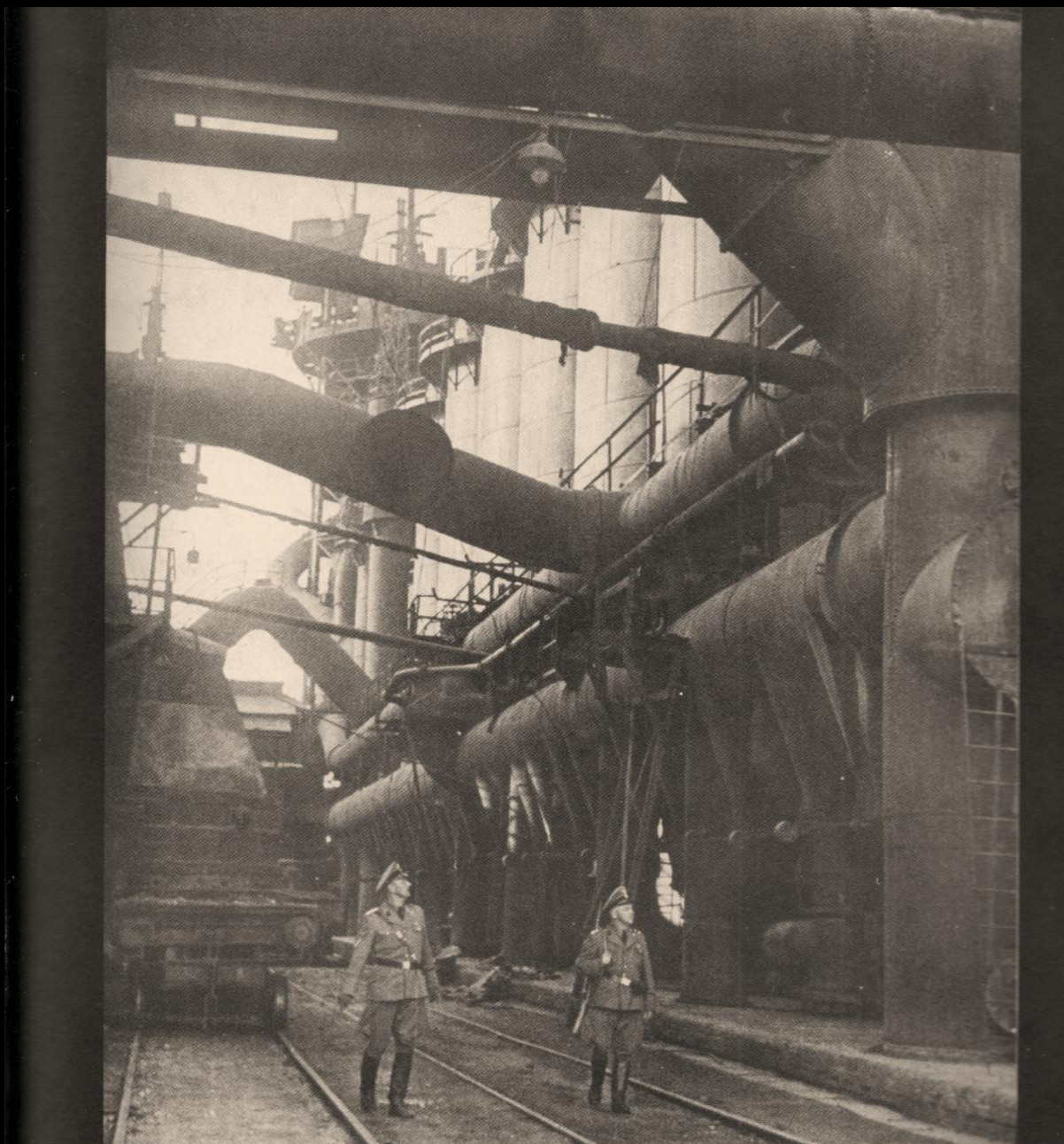
امیدوار باشید که خدا جنگ را نیازد

و نه حتی به خاطر سوخت ضروری.

کارخانه در کاتوویچ

لهستان در اشغال آلمان





من ده ملت را زیر چکمه هایم گرفته ام
به علاوه ملت خودم.
اطراف این چکمه های به خون آغشته
زمین کوبیده شده از کرکنس تا مولهایم در روهر

نقشهٔ حمله به اتحاد جماهیر شوروی روی حوضچهٔ شنی





برادران، و این من هستم در دور دست های قفقازستان
فرزند دهقان از دیار سوآب، اینک در اعماق خاک
دهقان زاده ای روس با تنفگش مرا به خاک افکند.
اما من مدت ها پیش در سوآب شکست خورده بودم.

حمله به لاپ لند

۲۴



«شما دو نفر، در ساحل شمالی چه می کنید؟» _ «فرمان صادر شده بود.»

«شما دو نفر، سردتان نیست؟» _ «تن و روحمان یخ زده است.»

«شما دو نفر، کی به خانه برمی گردید؟» _ «وقتی که بارش برف بند بیاید.»

«شما دو نفر، تا کی برف خواهد بارید؟» _ «تا ابد.»

اردوی آفریقا ۱۹۴۱

وقتی «روباه صحرا»، ژنرال آلمانی اروین رومل جام پیروزی اش را زود هنگام به دست می گیرد، لشکر آفریقا هنوز شکست ناپذیر است.

۲۵



When the "Fox of the Desert," German Field Marshal Erwin Rommel (left) drank this premature toast, his Afrika Korps was still

جام به افتخار وطن، و به افتخار صدها یونکر!

به افتخار شمشیر نیاکان ژرمن ها، و منافعی که به هم راه دارد!

به افتخار مردم آلمان که در تهدید جنگ در پناهگاه ها به سر می برند!

به افتخار رهبری که به گم راهی رفته، و به سلامتی، تن و ثروت!

لیبی ۱۹۴۲

ولی در فرار اخیر به لیبی، رومل خیلی از واحدهای شکست خورده اش را بر جا گذاشت. این سرباز آلمانی زیر آتش نیروهای متفقین فرصت رسیدن به پناهگاه را پیدا نکرد.

۳۶

... in his recent flight across Libya, Rommel left behind many of his battered forces. From Allied attack this German vainly dive



طوفان بیرق ها، موسیقی سکرآور!
افسوس جنگ صلیبی، اسطوره کهن ژرمنی.
سرانجام تنها چیزی که اهمیت داشت
پناهگاهی بود که باید در آن می خزیدی. که هرگز آن را نیافتی.

آفريقا

٢٧



به خاطر تو، زیبا روی، اربابان می بایستی با یکدیگر بجنگند.
با دیوانگی تمام یکدیگر را به خاک افکندند
و هر یک مدعی شدند که در خونریزی بهترین اند
و بیش از دیگری حق تجاوز به تو را دارند.

چرچیل

وینستون، نخست وزیر انگلستان

۲۸

10
maj



قانون باندهای جنایتکار را می دانم. و عموماً
می دانم با آدمخوارها چگونه رفتار کنم.
آمده بودند مرا بخورند.
اینجا، فرهنگ، شوالیه سرگردان بهتری نداشت.

سنگاپور ۱۹۴۲.۲.۷

مرثیه در سنگاپور

۲۹

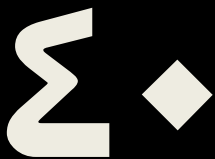
Singapore Lament



ای قلب مضاعف مرثیه خوان، ای صدا
قربانیان و دژخیمان محکوم به بیگاری!
فرزند آسمان به سنگاپور نیازمند است، بدانید،
ولی فرزند تو، ای زن، به جز تو هیچ کس به او نیازی ندارد.

گینه نو ۱۹۴۳

سرباز آمریکایی در کنار جسد سرباز ژاپنی. والی واکمن سرباز کلاس ۱ آمریکایی می گوید :
«در مسیرم به دو نفر برخورد کردم که با هم حرف می زدند، با لبخند به من نگاه کردند، من
هم لبخند زدم. یکی از آنها به پانچه اش دست برد، من هم تپانچه ا م را از غلاف بیرون
کشیدم و یکی از آنها را زدم. درست مثل یک صحنه سینمایی اتفاق افتاد.





وقتی یکدیگر را دیدیم - در یک لحظه برق آسا -
 خندیدم، دو نفر دیگر نیز در پاسخ خندیدند.
 هر سه نفر با هم خندیدیم
 سپس یکی از آنها نشانه گرفت، و من او را کشتم.

U.S.A. 1943

عکس هایی که خوانندگان فرستاده اند

هویچ خیلی سکسی

در پاسخ به دیوانگی های عصر حاضر، طبیعت گیاهی سکسی تولید کرده است. این پاهای ظریف و براق به رقاسه مینیاتوری تعلق ندارد، بلکه از باغچه من چیده شده است. در واقع ریشه های مضاعف یک هویچ است. با تمیز کردن آن خیلی فریبنده به نظر می رسد.

جان برتریک

فیلادلفی، پنسیلوانی

۲۱

PICTURES TO THE EDITORS

(continued)

SEXY CARROT

Dear Sir:

According to the current logic, we
must also produce a go-to vegetable.
These carrots, having legs and a strong
to some extent. Pretty girl, but again
from my camera, which is definitely a
very powerful agent. When it was ready
and the moment I thought it looked
very strong.

Yours faithfully,
Pete, Pittsburgh, Pa.

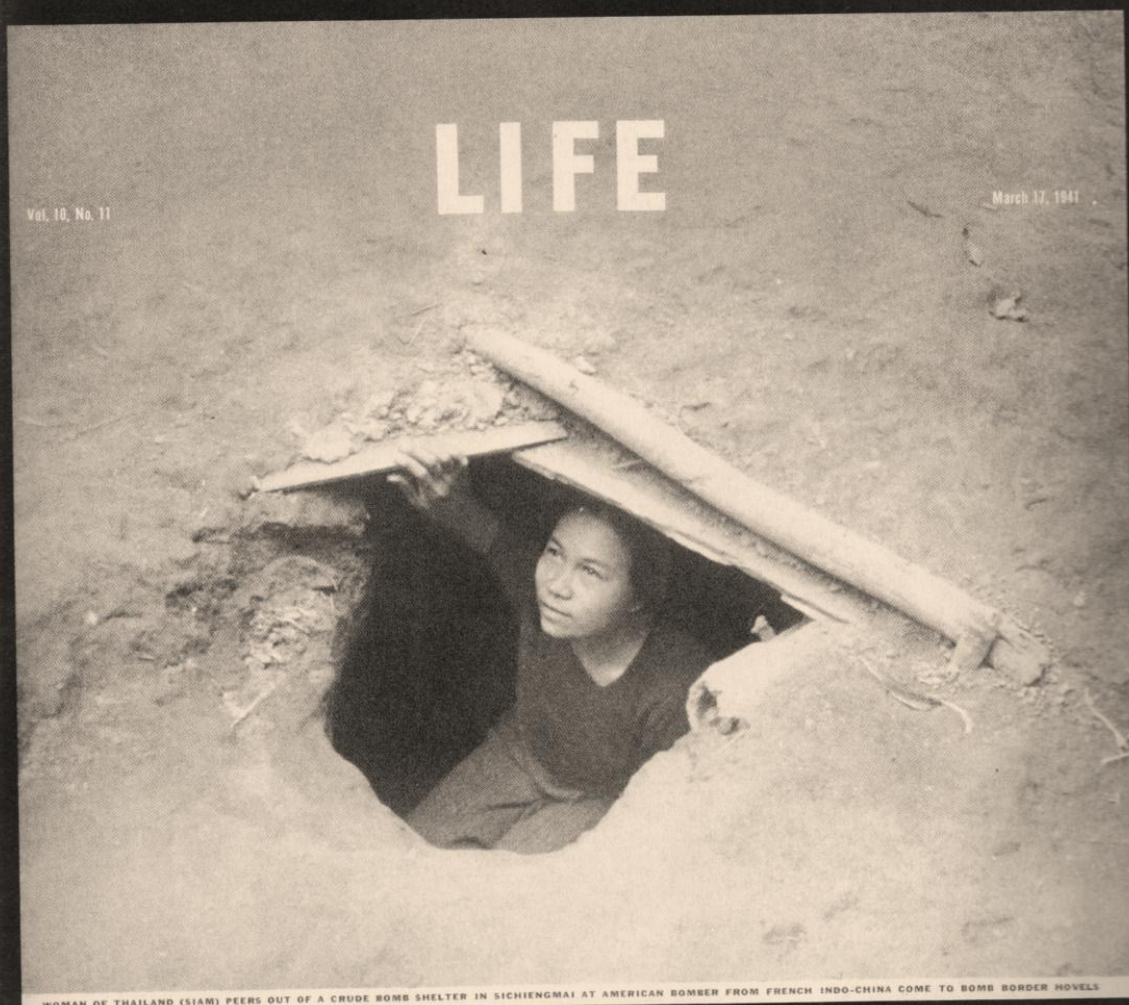


برای اینکه شما نیز خشنود باشید
این کلیشه هویج را به عنوان هدیه بگیرید.
آن را زیر چادری در جنگل فرادریاها نگهدارید!
زیرا می گویند که چنین گیاهی مرده ها را نیز به زندگی بازمی گرداند!

سیام ۱۹۴۱

این زن تایلندی (در سیام) از چاله ای که پناه گاه او می باشد عبور یک بمب افکن آمریکایی را نگاه می کند که از هندوچین برای بمباران حلبی آبادهای مناطق مرزی آمده است.

۴۲



برای فرار از چشم جهنم
هنگامی که آسمان جولان گاه اربابان بود
بسیاری با ترس به زیر زمین پناه می بردند
و از دور آتش افروزی شان را می نگریستند.

گینه نو ۱۹۴۳

این پیاده نظام استرالیایی از جبهه بونا در گینه نو باز می آید و چشمانش را از دست داده است، یکی از بومیان او را هدایت می کند : هر دو پا برهنه هستند.

۲۲



BACK FROM THE BATTLEFRONT NEAR SUNA IN NEW GUINEA COMES A BLINDED AUSTRALIAN INFANTRYMAN, HELPED BY A KINDLY PAPUAN NATIVE. BOTH MEN ARE BAREFOOT

وقتی جنگ طولانی برای من به پایان رسید
در بازگشت مردی در کمال دوستی مرا یاری کرد.
از سکوت او دریافتم که حرف مرا نمی فهمد
ولی هیچ گاه از ترحم به دور نبود.

جنگ در اقیانوس آرام. ۱۹۴۳

جمجمهٔ یک سرباز ژاپنی که توسط واحدهای آمریکایی روی یک تانک ژاپنی گذاشته شده ولی بقیهٔ بدن او را آتش از بین برده است.

ΣΣ

A Japanese soldier's skull is propped up
on a burned-out Jap tank by U.S. troops.
Fire destroyed the rest of the corpse



یوریک بیچاره با تانکش در جنگل
حالا سرش به یک دسته تبرتکیه دارد.
تو برای بانک «دومای» (۱) در آتش سوختی
ولی در آن جا والدین تو هنوز بدهی کلانی دارند.

(۱) دومای یک بانک ژاپنی است

گینه نو ۱۹۴۳

ردیف صلیب های زمخت قبرستان سربازان آمریکایی در گینه نو را نشان می دهد.
دستکش یکی از کارمندان خدمات مدنی بر حسب اتفاق رو به آسمان است.

۴۵

A LINE OF CRUDE CROSSES MARKS AMERICAN
GRAVES NEAR BUNK. A GRAVE REGISTRAR'S
GLOVE ACCIDENTALLY POINTS TOWARD THE SKY



در مدرسهٔ ابتدایی شنیده بودیم
که در آسمان برای هر خطایی انتقام جویی هست.
ما برای کشتن به پرواز درآمده بودیم، ولی کشته شدیم .
با شما خواهد بود که آنانی که ما را به آن بالا فرستادند مجازات کنید.

جنگ اقیانوس آرام

«بازی شگفتی را بازی می کنیم، ولی این بازی برای تو نیست کوچولو.»
این سرباز آمریکایی یک کودک ژاپنی را به مکان مطمئنی منتقل می کند.

۲۶



"This is a rough game we're playing, little fellow, and you wouldn't like it."
The Yankee soldier removes a Japanese baby to safety.

از دشمن برادر کوچک را به پناه گاه ببر،
به دور از جنگی که ترا به خاطر آن فرستاده اند.
زیرا روزی با پسرت، سربازی شاید
از جنگ بگو که چگونه به پایان رسید.

جنگ اقیانوس آرام

سرباز ژاپنی که پشت ویرانه ای در ساحل کمین کرده بود و به روی سربازان آمریکایی تیراندازی می کرد، به دست سرباز آمریکایی کشته شد. در عکس سرباز آمریکایی بالای سر سرباز ژاپنی که در حال مرگ است، دیده می شود.

۲۷



AN AMERICAN SOLDIER STANDS OVER A DYING JAP WHOM HE HAS JUST BEEN FORCED TO SHOOT. THE JAP HAD BEEN HIDING IN THE LANDING BARGE, SHOOTING AT U. S. TROOPS

می بایستی ساحل به خون رنگین می شد
ساحلی که هیچ یک وارث آن نبودند.
ولی این چنین یکدیگر را کشتند.
گویی جبری در کشتن یکدیگر بود
باشد. باشد. ولی پیرس : به دست چه کسی؟

فلسطین

پناهندگان بی پناه

این مادر یهودی و فرزندش با ۱۸۰ بازمانده دیگر از نجات یافتگان کشتی «سالواتور» هستند که در سواحل صخره ای ترکیه غرق شد. آنها می خواستند به فلسطین پناهنده شوند. سالواتور تنها کشتی نبود که دچار سانحه شده بود. «پاتریا» با ۱۷۷۱ مسافر منفجر شد. «پانچو» در سواحل ایتالیا با ۵۰۰ مسافر. به «پاسیفیک» با ۱۰۶۲ مسافر، به «میلوس» با ۷۱۰ مسافر در سواحل فلسطین اجازه پهلو گرفتن ندادند و رانده شد. «اودیسه» با ۵۰۰ مسافر یهودی طی چهار ماه از بندر به بندر رانده شده. آنها از تمام اروپا می آیند، در کشتی هایی که در وضعیت مناسبی نیستند مانند چهارپایان در کنار هم و به هم چسبیده اند. این هفت میلیون یهودی به کجا می توانند بروند؟ فلسطین ۱۲۰۰۰ مهاجر در سال می پذیرد. حالا کشتی های بار بری و حمل چهارپایان به قاچاق انسان اشتغال دارند. در سال گذشته ۲۶۰۰۰ یهودی مخفیانه وارد فلسطین شدند. ولی سرنوشت ۷۰۰۰۰۰ یهودی چه خواهد شد؟ این کودک می تواند با پاهایش بازی کند، او در آغوش مادرش و در خانه خودش به سر می برد. او هنوز نمی داند که پدرش در دریای مرمره غرق شد. تنها مادرش می داند که او دو بار غرق شد وقتی که به خشکی نزدیک شده بود.

۲۸



REFUGEES WITHOUT REFUGE: This Jewish mother and child were picked out of the sea, along with 180 others who sought refuge in Palestine. But 200 were drowned when the *Salvator* smashed on the rocky coast of Turkey. And the *Salvator* wasn't the first. The *Therese* exploded with 1771 aboard. The *Pentcho* foundered on an isle off Italy with 200. The *Pacific* was forced to sail from Palestine with 1062 and the *Milos* with 700. Then there is the *Odyssey* of the 500 Jews on a ship for four months.

shunted from port to port. They come from all over Europe, packed on unseaworthy vessels. Where can they go; these 7,000,000 European Jews? The quota is 12,000 a year. The freighters and cattleboats carry a new kind of human bootleg. Last year 26,000 were smuggled into Palestine. What of the 7,000,000? The baby can play with his foot—for he's home in his arms. He doesn't know his father was drowned in the Sea of Marmara. His mother knows the double-death of drowning in sight of shore.

بسیاری از ما بر ساحل افتادند
پس از شبی طولانی در بامداد.
به یکدیگر می گفتیم، اگر می دانستند می آمدند.
آنان می دانستند، ولی ما بودیم که هنوز نمی دانستیم.

پیاده شدن آمریکایی ها در سیسیل ۱۹۴۳

یک دهقان سیسیلی به سرتیپ لشکر اول، تنودور روزولت می گوید : «آلمانی از این طرف رفتند»

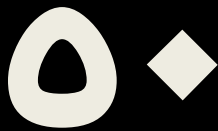
۴۹



اربابان ما با هم جنگیدند، چه بدبختی بزرگی!
روی مزارع خشکیده ما، سنگ کاشتند.
سه ارتشی که از جای دیگری آمده بودند، این جا با یکدیگر جنگیدند.
تنها علیه ما بود که بلد بودند با هم متحد شوند.

ایتالیا ۱۹۴۳

«بازگشت به حالت عادی» : مأموران دولت نظامی آمریکایی به مردم ایتالیا آرد می فروشند.





"Restoring the normal flow of life"—AMG officers sell American flour to Italian civilians.

و این هم آرد و یک پادشاه، از خودتان پذیرایی کنید!
ولی بی پادشاه، بی آرد.
آن که حاضر به لیسیدن چکمه ها نشود
بہتر است خودش را برای گرسنگی آماده کند.

پسر جوان آمریکایی ژاپنی تبار که چشمانش را هنگام عبور از رودخانه ولتورنو از دست داده است، به آرامی روی تخت بیمارستان استارک ژنرال در چارلستون نشسته است.

۵۱



دیگر از شهر خبری نیست. نه از دریا و نه از ستارگان چشمک زن.
و از این پس دیگر نه زن و نه هرگز فرزندی.
دیگر از آسمان آرام و نه حتی از افق تاریک
نه در ژاپن و نه حتی در اورگون هیچ خبری نیست.

سربازن آمریکایی ۱۹۴۴

سربازان خسته ای که پس از یک روز و نیم نگهبانی در پست جنگی شان توسط دوربین عکاس مجله «لایف» جرج سیلک در خواب نیم روزی، زیر آفتاب، غافلگیر شده اند. برخی از آنها در پناه گودال و برخی دیگر بی آن که نگران گلوله های آلمانی باشند، بی آن که پناه گرفته باشند خوابیده اند. نوار سفیدی که در برخی از عکس ها می بینیم، مربوط به علامت گذاری گروه مین یاب است که از شب گذشته در جنگل راه باز کرده اند.

۵۲



این مردان به گل و لای آغشته را می بینید
 گویی در قبر آرمیده اند،
 بی آن که واقعا مرده باشند، ولی آنها خوابیده اند
 و اگر می خوابیدند نمی توانستند پاس بدهند.

۶ ژوئن ۱۹۴۴ پیاده شدن آمریکایی ها
در سواحل شمالی فرانسه

۵۳



در آن صبح زود ژوئن نزدیک شربورگ
مردی از شهر مین از امواج بیرون آمد و،
بر اساس گزارشات، علیه مردی از آلمان به راه افتاد
ولی در واقع علیه مردی از استالینگراد به راه افتاده بود.

پارتیزان های شوروی

۵۴



ولی وقتی به دروازهٔ مسکو رسیدیم سرخ‌ها به پا خاستند
در برابر ما مردمان کار و مزرعه بودند
و به نام اتحاد تمام خلق‌های جهان ما را شکست دادند
حتی به نام خلقی که خلق آلمان نامیده می‌شد.

پیاده نظام آلمانی – و پیاده نظام روسی





A German Landser—

Associated Press



—And his Russian counterpart

The New York Times

دو برادر که سوار ارابه جنگی شان شده بودند
اولی برای دومی رجز می خواند.
در برابر فیل دست آموز
هیچ کسی بی رحمتتر از هم نوعش نیست.

سرباز آلمانی نابینا در بیمارستان نظامی مسکو

۵۶



تو چشم هایت را جلوی دروازه های مسکو از دست دادی.
ای مرد کور، تنها این گونه همه چیز را در خواهی یافت.
راه گم کرده به مسکو نرسید.
اگر مسکو را می دید، تو نیز آن را می دیدی.

ov



کلاهخود شکست خورده ها را نگاه کنید!

ولی صدای ناقوس شکست تلخ هرگز در پایان کارزار نبود که طنین انداخت

و نه حتی آن وقتی که کلاهخود ها یمان را برگرفتند، هرگز

صدای ناقوس شکست تلخ، همان روزی که مطیعانه آن را بر سر نهادیم طنین انداخته بود

پایان...

گروه‌بان، ژرژ کروزرگ (پیاده نظام یگان ۸۶)، یگان‌های روسی او را در این حالت در جبهه جنگ اورل پیدا کرده‌اند. او تعادل روانی‌اش را از دست داده است.

۵۸



Das Ende...

Unteroffizier Georg Kreuzberg (86. I. D.) wurde von russischen Truppen auf dem Schlachtfeld von Orel in dieser Stellung angetroffen. Er ist geistesgestört.

سر بیچاره ام را در دست هایم می گیرم
گم راه شده غیبش زده است.
مرغ در سنگدانش دانه های کوچکی دارد :
دانه هایی برای کوتوله ها.

اتحاد جماهیر شوروی ۱۹۴۲

پس از آزاد سازی «کرچ» توسط یگان هایمان، آثار شقاوت و جنایت شرم آور ارتش آلمان را در خاک اتحاد جماهیر شوروی کشف کردیم. ۷۰۰۰ نفر از غیر نظامیان را به گلوله بسته بودند. فرمانده نظامی به حيله مردم را به گردهم آيی در میدان «سنایا» دعوت می کند، سپس آنها را به خارج از شهر می برند و به مسلسل می بندند. این عمل شنیع جنایتکارانه توسط کمیسر روابط عمومی شوروی در ۲۷ آوریل ۱۹۴۲ گزارش شده است. پس از آزاد سازی شهر توسط ارتش سرخ به تاریخ فوریه ۱۹۴۲، در عکس پدر و مادری را می بینیم که جسد فرزندشان را باز شناسی کرده اند.

۵۹



"AFTER THE LIBERATION OF KERCH BY OUR UNITS, THERE CAME TO LIGHT THE SHOCKING DETAILS OF ONE OF THE MOST HEINOUS CRIMES THAT THE GERMAN ARMY PERPETRATED ON SOVIET TERRITORY—THE SHOOTING OF OVER 7,000 CIVILIANS. THE GERMAN COMMANDANT'S OFFICE ASSEMBLED THE POPULATION BY KUM, HAVING ISSUED ORDER NO. 4 DIRECTING THAT CITIZENS WERE TO APPEAR IN SENNAYA SQUARE. AFTER THEY ASSEMBLED THEY WERE SEIZED, DRIVEN OUTSIDE THE CITY AND MOWED DOWN BY MACHINE GUN FIRE." —FROM THE NOTE ON GERMAN ATROCITIES ISSUED BY PEOPLE'S COMMISSAR OF FOREIGN AFFAIRS VYACHESLAV MOLOTOV ON APRIL 27, 1942. THIS PICTURE WAS TAKEN AS TWO PARENTS, RETURNING TO KERCH AFTER ITS RECAPTURE BY THE RED ARMY IN FEBRUARY 1942, IDENTIFIED THE BODY OF THEIR SON.

آه ای مادر، من آن را ترحم دروغین می نامم
 هر ترحمی که به خشم سرخ مبدل نگردد
 و از تکاپو باز بایستد
 تا سرانجام این خار قدیمی از کالبد بشریت بیرون کشیده شود.

بازگشت به خانه



Return to Homesites



گویی که «من» ویرانگر خانه هایتان بودم
چون که برادرم باعث آن بود، آه خدای مهربان!
در حقیقت، چه روز خوبی بود
وقتی دریافتم که شما پیروز شدید و او را از سرزمینتان بیرون رانیدید.

۱۹۴۳

چهرهٔ ارتش آلمان حالا یخ زده و مات شده است، خالی از هر گونه اراده و غروری. همین ها بودند که یگان های ویژه را تشکیل می دادند و در سال های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ تمام جهان را به وحشت انداخته بودند. ولی هر چه بیشتر در سرزمین روسیه پیش می رفتند، کمتر دوستدار سرما و فضای های گسترده ای می شدند که در آن جا می مردند. بر عکس، هر اندازه روس ها به طرف غرب پیش روی می کردند، هوا گرم تر و آینده روشن تر می شد.

۶۱



ببینید پسرانمان را، ناشنوا و آغشته به خون
به دور از تانک های یخ زده ای که بر جا مانده است
حتی گرگی که دندان هایش را نشان می دهد،
نیازمند پناه گاه است! یخ زده اند، گرمشان کنید!

بازیافته ها در یک دهکدهٔ روس

این عکس از دهکده ای می آید که آلمان ها آن را تسخیر کرده بودند. چکمه های آلمانی خانه های کوچک روستایی را آلوده کرد، تبرهای آلمانی درختان توس را برید و در بخاری سوزاند، شکم های آلمانی ذخیرهٔ تاجران و دهکده های همسایه را بلعید. آلمانی ها مردان و زنانی را که از آنها سرپیچی می کردند، می کشتند و برخی را به بیگاری در مزارع محکوم می کردند و به خاطر یک کلام بیچاره به اتهام خیانت می کشتند. روستائیان اگر امکان فرار می یافتند به مبارزین می پیوستند ولی خیلی ها بر جا ماندند. نیمی از بازماندگان در اثر گرسنگی و یا بیماری مردند. با این وجود دهکده دوام آورد. وقتی ارتش سرخ از راه رسید، و آلمانی ها فرار کردند، پیر مردان و پیر زنان از خانه های ویران شده شان بیرون آمدند، ولی هنوز مات و میهوت بودند و باور نمی کردند که سرانجام آزاد شده اند. کودکان لاغر به استقبال سربازان آمدند. تنها آنها می دانستند که روزی چنین اتفاقی خواهد افتاد.

۶۲



REUNION IN A RUSSIAN TOWN

This picture comes from a Russian village which the Germans overran. German boots muddied the neat little houses. German axes cut down the birch trees for firewood, German stomachs consumed the storekeeper's stock, the produce of nearby farms. And the Germans hanged men and women for resisting them, sent others to forced-labor camps, shot "traitors" for a chance word. The villagers who could went off to join the guerrillas; but many stayed. Of these, nearly half died of hunger and disease. Yet the town lived.

When the Red Army came again and the Germans fled, the old people crept from the ruins of their homes. They were dazed, afraid to believe that deliverance was really here. But the thin little children ran ahead, welcoming the soldiers. They had known that it would be like this—some day.

کوچولویی به روی بازو و تفنگی در دست

جان بر کف برای زندگی در جهانی بهتر :

پس از این نبرد خونین

آرزو می کنم کودکان خلق من به استقبال شما بیایند.

این کودک یونانی با صورتی که تحت تأثیر گرسنگی تکیده شده، یادآور مرگ یک سوم کودکان یونانی در اثر گرسنگی است. بین نوزادان از هر ۱۰ نفر ۹ نفر می مردند. شرایط به گونه ای سخت بود که سازمان ملل متحد با این که یونان در محاصره به سر می برد بخش نامه صادر کرد که کمک هایی به پایتخت ارسال گردد.

کودکان روسی بیش از همه از نازی ها ضربه دیدند. زیرا نه تنها شاهد غارت شهر زادگاهشان بودند بلکه بسیاری از آنها طی نبردهایی که تا دشت های وسیع روسیه را به آتش کشیده بود زخمی می شدند.

برای این سیسیلی کوچولو که نازی ها والدینش را کشته اند، مانند بسیاری از کودکان ایتالیایی جنگ آفتاب را از سرزمینشان ربود. نازی ها از این کودکان در معادن مثل سمور کار می کشیدند. متفقین به این فجایع پایان بخشیدند.

این کودکان فرانسوی که در سکوت و ابهام در حیاط مدرسه ایستاده اند، دائما در خیابان های در پی نان و خوراکی می گردند، و به همین علت به اندازه ای خسته اند که دیگر قادر به آموختن درس هایشان نیستند. در این دوران درصد ابتلا به سل افزایش چشم گیری پیدا کرد.

۶۳



Greek boy swollen with hunger is a grim reminder that one third of Athens' children died of starvation, nine out of ten newborn were dying. Conditions were so horrible that the United Nations allow Greek relief to pass through the blockade.



Russian children are among those who have suffered most at the hands of the Nazis. Besides witnessing the rape of their home towns, many have been wounded in battles which rage like prairie fires across the devastated Russian plains.



A Sicilian lad who saw his parents killed by Germans finds, like other bewildered young Italians, that war has blotted out his sun. He will learn that Allied control ends such injustices as children toiling like moles in the sulphur mines.



French children—listless little ones standing silently in school yards at recess time, roving the streets in search of bread—are too tired and hungry to play normally or remember their lessons. Tuberculosis is steadily on the increase.

شما تانک ها و هواپیماها، جنگجویان بی باک
در الجزایر از گرما عرق می ریزید، در لاپونی از سرما یخ می زنید
از صد ها نبرد پیروزمندانه باز آمده اید:
ما مغلوبان شما هستیم. افتخار کنید!

٦٤



اکنون اگر به خاطر منافع خودتان مبارزه می کردید
اگر هنوز اندکی از توانتان بر جای مانده
خسته از جنگ، در انقباض مرگ و تولد.
تمام دنیا از پا افتادن شما را جشن می گیرند.

70



چنین است شهری که ما از آن فریاد می کشیدیم
«هایل» : درود بر ویران گران جهان.
شهرهای خودما نیز تنها گوشه ای
از تمام شهرهایی است که ویران کردیم.

این سربازان فرانسوی هستند که پس از پنج سال اسارت آزاد شده اند و روی یکی از جاده های آلمان در حال حرکت هستند. این نخستین مرحله از راهی است که آنها را به خانه هایشان و جهانی که کاملاً تحول یافته است، باز می گرداند.

۶۶



شما که از سرزمین غیر انسانی به خانه هایتان بازمی گردید
شما که نزد مردمانی که به بردگی تن داده بودند اسیر بودید
از آن چه بر شما گذشته است با تنفر یاد کنید.
ولی هرگز تصور نکنید که آزاد شده اید.

کولوین ۱۹۴۵

۶۷



آن گونه که شنیده ام، دانینگ استریت شما را سرزنش می کند :
با تحمل همه چیز شما گناهکار خواهید بود.
باشد! که اربابان تحمل تعریف ناپذیر مردم را
به ندرت سرزنش می کنند.

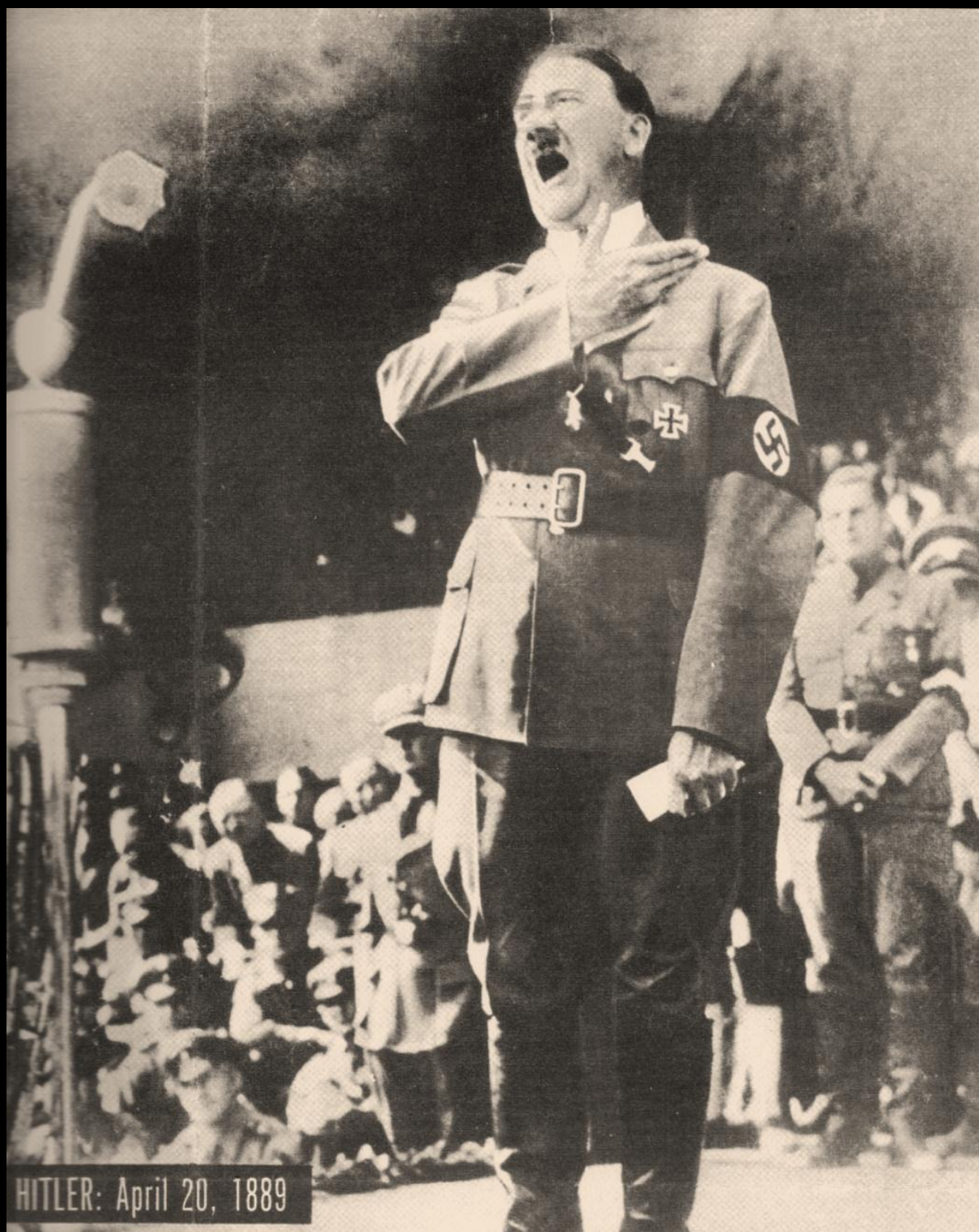
سربازان آلمانی

۶۸



فکر می کردم و هنوز هم فکر می کنم، که شما را می شناسم
نه چاپلوسم و نه کند ذهن
تا بگویم که شما برای تسخیر کورکورانه همه جهان بهترین بودید.
سربازان مطیع و بردگانی که افسار بردگی جهانیان را در چنگ می فشردید

٦٩



HITLER: April 20, 1889

این، همانی است که می رفت تا بر جهان حکومت کند.

ملت ها بر او چیره شدند. با این جود

می خواهم که خودتان را پیروز نپندارید :

زهدان هنوز از جنین این مصیبت بارور است.

۲

عکس های منتشر نشده
الفبای جنگ

A 1



مرا شاد و مسرور جلوی دیگ جوشان می بینید
من از هر لذتی پرهیز می کنم
بجز لذت فرمانروایی بر جهان، بیشتر از این نمی خواهم.
از شما نیز تنها فرزندانان را می خواهم.

(نروژ ۱۹۴۰)

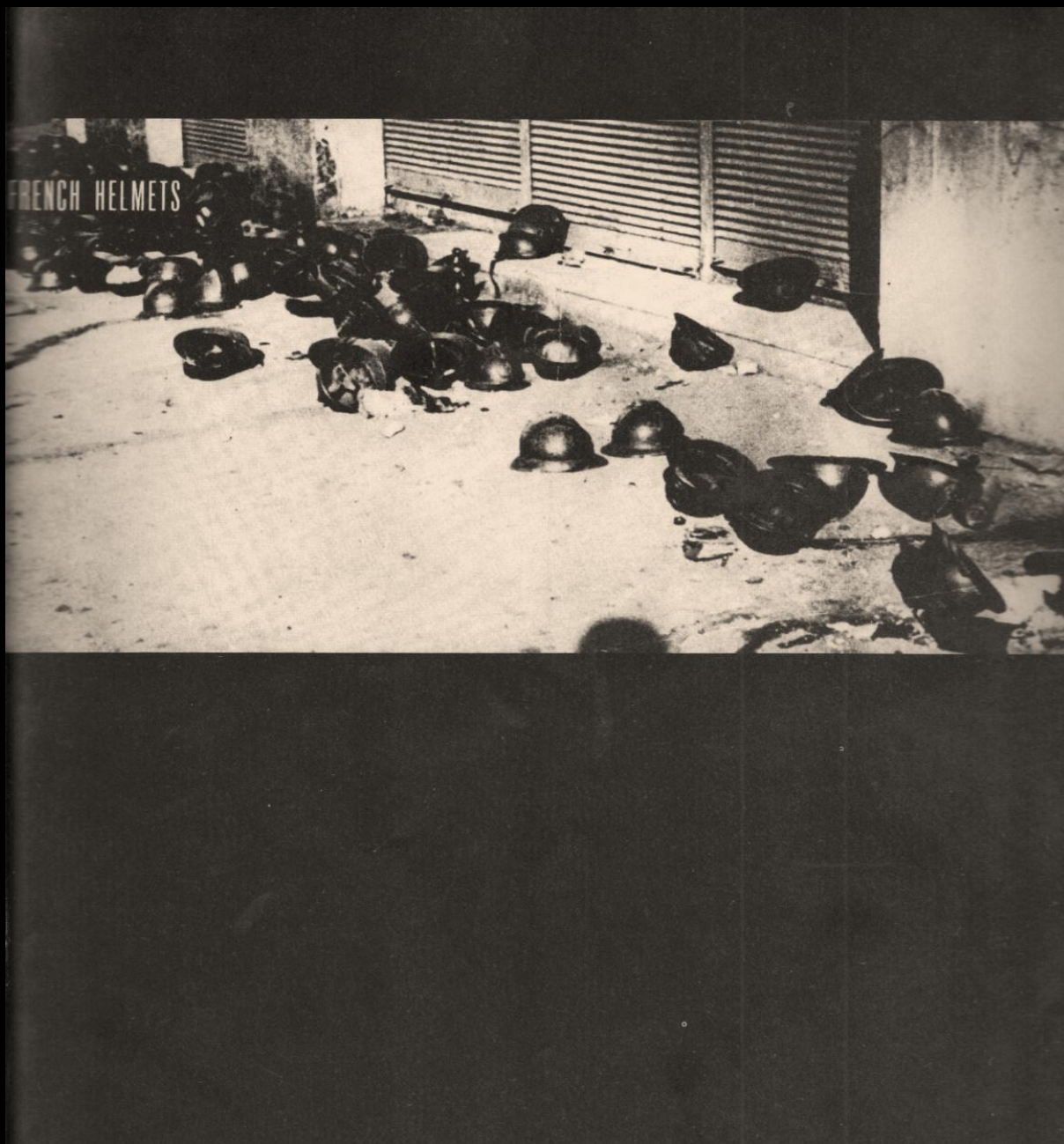
A 2



ما بخت برگشته ها، این کلاه ها را روی سرمان می گذاشتیم.
اگر یکی از آنها را بر شن های به جا مانده از سیلاب پیدا کردی
اهل نارویک، فرزند فردای نوید بخش
بدان که در این جا ما واقعا پیروز شدیم.

(فرانسه ۱۹۴۰)
کلاهخودهای فرانسوی

A 3



کلاهخود شکست خورده ها را نگاه کنید!
ولی صدای ناقوس شکست تلخ هرگز در پایان کارزار نبود که طنین انداخت
و نه حتی آن وقتی که کلاهخودهایمان را برگرفتند، هرگز
صدای ناقوس شکست تلخ، همان روزی که مطیعانه آن را بر سر نهادیم طنین انداخته بود

وینستون چرچیل و برنارد لاو مونتهگومری

A 4



خوش آمدید آقایان ! آیا می دانند؟
زیاد منتظر ماندن، آیا خطرناک نیست؟
برای این آقای مسلح به چتر
نخست، هیتلر می بایستی به روس ها حمله کند.

وينستون چرچيل

A 5

10
maj



اسلحه برای تیراندازی، شاید آن را به سردی بنگرید
ولی آن چیزی را که دود می کند، با همان نگاه ببینید.
سرمست از سرنوشت نبردها، ولی بدانید
تیراندازی در حال کشیدن سیگار، عمر را طولانی می کند.

(لندن ۱۹۴۰)

بازی نورافکن ها

عکس از آشوشیتد پرس در برلن است که یک بمب افکن آلمانی را روی آتش ضد هوایی انگلیس نشان می دهد.

A 6

Strålkastarspel



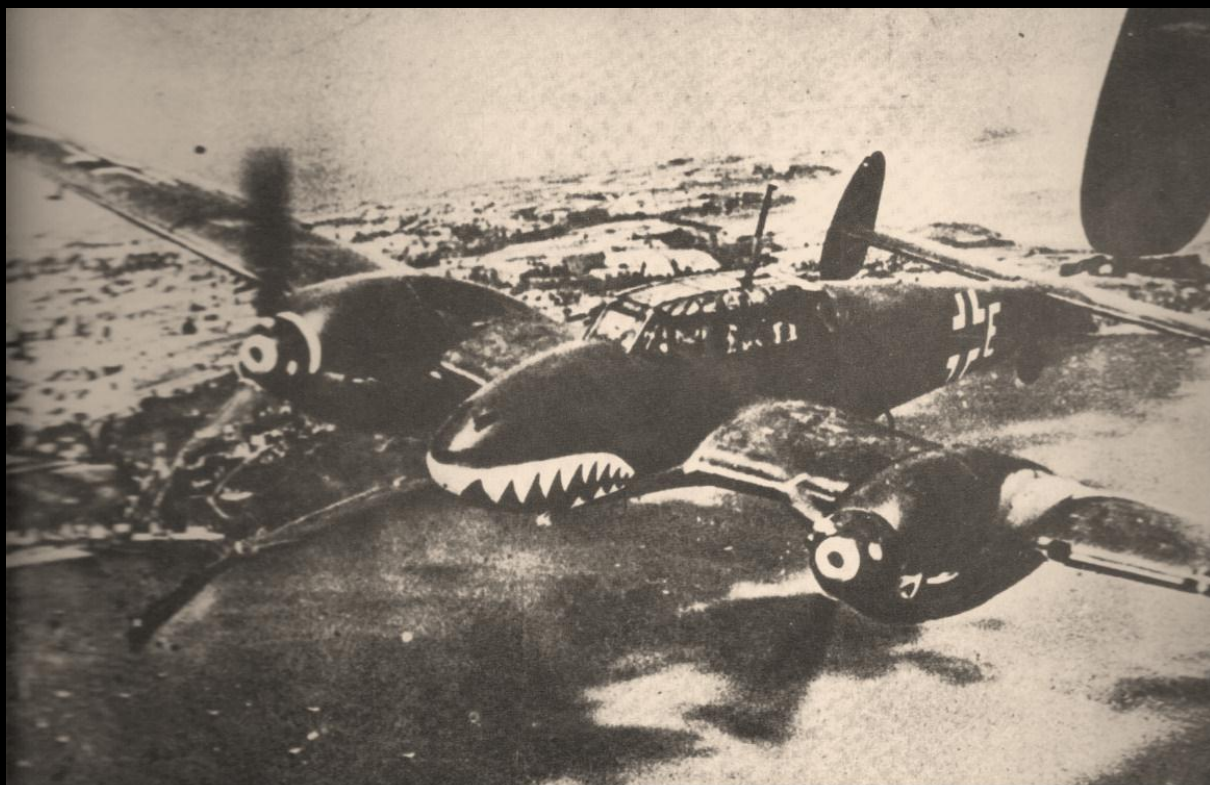
Vi återge här en bild från Associated Press, Berlin, framställande ett tyskt stridsplan, utsatt för engelska „strålkastarbatteriers” eld.

آن چه میان ابرهای شبانه می بینید
بمب هایی از جنس شیشه و فولاد است
که برای قتل ساکنین زمین پرتاب می کنند
ولی شرّ در ماهیت آنها نیست.

(انگلستان ۱۹۴۰)

کوسه های پرنده (بمب افکن های آلمانی) بر فراز مانش.

A 7



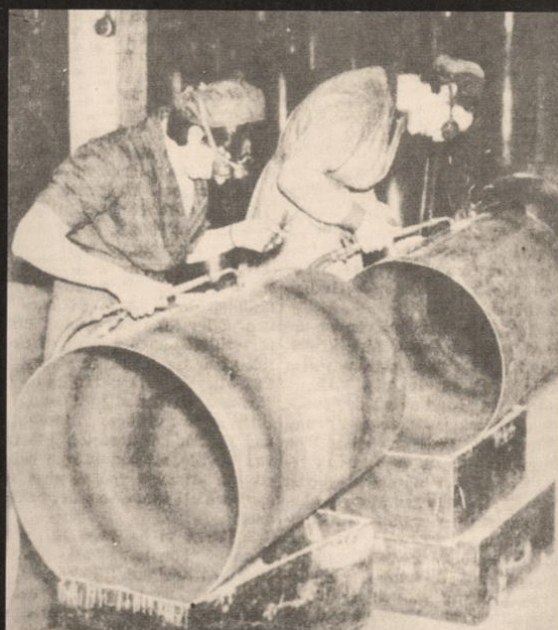
رجزخوانان، به ما می گویند کوسه های پرنده
وقتی از سواحل پر جمعیت عبور می کردیم
روی نوک هواپیماها این دندان های وحشتناک را کشیدیم
می دانیم که این بار دروغ نگفته ایم.

بمب های آلمانی که زیر درختان زیتون پنهان کرده اند...
دوستی آهنین برای مالت
دو کارگر زن در حال جوش دادن سیلندر برای نارنجک های ضد زیر دریایی.

A 8



Toi, l'olivier, qui de ton feuillage clément
 Couvres si bien les meurtriers de tes frères
 Tu es souvent comme ces femmes coiffées de blanc
 Qui soudent les bombes pour un petit salaire.



تو ای درخت زیتون که با برگ های سخاوتمندت
 قاتلان برادرانت را پنهان کرده ای
 تو مانند این زنان سفید پوشی هستی
 که برای مزدی حقیر بمب می سازند.

ایالات متحده ۱۹۴۱

گردهم آیی مردان دولتی : سول بلوم، رئیس کمیسیون امور خارجه در کنگره و جرج هولدن
تینکام طرفدار سیاست انزوا گفتگو می کنند.

A 9



شما ما را در حال مبارزه می بینید
چشمانمان همچو تیرهای زهرآکین یکدیگر را نشانه گرفته اند
زیرا بین ما جهان ایستاده است
پرسش این است : چگونه آن را تقسیم کنیم؟

A 10



به این گنده گوش کنید که چگونه مقامش را گدایی می کند!
خواهش می کنم همگی بی هیچ استثنائی او را انتخاب کنید!
برای سپردن او به درخت.
در این صورت خیلی بالا خواهد رفت، و نه هرگز بر دوش شما.

ایالات متحده

بونی واترز، الاهی ای زیبا، روش خاصی را برای فروش تمبر ابداع کرده بود که پول آن به نفع دفاع از مسافرینی جمع آوری می شد که با قطار نیویورک را ترک می کردند.

A 11



اجازه دهید این خانم زیبا را لمس کنیم
و بهای زیبایی هایش را نیز بپردازیم
از جیب کنار دستی مان
چنین آغاز شد، ولی چگونه تمام خواهد شد.

ایالات متحده

جین ویمن^(۱) مدال های را به عنوان عناصر تزئینی بر لباس آبی رنگی که یک وطن پرست هالیوودی دوخته بود نمایش می دهد. وطن پرست هالیوودی بر این باور است که دختران باید از استیل نظامی برای آرایش زنانه استفاده کنند. مدال ها در این جا مدال های ساختگی هستند و برای بازشناسی عمل قهرمانانه نیز اعطا نشده اند.

1)Jane Wyman

A 12



Jane Wyman shows her medals, adorning an "H. A. F. blue" dress designed by a Hollywood patriot who says girls should "go military in a feminine way." These are reproductions of old war medals and were not pinned on Jane for anything she did.

سینه های عریان با برش نظامی
جلوی تزئین شده با مدال های جنگی قدیمی
تمام هالیوود علیه هیتلر بر می خیزد.
خون به اسپرم تبدیل می شود...

ایالات متحده

A 13



این چیزی هایی است که مردم اسپوکان به ما اهدا کردند
در کنگره، یک سینه بند هم به عنوان پاداش ضمیمه شد.
وقتی کنگره به پاس خدماتش بودجه درخواست کرد
ما را خواهد فهمید.

اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی

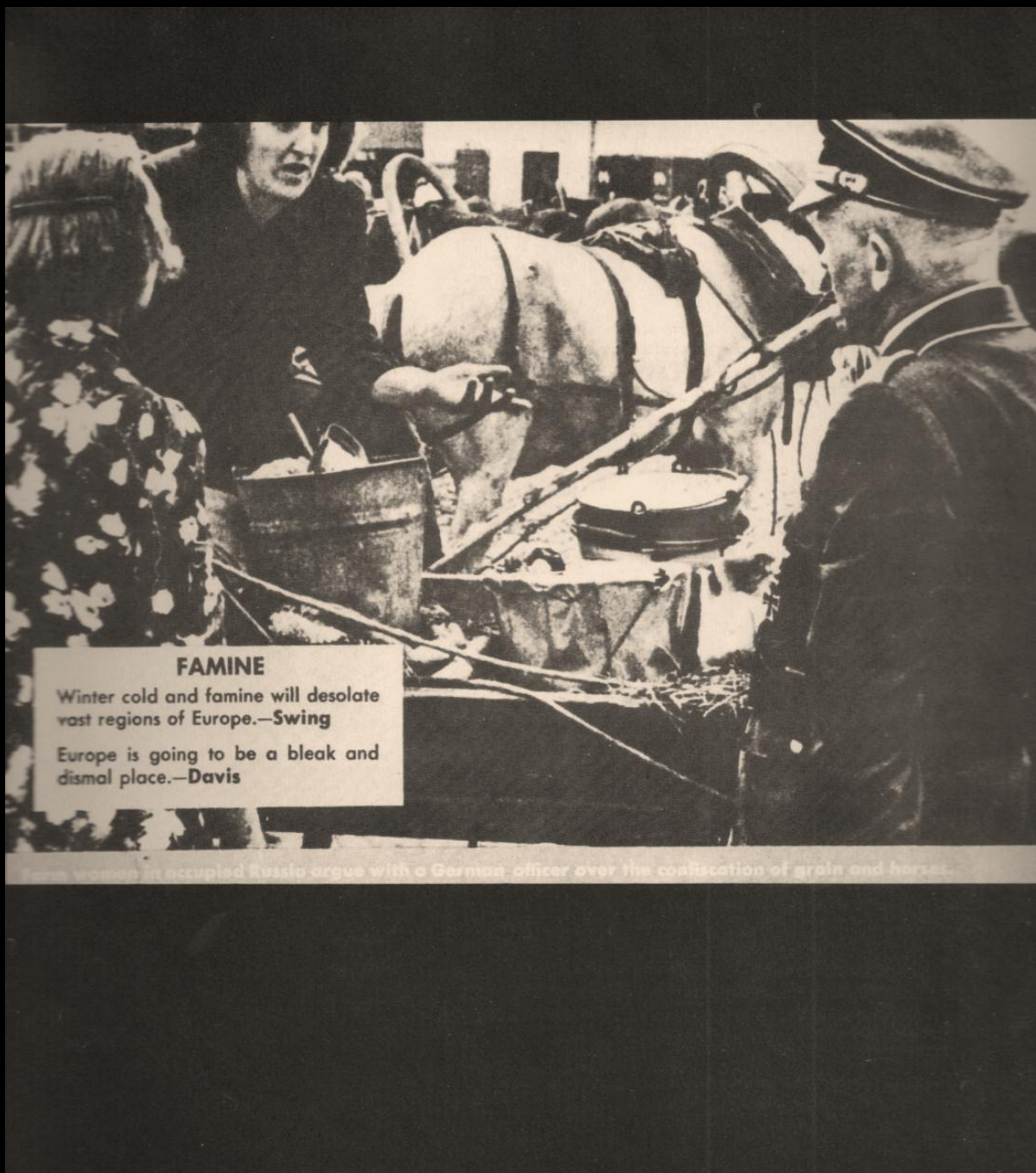
در اشغال آلمان

دهقانان سرزمین های اشغالی در روسیه در حال گفتگو با افسر آلمانی هستند و سعی می کنند او را از گرفتن اسب ها و دانه ها منصرف سازند.

گرسنگی

سرمای زمستان و گرسنگی سطح گسترده ای از اروپا را تهدید می کند.

A 14



خیلی چیزها باید بماند، خیلی چیزها باید برباد رود
ولی وقتی گرسنگی عمومیت پیدا کرد، خرد نیز حاکم می شود
خیلی چیزها باید بر جا بماند، خیلی چیزها نباید آینده ای داشته باشد
تا این که این زن اسب به این زیبایی اش را فراموش کند.

(ایالات متحده)

جنگ آینده در قطب شمال توسط جنگجویانی مانند این سرباز آمریکایی هدایت خواهد شد که با لباس و تجهیزات ویژه اش که برای مناطق قطبی ساخته شده،

خیلی به مریخی ها شباهت دارد.

A 15



بگوئید، شما بانوان تگزاسی یا پیتسبورگی
آیا می خواهید پسران تن چین شکلی داشته باشند؟
اگر آنها را به این شکل به خانه ما بفرستید
مثل گرگ بر ما یورش خواهند آورد.

A 16



بگذارید زنان سالخورده به سوی من بیایند.
پیش از آن که در گور آرام بگیرند
آن کسی را که فرزندشان را زیر آتش بار فرستاد خواهند دید
پیش از آن که به خاک سپرده شوند.

٣

توضیحات

سیر تکوین «الفبای جنگ»

در این جا بر اساس سیر تاریخ تکوین الفبای جنگ اثر برتولت برشت، بر آن هستیم تا مجموعه پرونده های آن را در این جا معرفی کنیم. با آگاهی به این امر که مدارک موجود کامل نیستند.

۱

۱۹۲۵- برتولت برشت از نشریات قطعاتی را می برد و در دفترچه ای جداگانه می چسباند. یکی از این قطعات بریده شده، عکسی از شهر یوکوهاما است که در اثر زلزله ویران شده. در این تصویر تعدادی ساختمان می بینیم که با فولاد ساخته شده و علی رغم زلزله سر پا ایستاده است. این موضوع از دیدگاه برتولت برشت معنی دار بوده و گواه بر پیروزی فنی بر طبیعت است : چه این که انسان از این پس می تواند ساختمانی بسازد که در زلزله و سوانح طبیعی تاب بیاورد (این موضوع را در متنی تحت عنوان «پنج مشکل برای بیان حقیقت» مطرح می کند). (مترجم : علاوه بر این برشت نخستین نمایشنامه آموزشی خود را نیز با همین انگیزه می نویسد و «پرواز بر فراز اقیانوس» را باید به عنوان بزرگداشت پیروزی فنی انسان تلقی کنیم - زیرا برای نخستین بار در سال ۱۹۲۸ فاصله بین قاره نوین و قاره قدیمی به وسیله هواپیمایی که آن را «سنت اسپیریت» نامیده بودند توسط شارل لیندبرگ پیموده شد. چنین واقعه ای برای برتولت برشت یک پیروزی بزرگ فنی بود. ولی در دومین نمایشنامه آموزشی «اهمیت موافق بودن» این پیروزی زیر علامت سؤال می رود و این بار هواپیما سقوط می کند...)

۲

۱۹۳۴- برشت در «ضرورت بازسازی حقیقت» در کتاب «نوشته هایی درباره جامعه و سیاست» می گوید : «در دورانی که عوام فریبی و دروغ را تشویق و ترویج می کنند، فرد اندیشمند می کوشد تا آن چه را که شنیده و خوانده است تصحیح کند. در ذهنش آن چه را که شنیده و خوانده، جمله به جمله تکرار می کند و اندک اندک آن را تصحیح کرده و حقیقت را جایگزین دروغ می سازد. با چنین تمرینی، او دیگر به شکل دیگری نمی تواند بشنود و یا بخواند.»

۳

۱۹۳۴- برشت چشم انداز گفتمان فاشیست را که گورینگ و هس نمایندگان آن بودند، مورد بررسی قرار می دهد و چگونگی تحریف حقیقت را در «نوشته هایی درباره سیاست و جامعه» نشان می دهد.

۴

۱۹۳۶- نخستین طرح مجموعه شعر زیر عنوان «الفبای جنگ آلمانی» در سال ۱۹۳۹ منتشر شد. والتر بنیامین به ویژگی ناکامل آنها اشاره می کند، که به باور او «مثل رمی ها نوشته ای بر سنگ نبود، بلکه به مانند مبارزین سایه آسا به روی پرچین».

۵

۱۹۳۸.۰۷.۲۰- برشت نگارش «روزنامه کار» را آغاز می کند. در این دوران بیش از پیش عکس هایی را زیر نوشته هایش می چسباند. تا آغاز جنگ بیشتر عکس های خانوادگی و دوستانش را به کار می برد و سپس عکس های روزنامه ها و مجلات را اضافه می کند. با به کار بردن چنین تصاویری است که او رویدادها را تفسیر کرده و به روابط تصویر و نوشته می پردازد.

6

۱۹۴۰.۰۳.۱۴- برشت یک چهار بیتی می نویسد که زیر تصویر شماره ۱ در الفبای جنگ می بینیم.

۷

۱۹۴۰.۰۷.۲۵- برشت درباره «اپیگرام» یونانی مطالعه می کند. (مترجم: اپیگرام متنی را گویند که در یونان باستان برای بزرگداشت شخصیت ها و یا قهرمانان روی بناها و مقبره ها می نوشتند. اپیگرام ابتدا نثر و سپس به نظم نگاشته می شد. از قرن چهارم پیش از میلاد، به قطعه های شاعرانه ای اطلاق می شد که به دلیل مختصر بودن آن، اندیشه خاص و دقیقی را بازنمایی می کرد.)

۸

۱۹۴۰.۰۷.۳۰ - «سعی کردم چند اپیگرام بنویسم، ولی به هیچ عنوان نتوانستم با به کار بردن این سبک قطعاً نمایشی بنویسم.» (روزنامه)

۹

۱۹۴۰.۰۸.۱۹ - «در حال حاضر تنها اپیگرام های هشت بیتی و بیشتر چهار بیتی می توانم بنویسم.» (روزنامه)

۱۰

۱۹۴۰.۰۸.۲۸ - برشت یادآوری می کند که در اپیگرام های یونانی دائماً به اشیاء روزمره برخورد می کند. و اضافه می کند که چنین اشعاری با اشیاء روزمره در زمانه ما سازگاری نخواهد داشت : «در زیبایی یک هواپیما چیزی مبتذل وجود دارد.» و پای این توضیحات در روزنامه اش عکس دماغه یک هواپیما را ضمیمه می کند.

۱۱

برای نخستین بار در روزنامه اش، برشت عکس و چهار بیتی را با هم ضمیمه می کند.

A 1 , A 2

۱۲

برشت نخستین اپیگرام هایش را با الهام از سنت یونان به عنوان «قطعۀ یا پلاک یاد بود» نوشت و بعداً عکس های الفبای جنگ را به آن اضافه کرد [«پلاک یاد بود برای قربانیان جنگ هیتلر علیه فرانسه» (عکس نوشته شماره ۱۰) و «پلاک یاد بود برای ۴۰۰۰ قربانی جنگ هیتلر علیه نیرو که در دریا غرق شدند» (عکس نوشته شماره ۷)].

۱۳

۱۹۴۵-۱۹۴۰ - به استثناء دو مورد (به توضیحات شماره های ۵۳ و ۵۷ مراجعه کنید) برشت مجموع عکس نوشته های موجود (فتوگرام) در مجموعه حاضر را فراهم می سازد. برشت در دو دوره روی «الفبای جنگ» کار می کند، از ۱۴ مارس ۱۹۴۰ تا پایان ۱۹۴۰ و در ژوئن ۱۹۴۴ تا پایان جنگ.

۱۴

۱۹۴۴.۰۶.۲۰ - «روی تعداد تازه ای از عکس نوشته ها کار می کنم. قدیمی ها و خصوصاً آنهایی را که اوایل جنگ نوشته بودم مرور کردم و تقریباً چیزی را در آنها تغییر ندادم (از دیدگاه سیاسی موضع من تغییر نکرده است)، و با توجه به وجوه متغیر این جنگ، گواه خوبی بر اعتبار روی کرد من می باشد. در حال حاضر ۶۰ چهار بیتی نوشته ام، و به علاوه «ترس بزرگ و فروپاشی رایش سوم»، مجموعه اشعار و شاید «پنج مشکل برای نوشتن حقیقت»، این مجموعه گزارش ادبی مناسبی در دوران تبعید خواهد بود.» (روزنامه)

۱۵

برشت عکس نوشته شماره ۶ را تهیه می کند (روزنامه)

۱۶

روت برلو (۱) از دست نوشته های الفبای جنگ عکس برداری کرده و به این ترتیب چندین نسخه تهیه می کند. برشت یکی از این نسخه ها را به کارل کورش (۲) می دهد. این نسخه ها که هم اکنون در کتابخانه هوگتون (۳) در هاروارد در ایالات متحده آرشیو شده است نخستین نسخه های «الفبای جنگ» را تشکیل می دهد.

- 1) Ruth Berlau
- 2) Karl Korsch
- 3) Houghton

17

۱۹۴۵.۰۲.۲۵ - «الفبا یکی از بهترین چیزهایی است که درباره جنگ تهیه شده. من آن را چندین بار خواندم و هر بار مطلب تازه ای را در آن کشف کردم.» (نامه کارل کورس به برشت در آرشیو برتولت برشت: ۵۶-۶۰/۱۱۸۵)

۱۸

پائیز ۱۹۴۸ - رون برلو از جانب برشت به کورت دش ناشر مونیخی، کتاب الفبای جنگ را پیشنهاد می کند ولی ناشر با انتشار آن موافقت نمی کند. (آرشیو برشت)

۱۹

برشت از کورت دش می خواهد که دست نوشته را به او بازگرداند، زیرا او می خواهد آن را در جمهوری دموکراتیک آلمان منتشر سازد. (آرشیو برشت)

۲۰

خانه انتشاراتی آلمان شرقی (۱) که دست نوشته الفبای جنگ به آن پیشنهاد شده بود، آن را برای کمیته فرهنگی (۲) برای نشر کتاب می فرستد، که این کمیته نیز آن را برای بررسی رئیس اتحاد حزب سوسیالیستی را مطلع می سازد. در زیر، متن کمیته فرهنگی را که انتشار دست نوشته الفبای جنگ را پی گیری می کرد، خواهید خواند.

- 1) Volk und Welt
- 2) Der kulturelle Beirat für das veragswesen

۱۹۵۰.۰۳.۱۶

کمیته فرهنگی برای نشر کتاب

به اتو گروتووهل

M. Otto Grotewohl

رئیس حزب اتحاد سوسیالیستی

موضوع : دست نوشته برتولت برشت «الفبای جنگ» (پرونده حاوی عکس)

آقای گروتووهل گرامی،

خانه انتشاراتی ما، دست نوشته برتولت برشت زیر عنوان «الفبای جنگ» را ارسال می دارد. برتولت برشت مدعی است که با انتشار این پرونده مصور هم چنان در پی مبارزه با جنگ افروزان امپریالیست می باشد. با این وجود از دیدگاه ما عکس های موجود در پرونده از دقت کافی برخوردار نبوده و نوشته های او نیز چیزی نیست به جز بیان صلح دوستی ساده و موضع گیری در مقابل جنگ. برشت در بیان نظریاتش در انتخاب عکس دچار اشتباهاتی شده است، به عنوان مثال عکس نوشته شماره ۴۳ (در کتاب حاضر شماره ۴۲ منظور است). ظاهراً او در این جا مبارزات قهرمانانه خلق های تحت ستم را ندیده گرفته است. ما از تو خواهش می کنیم که نظرت را در مورد این دست نوشته به اطلاع ما برسانی و یا اگر مایل هستی، می توانی داوری درباره آن را به عهده فرد دیگری بگذاری که به او اعتماد داری. خواهش می کنیم پرونده ارسالی را هم راه با داوری ات برای ما بازگردان.

با درود سوسیالیستی

(امضا خوانا نیست)

(پاسخ ۱۹۵۰.۰۳.۱۹ با مداد سبز) «من کاملاً با نظر شما موافقم، به هیچ عنوان مناسب نیست. اتو گروتووهل.» (آرشیو برتولت برشت)

۲۱

۱۹۵۰.۰۴.۲۶- اتو گروتووهل کتاب برتولت برشت را برای ارزیابی به استفان هیمن واگذار می کند که ریاست امور فرهنگی حزب اتحاد سوسیالیستی را به عهده داشت. به تاریخ ۱۹۵۰.۰۴.۲۶ استفان هیمن نامه ای برای برتولت برشت می فرستد که در زیر خواهید خواند :

«برتولت برشت گرامی، شورای فرهنگی کتاب الفبای جنگ شما را در اختیار من گذاشت تا گزارشی از آن تهیه کنم و جای آن دارد که نتایج بررسی ها و انتقاداتم را در رابطه با برخی موارد به اطلاع شما نیز برسانم (...)

در مورد کتاب برتولت برشت، کیفیت شاعرانه آن مورد نظر من نیست، ولی در رابطه با ساختار کلی اثر و برخی نکات خاص، انتقاداتی را وارد می دانم.

این اثر به هدف ایجاد احساس انزجار از جنایات دهشتناک فاشیست های آلمانی در طول جنگ نوشته شده است. جای تردیدی نیست که از این دیدگاه بسیار مناسب است. ولی نقطه ضعف بزرگ این کتاب در آخرین بخش آن نهفته است، یعنی همان گونه که آخرین عکس نوشته (شماره ۶۹ در این کتاب) نشان می دهد، گویی که فاشیسم نمرده و اگر نتوانیم آن را از بین ببریم ممکن است که با خطر جنگ مشابهی مواجه گردیم. فاشیسم نوین هیتلر دیگری نیست. طرفداران فاشیسم نوین اربابان صنایع آمریکایی و مبلغین آنها، و برای ما به طور

مشخص خیانت کاران آلمانی در آلمان غربی هستند. ولی اثر شما حتی یک کلمه هم درباره چنین مفاهیمی حرف نمی زند.

در نتیجه تأثیرات و هشدارهای که کتاب در جستجوی منتقل ساختن آن به خوانندگان است، در تمام سطوح با موفقیت انجام می گیرد ولی به استثناء مواردی که پیش از این یاد کردم، و خواننده نمی تواند به شکل عینی رابطه بین تصویر و خطر جنگ در زمان حاضر را تشخیص دهد، و به همین علت کیفیت اثر نقش بر آب می شود. اضافه کردن چند قطعه در پایان کتاب، که این مورد را به شکل عینی توضیح دهد، کار چندان مشکلی نیست و خیلی مؤثرتر از تصویر هیتلر خواهد بود.

در مورد اولین شعر باید یادآوری کنیم که به نظر او تمام جنایات جنگی به شخص هیتلر باز می گردد. تنها یک هیولا مسئول مرگ ۳۰ میلیون انسان بوده است. در این جا باید راه حل دیگری پیدا کرد تا نشان داده شود که هیتلر نماینده فروشندگان اسلحه بوده است.

شعر شماره ۴ به عقیده من «خدا فاشیست است» واکنش مناسبی در خوانندگان بر نمی انگیزد.

در شعر شماره ۲۱ در پایان می بینیم که شکارچیان به نیستی رهسپار می شوند! آیا واقعا چنین است؟ من فکر می کنم که نه، همانطور که نویسنده در پایان می گوید که برای تکرار چنین جنایاتی بازخواهند آمد. در نتیجه جمله «به نیستی» که در این قطعه می بینیم موجب تنزل مبارزه می گردد.

شعر شماره ۲۴ موضوع نوسک را مخدوش جلوه می دهد، زیرا نوسک یکی از طلایگان فاشیسم بود. در مورد اصطلاح «فرزند خلق» نیز تصور می کنم که در رابطه با موضوع مناسب نیست.

در شعر شماره ۴۲ در پایان می خوانیم که مردم «و از دور آتش افروزی شان را می نگرستند». حقیقت ندارد، زیرا مردم مستقیما حتی در پناه گاه هایشان در مبارزه شرکت می کردند و تنها از دور به تماشای صحنه جنگ نمی نشستند.

شعر شماره

A 12

به هیچ عنوان مناسب نیست و باید کاملا با توجه به تصویر باز نویسی شود.

عکس و نوشته شماره ۵۵ را کاملا از این مجموعه باید حذف کرد. از دیدگاه من این قطعه ناسزاگویی به ارتش سرخ است، زیرا عکس سرباز ارتش سرخ و سرباز فاشیست در کنار هم به یکسان ارزیابی شده است. به همین ترتیب مقایسه ای که با فیل تربیت شده و فیل وحشی انجام گرفته بسیار نابجا است. این عکس نوشته مفهوم جنگ برای دفاع از وطن سوسیالیستی را منحرف می سازد و قابل قبول نیست. به نظر من می توان بر اساس انتقادات این مجموعه را تصحیح کرد و مطمئنا خیلی به ارزش آن می افزاید.

۲۲

پاسخ برتولت برشت :

«۱. الفبای جنگ امروز نوشته نشده است. این کتاب به شکل روزنامه و تفسیرهای چهار خطی در رابطه با عکس هایی که در مجلات و روزنامه ها منتشر می شدند، در سال های هیتلری نوشته شده است.

این تفسیر های چهار خطی تغییر نمی کنند. در نتیجه ممکن است که برخی موارد وجه تاریخی داشته باشند و با گذشت زمان مفهوم خودشان را پیدا کنند. به این ترتیب اشتباهی در آن ها نمی بینم (به عنوان مثال، در این نوشته ها هیچ ابهامی در مورد هم پیمانان اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی علیه هیتلر باقی نمی گذارد) یعنی نکته ای که برای خیلی از ما روشن است ولی برای خیلی های دیگر هنوز روشن نیست. به هر جهت، اگر بخواهم آنها را به شکل مابعدی تغییر دهم، کار انجام شده در آن برهه تاریخی تحریف خواهد شد. لازم به یادآوری است که کار روی این کتاب در سال ۱۹۴۵ به پایان رسید.

۲. تحلیل نخستین تفسیر (مرتبط به عکس شماره ۱) اشتباه است. زمان انتشار این عکس به دورانی باز می گردد که هنوز جنگی بر پا نشده بود. در آن دوران در آلمان و به همین گونه در خارج «ضمانت خواب گردانه» ای که هیتلر با آن امور کشور را هدایت می کرد قابل تحسین به نظر می رسید و تفسیر شاعرانه من نشان می دهد که کشور به کدام سو می رفت. با این وجود به یاد می آورم که بین تفسیر های چهار خطی دست کم یکی از آنها به نمایندگی هیتلر برای فروشندگان اسلحه اشاره دارد. من این قطعه را پیدا خواهم کرد.

«خدا فاشیست است» به شکل هجونامه است و به معنای فاشیست اسپانیای کاتولیک است، و نه خدای نویسندگان که اساسا به آن اعتقادی ندارد.

نظریه ای که خدا را پشتیبان فاشیست ها می داند، در حالی که پاپ نیز به همین شیوه عمل می کند، خیلی بیشتر رایج است.

در مورد شعر شماره ۲۱ جمله [به نیستی] شیوه بیانی شاعرانه ای است که می خواهد بی آینده بودن خلبانان را نشان دهد، و به این معنا که به سوی نیستی پرواز می کنند، نیستی تاریخی.

شعر شماره ۲۴ نوسک به عنوان خائن به طبقه کارگر معرفی شده است و از این دیدگاه برای هیچ خواننده ای ابهامی تولید نمی کند و به اندازه کافی برای انتشار ارزشمند است.

عکس و نوشته شماره ۴۴ به مردمان سرزمین های استعماری مربوط می شود که ناظر جنگ هوایی بین ایالات متحده و ژاپن هستند، یعنی در آسمان. با این وجود به من توصیه شده است که برای اجتناب از سوء تفاهم مطالبی را تغییر دهم.

در مورد شعر شماره ۵۵ موافق هستم که آن را حذف کرده و شعر دیگری را جایگزین کنم.»

۲۳

نامه گونتر کانرت (۱)، از ناشران نخستین چاپ الفبای جنگ در آلمان شرقی به مسئول انتشارات فرانسوی به تاریخ ۱۹۸۴.۰۵.۲۱

1)Günter Kunert

«مشکلاتی که بر سر راه چاپ الفبای جنگ در آلمان شرقی پیش آمد، بر اساس انتقادات احمقانه ای بود که شاید باعث و بانی اصلی آن خود برتولت برشت باشد که با بروکراتها راه نمی آید. مخالفت ها بر این اساس بود که از برتولت برشت خواسته بودند که تمام عکس های هیتلر، گوبلز و گورینگ را که در این پرونده وجود دارد، حذف کند، زیرا که این خطر هست که برخی آنها را ببرند و به در و دیوار شهر بچسبانند، و یا این که روی صورتشان علامت ضرب در بگذارد که از این تصاویر به عنوان تصاویر اشخاص مقدس استفاده نکنند.»

۲۴

ژانویه ۱۹۵۴ - وزیر فرهنگ آلمان شرقی برتولت برشت را به عنوان مشاور هنری برمی گزیند.

۱۹۵۴.۰۱.۰۹ - امضای قرارداد بین برشت و خانه انتشاراتی اولنزیپگل (۱) برای الفبای جنگ، چاپ اول ۱۰۰۰۰ نسخه و سهم نویسنده ۱۰ درصد از روی فروش برای هر کتاب فروخته شده. (آرشیو برتولت برشت)

1)Eulenspiegel

۲۵

۱۹۵۴.۱۲.۲۱ - جایزه استالین برای صلح به برتولت برشت اعطا می گردد.

۲۶

«برخی منابع اعلام کردند که چیزی نمانده بود که چاپ ۲۰۰۰۰ نسخه از الفبای جنگ اثر برتولت برشت به چاپ نرسد. خدمات ادبی منطقه شوروی به دلیل خصوصیات «صلح جویانه» و اشعار هجو آمیز درباره عکس های دوران جنگ، اجازه چاپ ندادند. در این رابطه برتولت برشت یادآوری می کند که به عنوان عضو آکادمی هنر در منطقه شوروی، برای انتشار نیازی

به اجازه دفتر خدمات ادبی ندارد. سپس با اعتراض دفتر خدمات ادبی را تهدید می کند که از آنها به شورای جهانی برای صلح کمونیست (۱) شکایت خواهد کرد. به این ترتیب دفتر خدمات ادبی اجازه نشر کتاب او را صادر کرد.

(۱) برشت عضو این شورا بود و به همین ترتیب عضو شورای صلح در آلمان شرقی نیز بود.

۲۷

۱۹۵۵.۰۱.۰۴ - بر اساس آرشیو برتولت برشت ۷۴۵/۲۴

برشت برای سردبیر انتشارات اولنشیپگل می نویسد که خود او اجازه انتشار الفبای جنگ را صادر می کند. و سپس توجه دفتر خدماتی شوروی را به این ماده قانونی جلب می کند که آثار اعضای آکادمی هنر نیازی به اجازه نامه ندارد.

۲۸

۱۹۵۵.۰۶.۰۲ - به خانه انتشاراتی اولنشیپگل اطلاع می دهند که چاپ کتاب دو ماه به تأخیر خواهد افتاد.

۲۹

ژوئن ۱۹۵۵ - برشت مداخله می کند و در این صورت به او چاپخانه دیگری پیشنهاد می کنند که از نظر فنی کیفیت خوبی نداشت. ولی برشت دو ماه تأخیر را ترجیح می دهد.

۳۰

پائیز ۱۹۵۵ - انتشار الفبای جنگ توسط اولنشیپگل - ورلگ با ۱۰۰۰۰ نسخه. دومین و سومین چاپ در سال ۱۹۶۸ و ۱۹۷۷ هر یک ۷۵۰۰ نسخه. چهارمین تیراژ ۱۹۸۳ احتمالاً به همین اندازه بوده است. در خارج، ۴۵۰۰ نسخه در آلمان فدرال سال ۲۰۰۱ و در سوئیس ۱۵۰۰۰ نسخه.

۳۱

۱۹۵۵.۱۲.۱۷ - برشت از سردبیر انتشارات اولنشیپگل به خاطر کیفیت خوب کتاب که از دیدگاه او موفقیت آمیز است، سپاسگذاری می کند.

۳۲

۱۹۵۶.۰۲.۰۴ - انتشارات اولنشیپگل نامه ای به پیتر پالیتش (۱) همکار برشت می نویسد تا او را از تصمیم هیئت داوران در مورد الفبای جنگ به عنوان بهترین کتاب سال آگاه سازد :

«همکار گرامی پالیتش،

شاید شما پیش از این درباره گفتگوهای تند و تیز هیئت داوران برای گزینش بهترین کتاب سال، پیرامون کتاب الفبای جنگ مطالبی شنیده باشید. به مناسب گرد هم آیی آنها تأسف می خوردند که کتابی به این اهمیت از دیدگاه سیاسی و ادبی هنوز مورد بازشناسی قرار نگرفته است.

«این کتاب نشان می دهد که نویسندگان ما تا چه اندازه در سطوح متنوع کار می کنند و کاملاً پاسخ گوی آنانی است که می گویند نویسندگان ما (کشورهای سوسیالیستی) از یک الگوی یگانه پیروی می کنند. ویژگی اصیل و غیر رایج این کتاب خود به تنهایی گواه بر چنین واقعیتی است. توان پیام سیاسی که به مدارک عینی تکیه داشته و به مبارزه ای خدشه ناپذیر دعوت می کند. این کتاب از سنجه های ما برای داروی درباره زیبایی اثر فراتر رفته و برتولت برشت صحنه ای دیگر را برای ما تدارک می بیند. تصاویر در صفحه ای کاملاً سیاه ارزش مستند آن را بیش از همه بر جسته می سازد.

این کتاب به سادگی حقایقی که آشکار ساخته و منتشر می کند، زیبا است. ما متأسف هستیم که اگر این کتاب زیباترین اثر نیست، به این علت است که به دلایل فنی ناشر قادر به تهیه شکل اصلی آن نبوده است.

ما به خاطر انتخاب کاراکتر و کیفیت بد چاپ متأسفیم زیرا تصاویر را به دقت نشان نمی دهد. در ارزیابی کتاب همیشه می توانیم درباره جزئیات بحث کنیم ولی انتخاب کاراکترها مناسب نبوده است...»

۳۳

۱۹۵۶.۰۷.۰۹ - خانه انتشاراتی اولنشیپگل به برتولت برشت اطلاع می دهد که ۳۴۰۰ نسخه از کتاب الفبای جنگ به فروش رسیده است. «و این رقم چندان تشویق کننده ای نبود». از دیدگاه حرفه ای، این رقم به دلیل خشونت بار بودن مطالب سیاسی و تصاویر ارزیابی می شود. از این دیدگاه ناشر اضافه می کند که تربیت کردن آلمانی ها خیلی مشکل است... این کتاب در همه جا سر و صدا به پا می کند در آلمان شرقی و به همین ترتیب در آلمان غربی.

۳۴

برتولت برشت سه هفته پیش از مرگش نامه ای خطاب به سردبیر انتشارات اولنشیپگل می نویسد :

رفیق گرامی، سیدل(۱)،

به خاطر نامه مورخه ۱۹۵۶.۰۷.۰۹ سپاسگذارم. پیش از همه باید بتوانیم الفبای جنگ را در کتابخانه ها، خانه های فرهنگ، مدارس و غیره پیدا کنیم. آیا شما می دانید که این راه کارها را چه کسی می تواند به چنین مؤسساتی پیشنهاد کند؟ من کاملاً آماده هستم که برای آنها بنویسم، زیرا این واپس زدن دوران هیتلر و جنگ باید متوقف شود.»

۱۹۵۶.۰۸.۰۹ - «الفبای صلح» عکس نوشته ای که برشت بر پشت پوشه همراه جلد «الفبای جنگ» منتشر می کند هرگز به اتمام نرسید.



توضیحات درباره عکس نوشته ها

الفبای جنگ که برشت آن را در سال ۱۹۵۵ منتشر کرد، علاوه بر عکس ها و چهار بیتی ها، حاوی توضیحاتی درباره مدارک تصویری نیز هست که به گونتر کانت از ناشرانی که با انتشارات فرانسوی نیز همکاری داشته، به سفارش برتولت برشت نوشته است. برشت این توضیحات را برای اجتناب از ابهامات احتمالی در رابطه با مدارک منتشر شده ضروری می دانسته است. پس از سی سال، انتشار مجدد این توضیحات بیش از پیش ضروری به نظر می رسید.

در نتیجه ما توضیحات اولین چاپ را به همان شکلی که بود منتشر کردیم و در هر موردی که ضرورت ایجاب می کرد یادداشت های خودمان را اضافه کردیم. در این یادداشت ها از هر گونه اظهار نظر و یا داوری خاصی در رابطه با موضع گیری برتولت برشت خودداری کردیم. هدف ما در این یادداشت ها روشن ساختن چهار خطی های برشت از دیدگاه عینی و قراردادن آن در شرایط تاریخی آن، و معرفی متن های دیگر همین نویسنده بوده که در اشکال دیگری به بررسی موضوعات مشابهی پرداخته است.

۱

مرحله تکوینی : متن به تاریخ ۱۹۴۰.۰۳.۱۴ نوشته شده است (آرشیو برتولت برشت ۶۶/۲۹)

توضیح : دو عکس نوشته نخست و دو عکس نوشته آخر به شکل آینه وارونه با یکدیگر مرتبط بوده و دو تای اول و دو تای دوم به یکدیگر پاسخ می گوید : آلمانی ها به عنوان کارگر صنایع نظامی و سرباز به فراخوان هیتلر در آخر چهار بیتی اول پاسخ می گویند. این ملت ها هستند که هیتلر را شکست دادند و نه آنها. به این ترتیب کل کتاب الفبای جنگ که برشت به شکل دایره طرح ریزی کرده است، تکمیل شده و بسته می شود.



۱.۱. «هم چون کسی که خواب می بیند» می توانیم به برداشت های اتحاد حزب سوسیالیستی در شماره ۲۱ در بخش «سیر تکوین الفبای جنگ» و برشت در شماره ۲۲ مراجعه کنیم.

۱.۲. «در خواب می یابم» (در نخستین چهار بیتی) برشت در روزنامه اش به تاریخ ۱۹۳۹.۰۲.۱۹ می نویسد : « رژیم به درستی می گوید هیچ جنگی به مفهوم بی کاری نیست(...) آن چه از منطق سرمایه داری پیش رفته بر می آید، تعیین کننده اهدافی است که

حاصل همین سیاست می باشد، به همین علت هیتلر حتی در خواب هم می تواند راهش را پیدا کند (...) به این ترتیب هیتلر نتیجه است : مرزهایی را که کالا ها نمی توانست در هم نوردند، توسط تانک ها پیموده شد. تانک و توپ هم به جای خود چیزهایی به جز کالا نیست (به همان نسبتی که نیروی کاری که آن را تولید کرده کالا بوده است).

۲



ترکیب نخستین در چهار بیتی (در عکس نوشته شماره ۲) به شکلی که در نسخه ای که کارل کوریش در اختیار داشته، کمی متفاوت است :

«چه می سازید برادران؟» - «زره پوش :

در نبرد تانک ها یگان ها باید عبور کنند.»

« دوباره چه می سازید برادران؟» - «دیگر نپرس : نارجک برای متلاشی کردن جدار زره پوش.»

عکس از مجله «لایف» (۹۴۰.۱۲.۳۰) بریده شده و مربوط است به صنایع اسلحه سازی در ایالات متحده و با زیر نویس زیر :

« Ships, turrets, tanks, planes need more armor plate than U.S. can now make » .

توضیح : جمله آخر «برای زندگی»

برتولت برشت : روزنامه ۱۴.۰۶.۱۹۴۰

«شاید بعدها ناتوانی ملت ها در چنین جنگ هایی به سختی قابل فهم باشد. (...) در واقع سیاست تسلیحاتی راه حل نظام سرمایه داری بود. برای کارگران چیزی منطقی وجود داشت زیرا تسلیحات بی کاری را از بین می برد. جنگ در عین حال مشکل گشا بود، یعنی راه حلی بود برای پاسخ گویی به مشکلاتی که تأخیر آلمان در ورود به بازار جهانی به وجود آورد. زیرا آلمان وقتی وارد بازار جهانی شد که تقسیم امپریالیستی انجام گرفته بود (تأخیری که در عین حال مصادف است با تأخیر انقلاب بورژوازی و وحدت ملی که فراورده آن است).

در سال ۱۹۴۳، برتولت برشت دلیل و برهان هایش را تکمیل می کند : «تنها صنایع صلح طلب، تولید کننده کالا نیست که از کارگران می خواهند که از کارشان لذت ببرند، جنگ مدرن و مکانیزه، که چیزی به جز ابزار تخریب و ویرانگری نیست، از کارگران می خواهد که از جنگ نیز لذت ببرند. تخریب کالایی است که آنها نمایندگی تجاری آن را به عهده دارند. در این جا ما با وجوه فنی و اقتصادی نظام اجتماعی روبرو می شویم که انسان را در زمینه سیاسی و به همین ترتیب اقتصادی به ابزار تبدیل می کند.» («آلمانی دیگر»، در نوشته هایی درباره سیاست و جامعه، ترجمه فرانسه ۱۹۷۱ صفحات ۲۱۹-۲۲۶).

۳



متن عکس نوشته (شماره ۳) به تاریخ ۰۹.۱۰.۱۹۴۰ نوشته شده است (آرشیو ب. برشت ۶۶/۲۹)

توضیح : در ژوئیه ۱۹۳۷، برتولت برشت در برابر کنگره بین المللی نویسندگان برای دفاع از فرهنگ وضعیت اسپانیا را مورد بررسی قرار می دهد : «رویدادهای هولناک اسپانیا، بمباران شهرهای بی دفاع، روستاها، کشتار وسیع مردم، چشم های ما را بیش از پیش به روی مفهوم واقعیاتی باز کرد که در کشورهایی مانند کشور من یعنی جایی که فاشیسم به قدرت رسیده است ظاهراً از ابعاد خفیف تری برخوردار بوده است. (...) دیکتاتورهای فاشیست در رابطه با پرولتاریای خارجی روش هایی را به کار می برند که در مورد پرولتاریای خودشان به کار برده بودند. با مردم اسپانیا به همان شیوه ای رفتار می کنند که گویی آنها نیز آلمانی و ایتالیایی هستند. دیکتاتورهای فاشیست پارک هواپیما ایجاد می کنند، در حالی که مردم بومی کره ندارند که به نانشان بزنند، ولی مردم خارجی بمب دارند.» (برشت، درباره واقع گرایی، پاریس ۱۹۷۰، صفحه ۳۸-۴۱).

«کشتی های غرق شده» در پایان چهار بیتی (شماره ۳)/جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶-۱۹۳۹) زمانی شروع می شود که احزاب چپ در انتخابات فوریه ۱۹۳۶ پیروز می شوند و دولت جبهه خلق را بنیانگذاری می کنند. کودتای نظامی که توسط ژنرال فرانکو و مول هدایت می شد، خیلی سریع کشور را به جنگ داخلی سوق داد. آلمان و ایتالیا با این که متعهد شده بودند که

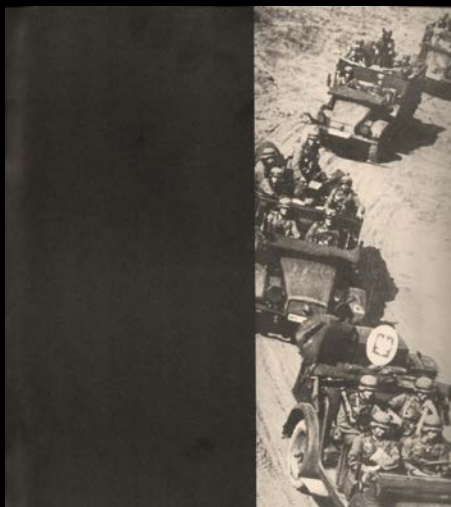
دخالتی نداشته باشند، آشکارا از کودتاچیان حمایت کردند و نه تنها برایشان زره پوش فرستادند بلکه پشتیبانی هوایی نیرومندی نیز برای آنها ایجاد کردند. فرانسه و انگلستان و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی ابتدا از دولت قانونی حمایت کردند ولی فرانسه و انگلستان خیلی سریع موضع عدم دخالت را در پیش گرفتند. خشونت دو جبهه، ابعاد بین المللی و جریان های ایدئولوژیک، جنگ داخلی اسپانیا را به مقدمه ای بر جنگ جهانی دوم تبدیل ساخت.

۴



عکس متعلق به مجله لایف ۱۹۳۹.۰۲.۲۰ است، و چهار بیتی این عکس به نمایشنامه «تفنگ های مادر کارا» نیز تعلق دارد.

«خدا فاشیست است» این قطعه نیز موجب بحث و جدل بین برتولت برشت و اتحاد حزب سوسیالیست در آلمان شرقی نیز بوده که در بخش سیر تکوین الفبای جنگ در شماره های ۲۱ و ۲۲ به این موضوع نیز اختصاص دارد.



برشت برای نوشتن قطعه «پلاک یادبود برای قربانیان جنگ آلمان علیه فرانسه» از دفتر اشعار خودش به عنوان مادهٔ اولیه استفاده می کنند.

توضیح در چاپ اول (۱۹۵۵)

«جنگ جهانی دوم در تاریخ اول سپتامبر ۱۹۳۹ با حمله به لهستان آغاز شد. لهستان برای چنین حمله ای خیلی ضعیف بود، سلاح مؤثری در اختیار نداشت و توسط افسرانی اداره می شد که مورد نفرت مردم بودند. در چنین وضعیتی لهستان طعمهٔ بسیار ساده ای بود. لهستان در ۱۸ روز تسخیر شد، و هیتلر این پیروزی و پیروزی های دیگری را که موقتاً نسبیست شد حملهٔ برق آسا نامید.

عدد «هفت» در این قطعه اشاره به تلفات سنگین آلمان در نخستین جنگ است که هفت سال پس از به قدرت رسیدن هیتلر روی می دهد : ۱۰۰۰۰ سربازی آلمانی کشته، ۳۰۰۰۰ زخمی و ۳۴۰۰ نفر ناپدید شده و این ارقام از جانب مقامات رسمی اعلام شده است.



عکس از یک مجله سوئدی (ناشناس) به تاریخ ۱۹۴۰.۰۵.۰۱ بریده شده است. چهار بیتی در روزنامه برشت به تاریخ ۱۹۴۰.۰۵.۰۳ (آرشیو برشت) نوشته شده است. عکس نوشته کامل در روزنامه برشت ۱۹۴۴.۰۷.۰۳

توضیح در چاپ نخست ۱۹۵۵

«دانمارک و نروژ در ۹ آوریل ۱۹۴۰ به اشغال یگان های آلمانی درآمدند. هیتلر حمله برق آسا به کشورهای اسکاندیناوی را به عنوان عملیات پشتیبانی و امنیتی اعلام کرد. می بایستی نروژ و دانمارک را از خطر انگلیسی ها حفظ کرد. هدفش به چنگ آوردن آهن نروژ و کره دانمارکی بود.»

درباره کلمه «حامی» در این چهار بیتی / اخطار نهایی در بامداد ۹ آوریل ۱۹۴۰ در وضعیتی به دولت های دانمارک و نروژ اعلام شد که ناوگان آلمان به مقصد رسیده بود و از آنها می خواست که بی هیچ مقاومتی «حمایت رایش» را بپذیرند. دانمارک «حمایت رایش» را پذیرفت ولی نروژ مقاومت کرد. از همان سال ۱۹۳۹ برشت پوشش ایدئولوژیک این جنگ را برای پنهان ساختن اهداف اقتصادی آن بسیار شکننده می بیند (روزنامه برتولت برشت ۱۹۳۹.۱۱.۰۷). امروز راه کارهای مخفیانه هیتلر به تاریخ ۱۹۴۰.۰۳.۰۱ مرتبط به حمله غافلگیر کننده تحلیل برتولت برشت را تأیید می کند : «در اصل ما تمام تلاش خودمان را به کار می بریم که عملیات به عنوان حرکتی صلح جویانه که هدف آن حمایت نظامی از بی طرف ماندن کشورهای اسکاندیناوی است جلوه کند (...). اشغال (...). باید مانع دست یابی بریتانیایی ها به اسکاندیناوی و بالتیک شود. علاوه بر این باید منابع معدنی ما را در سوئد تأمین کند و برای نیروی دریایی و هوایی به عنوان پایگاه علیه انگلستان به کار برده شود.» (به نقل از کتاب «رایش سوم»)

W.L. Shirer ; Le troisième Reich, Paris, 1964, p 732

V



چهار بیتی در مجموعه شعرهای برتولت برشت زیر عنوان «پلاک یادبود برای چهار هزار غریق در جنگ هیتلر علیه نروژ» (چاپ پاریس، ۱۹۶۶، ص ۲۲۱). در این شعر تعداد قربانیان تغییر کرده است، چهار هزار به جای هشت هزار. توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵: همان توضیح که برای شماره ۶ ارائه شده است.

۱. کاتگا/ تنگه ای که اسکاگراک را به بالتیک متصل می سازد، بین جوتلاند و سوئد.

۲. درباره تعداد هشت هزار که در این چهار بیتی اعلام شده، در واقع جنگ علیه نروژ به بهای جان ۵۳۰۰ سرباز آلمانی تمام شد.

۳. کشتی باربری برای حمل چهارپایان/بخش مهمی از یگان های آلمانی روی کشتی های متوسط که برای حمل سربازان چندان مناسب نبوده به نروژ فرستاده شدند.

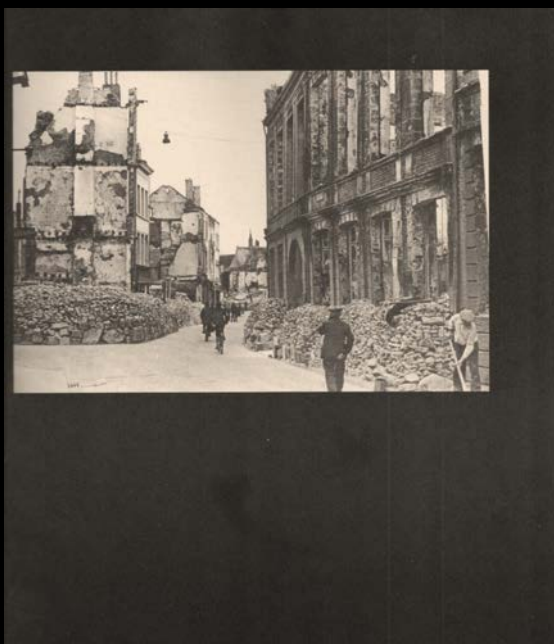


عکس از مجله «لایف» ۱۹۴۰.۱۲.۳۰ بریده شده است.

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵:

«سه روز پس از تجاوز به لهستان، انگلستان و فرانسه بر اساس قرارداد پشتیبانی از لهستان – به آلمان هیتلری اعلام جنگ کردند. دولت مردان فرانسه، ارتش فرانسه را که در صفوف آن «صلیب شکسته» و فاشیست دیده می شد به جنگ فرستاد و ناکامی های متعددی دید. دولت ضد کارگری فرانسه در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۰ در برابر تهاجم آلمان تسلیم شد. در نخستین مرحله اشغالگران نازی کوشیدند تا برای حفظ ظاهر اتحادیه فرانسه و آلمان را ایجاد کنند». ولی وقتی که صنایع فرانسه را به خدمت جنگ گرفتند، کارگران و ملت از خودشان دفاع کردند. نازی ها برای درهم شکستن مقاومت، گروگان های بسیاری را به گلوله می بستند، منطقه اورادور _ سور _ گلن کاملاً به خاکستر مبدل شد.

برتولت برشت با تلاقی دو خوانش مختلف، یعنی خوانشی که تنها به وجه فن نظامی مربوط می شود و دیگری که دولت و ملت را از یکدیگر تفکیک می کند، در سپتامبر ۱۹۳۹ می نویسد: «دولت آلمان جنگ می خواهد، مردم آلمان خواهان آن نیستند. دولت های فرانسه و انگلستان جنگ نمی خواهند، ملت فرانسه و انگلستان برای متوقف کردن هیتلر طرفدار جنگ هستند.» (روزنامه ۱۹۳۹.۰۹.۰۳)



توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵
همان که برای شماره ۸

۱. «نظم»/در کتاب «گفتگوی تبعیدیان» کال و زیفل گفتگو می کنند :
«کال : مسئله را می توانیم به این شکل بگوییم که : آن جایی که هیچ چیز سر
جایش نیست، به هم ریختگی نام دارد. آن جایی که در جای تعیین شده، چیزی
نیست، نظم تلقی می شود.»
«زیفل : در روزگار ما آن جایی که نظم حاکم بر قرار است، غالباً چیزی وجود ندارد.»
(گفتگوی تبعیدیان، چاپ پاریس، ۱۹۷۲، صفحه ۱۶).

۲. «روبه»(شهر شمالی فرانسه)/ یادداشت های برشت ۱۹۴۰.۰۷.۱۷
«در شمال فرانسه، دوباره اندک اندک در خیابان ها نظم بر قرار می شود در روبه
قطعات ویران شده خانه ها را روی پیاده رو می چینند که خیابان آزاد شود.» (آرشیو
برشت ۲۰۹۶/۱۳).

۱۰



«پلاک یادبود برای قربانیان جنگ هیتلر علیه فرانسه»

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵

همان که برای شماره ۸

توضیح : برای مفسرین برشت مفهوم این چهار بیتی مبهم است، به ویژه در مورد دو خط آخر. می توان تصور کرد که سربازی آلمانی پس از مرگ یعنی پس از این که خودش در جنگ کشته می شود، به شکل مابعدی حرف می زند.

۱۱



توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵

همان که برای شماره ۸ (شماره ۱۴ و توضیحات آن را نیز ببینید)

۱- «ما از هیتلر و از رهبران خودمان شکست خوردیم.» / «به گفته رهبران آلمانی، فرانسوی ها برای از بین بردن پیروزی های اجتماعی خلق به دنبال هیتلر آمدند.» (روزنامه ۱۹۴۰.۰۷.۱۶)

۲- «ژنرال های فرانسوی جنگ را به سستی، ناشیانه و با خیانتی هم رنگ سیاستمداران فرانسوی به پایان بردند. (...). ولی مردم هستند که رنج می برند!» (روزنامه ۱۹۴۰.۰۶.۲۰) _ دومین گفتگوی تبعیدیان که به «فرانسه و وطن پرستی» اختصاص دارد : «این جنگ را در نظر بگیرید. بنید چگونه شروع شد : فرد عادی به چپ رأی داد و خواستار هفت ساعت کار شد. دیوار پول نمی توانست مانع این حرکت شود، در نتیجه پول ها به آمریکا رفتند تا در آن جا گشت بزنند. در عین حال تسلیحات ناممکن شد. فرد عادی به همان علتی که خواهان هفت ساعت کار در روز بود با فاشیسم نسبتی نداشت. به این ترتیب بود که جنگ شروع شد. ژنرال ها اعلام کردند که بی اسلحه نمی توان به جنگ ادامه و پایان جنگ را اعلام کردند (یعنی تسلیم شدند). بین خودشان تصمیم گرفته بودند که فرد عادی در حالی که کشور در اشغال نیروی بیگانه است، نمی تواند مقاومت کند، در نتیجه باید نظم را برقرار کرد. وطن پرستانی که می خواستند مقاومت کنند، دستگیر می شدند : نشان خواهیم داد که سر پیچی از فرمان دولت یعنی چه... در چنین کشوری وطن پرست باقی ماندن به وطن پرستی عظیمی نیازمند است.» (گفتگوی تبعیدیان، پاریس، ۱۹۷۲ صفحات ۷۸-۷۹).

۱۲



The Germans were "kind" to this Frenchman. They blindfolded him before he was shot.

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵

همان که برای شماره ۸



توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵

همان که برای شماره ۸

عکس از مجله «لایف» بریده شده است.

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵

«فوشتوانژر، مهاجر آلمانی در «سانری» در جنوب فرانسه زندگی می کرد و در آن جا پنج رمان نوشته بود. کمی پس از آغاز جنگ، دولت نیمه فاشیست فرانسه دستور صادر که تمام آلمانی ها، حتی ضد هیتلری ها، مبارزین جنگ اسپانیا و پناهندگان یهودی توقیف شوند. به این ترتیب فوشتوانژر به اردوگاه «میل» و سپس به اردوگاه شهر «نیم» منتقل شد که در منطقه آزاد واقع شده بود. دوستانش او را نجات می دهند و در جای امن از او محافظت می کنند. چندی بعد با یک کشتی به آمریکا می رود و در کالیفرنیا به نوشتن ادامه می دهد (یادداشت ناشر : فوشتوانژر در سال ۱۹۵۸ فوت می کند، تقریباً یک سال پس از فوت برتولت برشت). فوشتوانژر داستان اسارت خود را در فرانسه در کتابی به نام «ابلیس در فرانسه» روایت می کند :

Feuchtwanger . Der Teufel in Frankreich, 1954

توضیح :

۱. «دشمن دشمنان آنها»/فوشتوانژر به عنوان ضد فاشیست دشمن دشمن آنها بود، یعنی دشمن رژیم نازی و رهبران سیاسی کشور خودش بود. (مترجم: در نتیجه فرانسه دشمن دشمنش را توقیف کرده بود).

۲. «او را به جرم شورش به زندان افکندند»/ برشت در روزنامه اش به تاریخ ۱۹۴۰.۰۶.۲۶ می نویسد : «فوشتوانژر به اردوگاه فرستاده شد. افراد بین ۱۶ تا ۵۴ سال را در آن جا نگهداری دارند(...) قرارداد خلع سلاح، فرانسه را موظف می داشت که به درخواست آلمان، شهروندان آلمانی مقیم فرانسه را تحویل دهد.»

درباره وضعیت اسفناک مهاجران آلمانی و اتریشی در فرانسه بین سال های ۱۹۳۸ و ۱۹۴۹ انتشارات دانشگاه گرونوبل کتاب بسیار ارزنده «سیم های خاردار تبعید» را در سال ۱۹۷۹ منتشر کرد.

۳. «شورش»/ مهاجران در وضعیت متناقضی به سر می بردند زیرا در دو سوی «راین» آنها را خائن قلمداد می کردند. بر اساس رسوم دیرینه فرانسه، ژنرال ویگاند از درخواست آلمان مبنی بر استرداد ضد نازی هایی که به خاک فرانسه پناهنده شده بودند، سر پیچی می کند. روز بعد فیلد مارشال کیتل مهاجران آلمانی را به عنوان خائنان به وطن اعلام کرد و دستور داد که به هر قیمتی که تمام شود باید آنها را به آلمان تحویل دهند (در کتاب رایش سوم، پاریس ۱۹۶۴، صفحه ۷۸۵).

کلوس من(۱) پناهنده آلمانی از تجربیات خودش در فرانسه چنین می گوید : « غالباً مردم به ما چپ چپ نگاه می کردند، نه به علت آلمانی بودنمان بلکه به این علت که آلمان را ترک کرده بودیم. از دیدگاه مردم فرانسه چنین کاری قبیح بود زیرا باید علی رغم هر دولتی به وطن وفادار باقی ماند. هر فردی که با قدرت حاکم و قانونی مخالفت کند مضمون است : مخالف و شورشگر است.»

1) Klaus Mann



توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵

«پس از شکست فرانسه، شخصی به نام مارشال پتن(۱) و وزیرش لاوال(۲) به مدد هیتلر، دولت تشکیل دادند. این دولت را «دولت ویشی» نامیدند زیرا اجلاس خود را در شهر ویشی برگزار می کرد. هر دو نفر دستورات فاشیست های آلمان را به اجرا می گذاشتند و هیچ یک نیز از مجازات گریزی نداشتند. پتن در زندان فوت کرد و لاوال به تیرباران محکوم شد.»

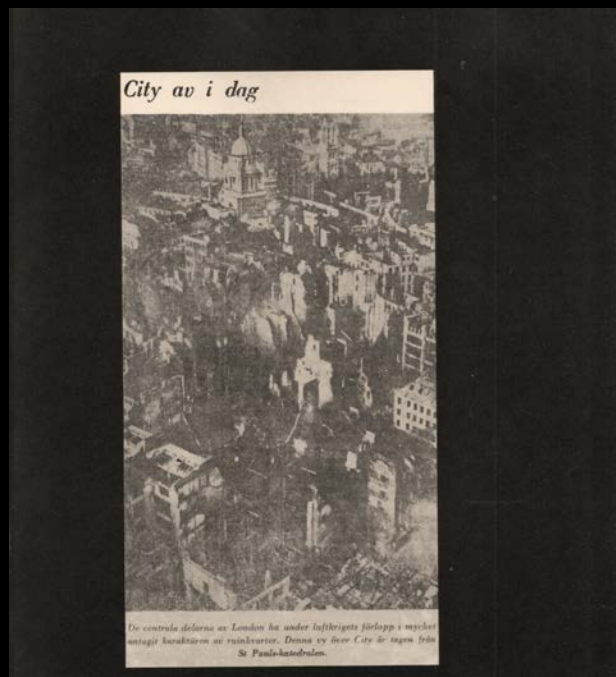
1)Maréchal Pétain

2)Laval

۱۵

چهار بیتی به تاریخ ۱۹۴۰.۰۹.۲۶ نوشته شده است(آرشیو برشت ۱۰۴۳۱)
توضیح : به توضیح شماره ۸ مراجعه کنید

۱۶



توضیح : شماره ۱۷ و توضیح را ببینید.

۱. ۱۵ اوت ۱۹۴۰ حمله هوایی گسترده ای علیه انگلستان شروع شد. از تاریخ ۲۴ اوت تا ۱۶ سپتامبر، «لوفت وافه» نیروی هوایی به طور متوسط ۱۰۰۰ هواپیما در

روز برای درهم شکستن نیروی هوایی انگلستان به کار برد، بی آن که پایتخت را بمباران کند. پس از نخستین بمباران لندن که گویا از روی اشتباه انجام گرفت، نیروی هوایی انگلستان به تاریخ ۲۸ و ۲۹ اوت نخستین بمب های جنگ را روی برلن پرتاب کرد. در پاسخ به این حمله، لندن می بایستی طی ۵۷ شبانه روز پی در پی، بین ۷ سپتامبر تا ۳ نوامبر ۱۹۴۰ به طور متوسط برای هر ۲۴ ساعت، بمباران ۲۰۰ بمب افکن را تحمل کند. چرچیل بر این باور بود که به زودی لندن به تل خاکستر تبدیل خواهد شد.

۲. «خیانت کاران»/ در این چهار بیتی به مفهوم : دولت نازی است.

۳. «راه دیگری را برگزیدند که پیش بینی نشده بود»/این جمله احتمالا به این معنا است که انگلستان آرزو می کرد که آلمان به شوروی حمله کند.(توضیح شماره ۴ را ببینید). برشت به مذاکرات بین آلمان و انگلستان در سال ۱۹۳۹ اشاره دارد که شامل واگذاری مستعمرات بر اساس حفظ منافع هر دو کشور و قرارداد عدم خشونت بود. بر اساس همین سیاست مبهم انگلستان در رابطه با رژیم نازی بود که برشت در روزنامه اش به تاریخ ۱۹۴۰.۰۶.۲۰ می نویسد : «و انگلستان! یهودا نیز به سهم خود خیانت را می بیند! ولی مردم هستند که بهای آن را می پردازند و رنج می برند...»

۱۷

این چهار بیتی به تاریخ ۱۹۴۰.۱۰.۰۲ نوشته شده است (آرشیو برتولت برشت)
۱. «امروز صبح بر سر در یک فروشگاه تخریب شده، صاحب فروشگاه تابلویی نصب کرد که روی آن نوشته بود : «در سال ۱۶۲۸ بنیانگذاری شد و هم چنان فعال است.» (روزنامه برتولت برشت ۱۹۴۰.۰۹.۱۰).

۱۸



این چهاربیتی به تاریخ ۱۹۴۰.۱۱.۰۶ نوشته شده است (آرشو برشت)
توضیح :

«این تصویر تنها اتهامی بزرگ علیه آن جنگی نیست که بازنمایی می کند، بلکه اهمیت آن به دلیل افشاگری آن است. فاشیسم از چنین جنایاتی شرمگین نیست.» (آرشو برتولت برشت)

۱۹

این چهار بیتی به تاریخ ۱۹۴۰.۱۱.۲۳ نوشته شده است (آرشو برتولت برشت).
توضیح:

۱. «دوران بالا و پائین»/تقابلی که برشت پیوسته برای مردم و دولت به کار می برد و با رویدادهای بمباران هوایی گره خورده و معنای مجازی پیدا می کند. مردم برای فرار از بمباران و جنگ از بالا به پائین می روند، یعنی در دالان های زیر زمینی مترو پناه می گیرند تا زنده بمانند.
۲. «حتی وقتی هیچ یک بر نمی خواست»/ منظور بمب افکن های آلمانی است که حتی وقتی بمباران هایشان را متوقف می کردند، مردم هم چنان در دالان های زیر زمینی باقی می ماندند.

۲۰

این چهار بیتی به تاریخ ۱۹۴۰.۱۲.۰۳ نوشته شده است (آرشو برتولت برشت)

۲۱

این چهار بیتی به تاریخ ۱۹۴۰.۱۱.۰۶ نوشته شده است (آرشیو برتولت برشت).
توضیح : به شماره های ۲۱ و ۲۲ بخش سیر تکوینی مراجعه کنید. یعنی انتقادات
اتحاد حزب سوسیالیستی آلمان شرقی و پاسخ برتولت برشت .

۲۲



این چهار بیتی به تاریخ ۱۹۴۰.۱۲.۲۴ نوشته شده است (آرشیو برتولت برشت)
توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵:
از سال ۱۹۴۰ تا آوریل ۱۹۴۵ تنها روی آلمان ۱۳۰۰۰۰۰ تن بمب پرتاب شده و تعداد
قربانیان نیز ۵۰۰۰۰۰ نفر برآورد شده است.

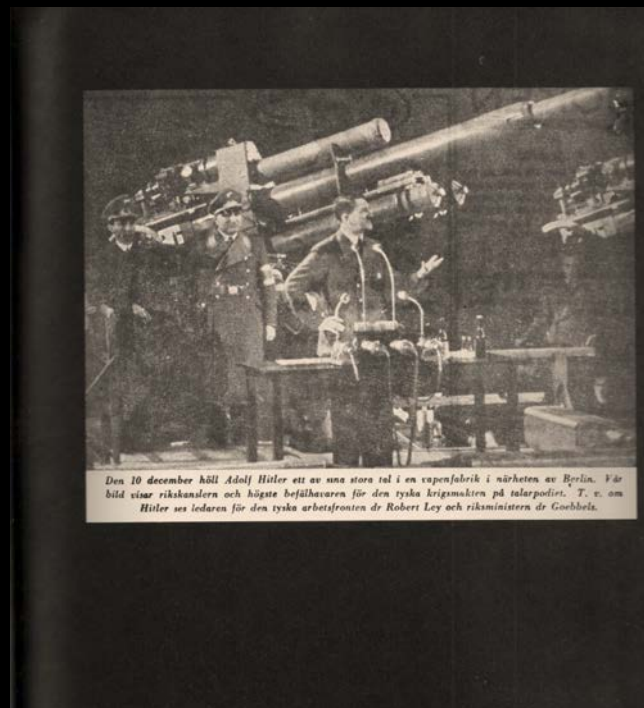
توضیح :
شماره ۱۶ و توضیح آن را ببینید.

این [عکس نوشته] که به یک سوم کتاب پایان می بخشد، جنگ زمینی، هوایی و دریایی در سال های ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ را بازنمایی کرده و مقدمه ای است بر دردها و رنج های ملت آلمان و تعداد دیگری [عکس نوشته] که مسئولان جنگ جهانی را معرفی می کند.

برشت در توضیحاتش نتیجه گیری فنی به عمل آورده و مشخصا جنگ و فنی آوری مدرن آن را غیر انسانی ارزیابی می کند.

۱. «یک نام، یک آدرس، یک چهره»/ در دانمارک، وقتی برتولت برشت در تبعید به سر می برد، روی ستون پهن چوبی اتاق کارش نوشته بود : «حقیقت عینی است». در عین حال حقیقت از دیدگاه او «مبارز و جنگ آور است زیرا نه تنها با دروغ می جنگد، بلکه با افرادی نیز روبرویی می کند که آن را تبلیغ می کنند.» و در ادامه می گوید : «با کمی روشننگری افرادی را به عنوان مسبب جنایات کشف می کنیم. زیرا ما در دورانی زندگی می کنیم که سرنوشت انسان خود انسان است.» («پنج مشکل برای نوشتن حقیقت» در کتاب «درباره واقع گرایی». چاپ پاریس ۱۹۷۰ صفحات ۱۸ و ۱۹). در دومین کنگره بین المللی نویسندگان برای دفاع از فرهنگ، برشت راهی را که تولید کنندگان فرهنگ باید بپیمایند مشخص می سازد : «از اعتراضات شخصی به هم بایی، و از بیان ملالت ها به فراخوان مبارزه باید عبور کنند. مدافع واقعی فرهنگ، آن کسی است که دیگر با انگشت به جنایات اشاره نمی کند، بلکه جنایت کاران را با نامشان مورد خطاب قرار داده و خواهان مجازات آنها می شود.» (ژوئیه ۱۹۳۷ درباره سورآلیسم، پاریس ۱۹۷۰. صفحه ۴۰).

۲۳



Den 10 december höll Adolf Hitler ett av sina stora tal i en vapenfabrik i närheten av Berlin. För bild visar rikskanslern och högste befälhavaren för den tyska krigsmakten på talarpodiet. T. v. om Hitler ses ledaren för den tyska arbetsfronten dr Robert Ley och riksdirektören Goebbels.

این چهار بیتى به تاریخ ۱۹۴۰.۱۲.۱۲ نوشته شده است (آرشیو برتولت برشت) همین کلیشه در مجله «لایف» ۱۹۴۰.۱۲.۲۳ منتشر شده :
« Hitler speakind in gun factory »

۲۴



توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵

«گوستاو نوسک : سوسیال دموکرات، وزیر دفاع جمهوری وایمار، و هم او بود که انقلاب آلمان را سرکوب کرد. «بریگاد آهنی» و باندهای مزدور ضد انقلابی او با خشونت تمام، پرولتاریایی را که برای کسب حقوق حقه خود به میدان مبارزه آمده بود سرکوب کرد. در یکی از گردهم آیی های دولت سوسیال دموکرات با افسران - در ژاویه ۱۹۱۹- در این جلسه نوسک اعلام کرد که باید اقدامات مؤثرتری به کار برد، به این ترتیب در همان جا از او می خواهند که اداره امور را به دست گیرد. نوسک پاسخ می گوید : «به اعتقاد من در هر صورت، یک نفر باید نقش سگ خون آشام را به عهده گیرد.» این نامی بود که خود او انتخاب

کرده بود و همین نام «سگ خون آشام» نیز روی او باقی ماند. وقتی هیتلر سر کار آمد پانسیون خوبی برای او در نظر گرفت و با تمام قدردانی های لازم او را به باز نشستگی فرستاد.»

۲۵



توضیح : به شماره های ۲۱ و ۲۲ در مجادله اتحاد حزب سوسیالیستی و برتولت برشت مراجعه کنید.
این عکس در مجله «تایمز» به تاریخ ۱۹۴۵.۰۵.۲۱ منتشر شده است.

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵:

«بین تمام نازی ها، هرمن گورینگ در زمینه اداره امور تجاری بهترین بود. علاوه بر هشت عنوان پر درآمد، «کارخانه هرمن گورینگ» متعلق به او بود و در صنایع سنگین نیز سهم داشت. در کاخ هایش (در کارینهایل) شکمش را درمان می کرد و کلکسیون آثار هنری دزدی اش را تکمیل می نمود که برای او از سرتاسر اروپا سرقت می کردند.

در سال ۱۹۴۵ به امید نجات جان خود به دوستان آمریکائی اش پناهنده شد، حساب و کتابی که چندان هم اشتباه نبود ولی بیش از اندازه روی قدرت آنها حساب کرده بود. به تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۴۶ توسط دادگاه بین المللی نورمبرگ به اعدام محکوم شد. ولی اعدام او عملی نشد زیرا او با سم کشنده ای که افراد ناشناسی در اختیار او گذاشته بودند به زندگی خود پایان داد.»

توضیح :

پادشاه کلاهداران/ از نمایشنامه برتولت برشت «اپرای چهار سکه».

«سلاح بزرگ، آتش مارشال گنده،

ما او را در حال تاراج اروپا دیدیم

سپس، خون و آب جلوی دادگستری

رنگ باخته، ولی چاق مثل کشیش.

اگر از او بپرسید چرا؟ خواهد گفت:

«برای شرافت و وطن»

گویی شرافت این همه آدم را چاق می کند

هیچ کس را نمی خنداند

چرا نازی شد؟ برای پول.»

۲۶



عکس از مجله لایف بریده ۱۹۳۹.۰۳.۲۰ بریده شده است.

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :

جوزف گوبلز، مسئول «وزارت آموزش خلق و تبلیغات، صحنه آرایی تمام مراسم بزرگ نازی به عهده او بوده است. گوبلز محاکمه نشد، زیرا وقتی ارتش سرخ در خیابان های برلن می جنگید، به اتفاق خانواده اش با سم خودکشی کرد و از مجازات گریخت.»

۱. دکتر/ در آلمان عنوان دکتر ارزش اجتماعی زیادی دارد. در اولین خط برشت از بازی کلمات استفاده می کند، و کلمه «دکتر» را به کار می بندد که به معنای تغییر شکل دادن است. این بازی کلمه به عمل کرد گوبلز در وزارت تبلیغات اشاره دارد.

۲۷



عکس به تاریخ ۱۹۴۱.۰۲.۰۳ روی جلد مجله لایف منتشر شده است.

۲۸



این عکس در مجله لایف منتشر شده است ۱۹۴۵.۰۲.۱۲
توضیح : تمام این چهار بیتی به نحو خاصی با اپراهای واگنر در رابطه است و به آنها اشاره دارد.

۱. پس از معرفی هر یک از این دو رهبر نازی در عکس نوشته های شماره ۲۵ و ۲۶ و برخورد دادن آنها در شماره ۲۷، در این جا آنها را به همراهی هیتلر می بینیم که به عنوان نمایندگان نظام نازی محکوم به نابودی است.
۲. آواز لک لک ها/ آواز خداحافظی لهنگرین (۱) در اپرای واگنر که همین عنوان را بر خود دارد (۱۸۴۸) اکت سوّم، سومین صحنه.

نام مرکب از دو ترانه قرون وسطایی Lohengrin 1)

۳. «هرگز از من نپرسید»/لهنگرین ممنوع می کند که از او درباره تبار و نامش بپرسند.

برتولت برشت در یکی از اشعارش زیر عنوان «ممنوعیت برای نقد تأثر» کنگره حزب نازی را یادآور می شود و آن را با فستیوال واگنر مقایسه می کند : «از هیچ هزینه ای برای جشن فروگذاری نمی کنند/ که به نام «کنگره حزب» برگزار شد، در فاصله نه چندان دوری از بایروت/ خود شانسلویه/ اینجا نقش دیوانه با قلب ناب را بازی می کند و آواز می خواند/ دوبار در روز برای بزرگداشت آهنگ.»

۴. «جادوی آتش فرب»/والگیری، اپرای واگنر(دومین بخش از چهار بخش «انگشتر نیبلونگن») ۱۸۵۶. در نخستین اکت، آتشی که در حال خاموشی است، معجزه ای روی می دهد: بر خلاف تمام قوانین طبیعی، آتش مکان شمشیری را که در درخت زبان گنجشک پنهان شده روشن می سازد و زیگفیرید(قهرمان داستان انگشتر نیبلونگن) را که در خطر مهلکی قرار گرفته، نجات می دهد.

۲۹

چهاربیتی به تاریخ ۱۹۴۰.۱۲.۰۲ نوشته شده است(آرشو برتولت برشت)

۳۰



عکس از مجله لایف ۱۲.۱۰.۱۹۴۲

توضیح : پس از معرفی مسئولان سیاسی، نوبت مسئولان نظامی خواهد بود که معرفی شوند.

۳۱

توضیح :

کلیسای انگلستان در سال ۱۹۴۴ از روی الگوی کلیسای آلمان، کلیسای موتوریزه ایجاد کرد. برشت اطلاعات کلیسا را به تاریخ ۱۹۴۴.۰۶.۰۶ به روزنامه خود ضمیمه می کند: «کلیسا برای جبهه». برشت کمبود بنزین برای کلیسای متحرک - مشکل خدا - را در همان ردیفی قرار می دهد که کمبود بنزین برای ارتش هیتلر. «مسافری خبر می آورند که مردم آلمان و یا کارگران این و یا آن کارخانه از جنگ خسته شده اند. جنگ کاملاً صنعتی شده است و به ذخیره نفت بستگی دارد و نه به تلاش و کوشش.» (روزنامه ۱۸.۰۳.۱۹۴۱)

۳۲

چهار بیتی به تاریخ ۱۲.۱۲.۱۹۴۰ نوشته شده است (آرشیو برتولت برشت)

توضیح :

پایگاه هوایی آلمان در نروژ طی جنگ جهانی دوم.

۳۳



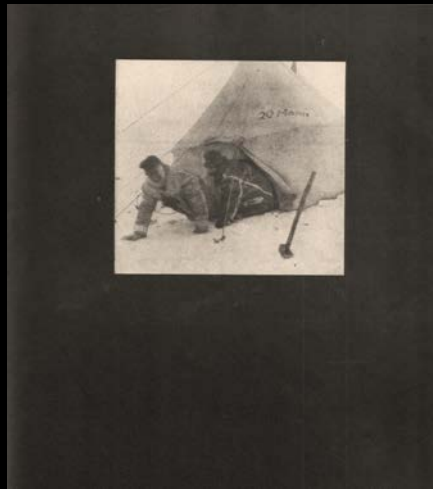
عکس از مجله لایف بریده شده است.

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :

«ابتدا حرکت به جلو بود. کنار سربازان آلمانی که در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ وارد خاک اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی شدند، یگان های ایتالیایی، مجارستانی و رومانیایی نیز شرکت داشتند. مالکان زمین در رومانی و مجارستان و اشرافیت ایتالیا هر یک در پی کسب سهم کوچک خود از روسیه بزرگ بودند. ولی موضوع چندان روشن نبود. آلمانی ها به تنهایی ۱۷۰ لشکر به مرز شوروی فرستاده بودند که سپس تعدادشان به ۲۴۰ لشکر افزایش پیدا کرد. جمهوری های شوروی باید به اتحادیه اروپای هیتلری می پیوستند، که چیزی نبود به جز اتحادیه نوین منافع. گوبلز در کاخ ورزشی صراحتاً اعلام کرد که شوروی به مفهوم گندم، مواد معدنی و نفت است. _ کارگران و دهقانان آلمانی، طی هشت سال زیر فرمان نازی ها مجبور به جنگ علیه کشوری بودند که دولت طبقه خود آنها بود، به این معنا که علیه خودشان جنگیدند.»

توضیح :

قفقاز/ «نازی ها وارد کریمه شدند و قفقاز، لنینگراد و مسکو را هدف گرفتند، انگلیسی ها به این رویداد با تردید نگاه می کردند. ولی فوشتوانژر با شگفتی تمام نشان می دهد که هیچ کس در شکست روس ها تردیدی به خود راه نمی داد. ولی تردیدی که عین پستی بود...» (روزنامه برشت برشت ۱۹۴۱.۱۰.۲۷)



عکس شماره ۳۴ و دو عکس بعدی لولای اصلی کتاب را تشکیل می دهد :
مرحله ای که آلمان فاشیستی هنوز شانس پیروزی در جنگ را داشت، به پایان
رسیده بود. پایان کار خیلی نزدیک تر از آن است که دو سربازی که در عکس
شماره ۶ می بینیم تصور می کنند.
آلمان لاپ لند در فنلاند و بخشی از لاپ لند نروژ را در سال های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۵
اشغال کرد.

۳۵



عکس از مجله لایف بریده شده است.

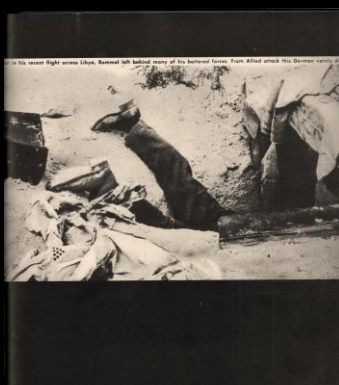
توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵:

«وقتی ایتالیا وارد جنگ جهانی دوم شد، با تکیه به آلمان در پی گسترش
مستعمراتش در آفریقا بود. بخشی از سومالی و لیبی به ایتالیا تعلق داشت.
آلمان لشکر آفریقا را به لیبی فرستاد و از آن جا به همراهی یگان های ایتالیا به
طرف مصر حرکت کردند. ولی تا نزدیکی های الکساندریه بیشتر نتوانستند
پیش روی کنند، یا در صحرا می مردند و یا به بریتانیایی ها تسلیم می شدند.

توضیح :

۱. لشگر آفریقا/ از مارس ۱۹۴۱ لشگر آفریقا (نام یکی از لشگرهای آلمان نازی ویژه جنگ در آفریقا) با هم پیمانی ایتالیا جنگ در آفریقا را آغاز کرد ولی با مشکلات زیادی روبرو شد.
۲. تن و ثروت/ این چهار بیتی این جنگ را به منافع بورژوازی مرتبط می داند. آخرین بیت پیشبینی می کند که هیتلر مردم آلمان را به ورطه سقوط می کشاند.

۳۶



عکس از مجله لایف بریده شده است.
توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :
به توضیح شماره ۳۵ مراجعه کنید.

توضیح :

فرار از لیبی/ پایان سال ۱۹۴۲. تسلیم آلمان به تاریخ ۱۹۴۳.۰۵.۱۲

۳۷

چهار بیتی به تاریخ ۱۹۴۰.۱۲.۱۵ نوشته شده است (آرشیو برتولت برشت)
توضیح :

اربابان/انگلیسی ها، ایتالیایی ها و آلمانی ها، و بعدا آمریکایی ها. برشت هیچ تفاوتی بین طمع کشورهای محور نازی و متفقین در تصاحب مستعمرات قائل نمی شد.

۳۸

چهار بیتی به تاریخ ۱۹۴۰.۰۵.۱۰ نوشته شده است (آرشیو برتولت برشت).
برشت دو ماه بعد یک چهار بیتی دیگر برای همین عکس می نویسد که در ضمیمه (آ ۵) خواهید یافت.

توضیح :

وینستون چرچیل نخست وزیر انگلستان ۱۹۴۰-۱۹۴۵

۳۹



مجله لایف این عکس را به تاریخ ۱۹۴۲.۰۳.۲۳ منتشر کرده است، ولی عکسی که برتولت برشت به کار می برد معلوم نیست از کجا تهیه کرده است. این عکس برای اجرای نقش مادر دلاور توسط هلن وژل در پایان صحنه سوم در مرگ شویزرکاس به کار برده می شود. در این مورد برشت می نویسد (۱۹۴۹ در دفتر صحنه آرایبی مادر دلاور): «بیان درد در منتهی درجه، دهان باز بی آن که صدایی از آن خارج شود، سر متمایل به پشت...» تمام این صحنه به احتمال زیاد از این عکس که طی بمباران سنگاپور، زن آسیایی را در کنار جسد فرزندش نشان می دهد، الهام گرفته شده است.

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :

«امپراتور ژاپن هیروهِیتو متحد «رهبر» آلمان و ایتالیای فاشیستی، روز ۸ دسامبر ۱۹۴۱ در حمله ای غافلگیرانه بمب افکن هایش را به روی مرکز فرماندهی آمریکا در جزیره پرل هاربر در اقیانوس آرام فرستاد. ژاپن مسلح به سلاح های سنگین آماده بود تا جای قدرت های استعماری در آسیا را بگیرد و از مواد اولیه غنی آن به نفع خودش بهره برداری کند. از این پس جنگ در سر تا سر اقیانوس آرام گسترش یافت و ژاپنی ها مجبور شدند جزایری را که به اشغال خود درآورده بودند، یکی پس از دیگری ترک کنند. جنگ با خشونت تمام گسترش یافت. ذهنیت سربازان آمریکایی که به پیش دآوری های نژاد پرستانه آلوده بود، از همین دیدگاه با ژاپنی ها برخورد می کردند.»

توضیح : توضیحات در چاپ اوّل خیلی ضد آمریکایی به نظر می رسد و از خشونت سربازان ژاپنی طی این جنگ هیچ مطلبی نوشته نشده است. ۱. حمله هوایی/صحنه ای که می بینیم در روز ۱۹۴۲.۰۲.۰۷ روی داده است. ۲. دژخیمان محکوم به بیگاری/ خلبانان ژاپنی، فرزندان آسمان در بمب افکن هایشان آزادانه عمل نمی کنند بلکه افرادی هستند که در واقع به بیگاری محکوم شده اند. تصویر سرباز/برده چندین بار در الفبای جنگ مطرح می شود(شماره های ۶۶ و ۶۸ را نگاه کنید).

۴۰



عکس از مجله لایف بریده شده است (۱۹۴۳.۰۲.۱۵).

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :

همان که برای شماره ۳۹ نوشته شده.

توضیح :

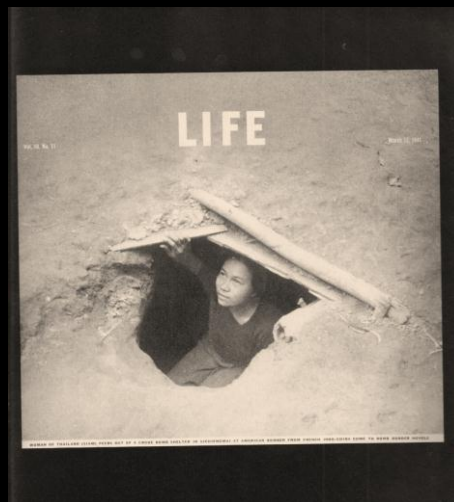
توضیح شماره ۴۷.

۴۱



عکس از مجله لایف بریده شده است (۱۹۴۳.۱۰.۱۵). از تاریخی که آمریکا وارد جنگ می شود، مجله لایف از خوانندگانش درخواست می کند که عکس هایی را که فکر می کنند بتواند روحیه سربازان آمریکایی را تقویت کند، برای مجله بفرستند. مجله لایف هر هفته بهترین عکس ها را منتشر می کند.

۴۲



عکس از جلد مجله لایف بریده شده است (۱۹۴۱.۰۳.۱۷).

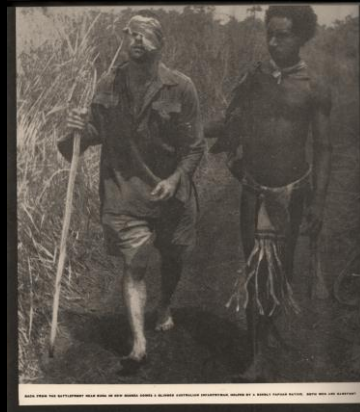
توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :

همان که برای شماره ۳۹ نوشته شده است.

توضیح :

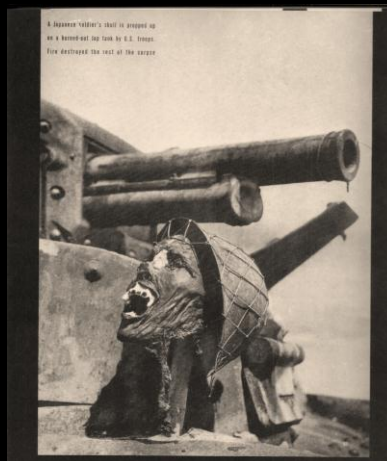
اربابان/ ارتش ژاپن، ایالات متحده و فرانسه در جنگ اقیانوس آرام شرکت داشتند. همان گونه که متن مجله لایف توضیح می دهد، یک زن تایلندی در حال تماشای بمباران توسط نیروی هوایی فرانسه است.

۴۳



عکس از مجله لایف بریده شده است (۱۹۴۳.۰۳.۰۸)
توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :
همان که برای شماره ۳۹ نوشته شده است.

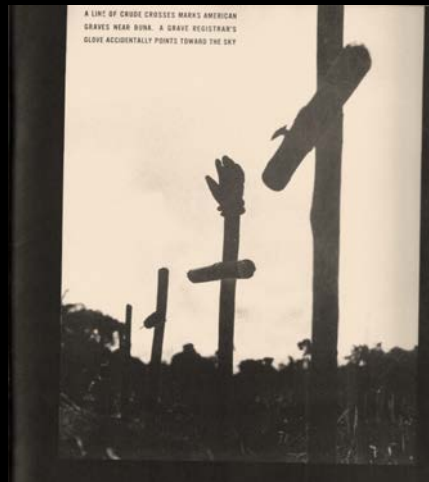
۴۴



عکس از مجله لایف بریده شده است (۱۹۴۳.۰۳.۰۱)
توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :
همان که برای شماره ۳۹ نوشته شده است.
توضیح :

هملت با دیدن حجمه دلک پادشاه با شگفتی می گوید «یوریک بیچاره»
(شکسپیر، هملت، آکت ۵ صحنه ۱). در هملت این موضوع به تک گویی ای
می انجامد که موضوع مرگ به عنوان عاملی مطرح می شود که همه را در یک
سطح قرار می دهد. برتولت برشت، برعکس روی نابرابری طبقاتی حتی پس
از مرگ تکیه می کند و سربازانی که قربانی می شوند (سربازان فنانیزه شده).

۴۵



عکس از مجله لایف بریده شده است (۱۹۴۳.۰۲.۱۵)
توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :
همان که برای شماره ۳۹ نوشته شده است.

۴۶

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :
همان که برای شماره ۳۹ نوشته شده است.

۴۷

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :
همان که برای شماره ۳۹ نوشته شده است.

۴۸

این چهار بیتی برای مترجمان فرانسوی مبهم است و می گویند : می توانیم
آن را به این شکل بفهمیم که :
بسیاری از ما/ به معنای یهودیانی است که موفق شدند خودشان را به
فلسطین برسانند.
دیگران/ احتمالاً به معنای یهودیانی هستند که در اردوگاه ها در اسارت به سر
می برند و به درستی از سرنوشت خودشان مطلع هستند.



عکس از مجله لایف بریده شده است (۱۹۴۳.۰۸.۳۰)
توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :

«وقتی آمریکایی ها در سیسیل و در ایتالیای جنوبی پیاده شدند، مردم به پا خاستند. موسلینی دستگیر و سپس اعدام شد. فاشیست ها تا ایتالیای شمالی شکست خوردند. ایتالیا در ۸ سپتامبر ۱۹۴۳ تسلیم شد. مارشالی به نام بدوگلیو به بسیج بخشی از ارتش ایتالیا اقدام کرد و با آلمان ها جنگید. سربازهای سه جبهه علیه یکدیگر می جنگیدند : آمریکایی ها، ایتالیایی ها و ارتش آلمان.»

توضیح :

یگان های آمریکایی و بریتانیایی در روز ۱۰ ژوئیه ۱۹۴۳ در سواحل شمالی سیسیل پیاده شدند.

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :

«یکی از بزرگترین عملیات تجاری «کمک» برای مردم گرسنه اروپای پس از جنگ بود. این عملیات می بایستی توسط تراست های بزرگ مواد غذایی در ایالات متحده انجام گیرد. تراست های مواد غذایی موادی را که خودشان نمی توانستند نگهداری کنند به سازمان های خدمات دولتی فروختند. این محصولات که با مالیات شهروندان پرداخت شده بود به اروپا فرستاده شد. ولی با این محصولات تعدادی متخصص امور اقتصادی و افراد دیگری با مأموریت سیاسی نیز همراه کرده بودند که مأموریتشان خریداری کردن سیاستمداران و رهبران حزبی بود که با کنسرو پیه آب کرده خوک و یا کنسرو گوشت گاو می پرداختند. به ازای هر بسته شکر، طبقه بورژوازی شکست خورده بخشی از قدرت را به

نجات دهندگان واگذار می کرد، به این ترتیب و از این پس اداره امور دولت های اروپایی بر اساس منافع تراست های ماورای اقیانوس سامان یافت.»

توضیح :

یک پادشاه/ ویکتور-امانوئل ۳ (۱۹۴۷-۱۹۶۹)، پادشاه ایتالیا که در سال ۱۹۳۲ مانع به قدرت رسیدن موسیلینی نشد و طی بیست سال سیاست مبهمی را در رابطه با فاشیسم اتخاذ کرد. پس از سقوط موسیلینی در سال ۱۹۴۳ مجبور شد زیر چتر متفقین پناه گیرد. سرانجام در سال ۱۹۴۶ تصمیم گرفت به نفع پسرش هامبر کناره گیری کند که پس از فراندوم ۲ ژوئیه ۱۹۴۶ برای برقراری جمهوری در ایتالیا، مانند پدرش مجبور شد به تبعید برود.

۵۱



عکس از مجله لایف بریده شده است ۰۷.۰۲.۱۹۴۴

توضیح :

اورگون/ ایالتی در شمال غربی ایالات متحده، در ساحل اقیانوس آرام.

۵۲



عکس از مجله لایف بریده شده است ۲۹.۰۵.۱۹۴۴

۵۳



عکس از مجله لایف بریده شده است ۱۹.۰۶.۱۹۴۴
توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :

«۶ ژوئن ۱۹۴۴ روز حمله نهایی بود که مردم اروپا مدت ها منتظر آن بودند. سرانجام آمریکا و انگلستان سربازانشان را به آن سوی مانش فرستادند. سربازانی که در بامداد ۶ ژوئن پا به ساحل گذاشتند، با این آرزو آمده بودند که جانشان را برای آزادی اروپا فدا کنند. نمی دانستند که آنها را زمانی به جنگ فرستاده بودند که ارتش سرخ تا خود آلمان ارتش هیتلری را به عقب نشینی واداشته و نازی ها را شکست داده بود.»

توضیح :

برتولت برشت در روزنامه خود به تاریخ ۱۹۴۸ درباره لشگرکشی آمریکا می نویسد :

«جنگ جهانی دوم توسط دموکراسی غربی با نقض قرارداد مونیخ آغاز شد (واگذاری اروپای شرقی به بورژوازی آلمان). بورژوازی آلمان ابتدا جنگ را علیه غرب آغاز کرد و سپس به شرق حمله کرد. وقتی جنگ شروع شد، بورژوازی غربی (به نمایندگی چرچیل در انگلستان و لاوال در فرانسه) با قرارداد مونیخ مواجه شدند و جبهه دوم را به تأخیر انداختند. آنها جبهه دوم را وقتی بر پا کردند که می‌ترسیدند آلمان توسط روس‌ها اشغال شود. حمله ارتش‌های غربی بورژوازی آلمان را نجات داد، دست کم بورژوازی در آلمان غربی نجات پیدا کرد. حق دموکراتیک بیان که مدعی آن بود فوراً برآورده شد. تأخیر در گشایش جبهه دوم جنگ موجب شد که روسیه غربی کاملاً ویران گردد، و بهتر از دوران آدولف تی‌ری که در پاریس سال ۱۸۷۱ پرولتاریای فرانسه را به خاک و خون کشیده بود، پرولتاریای آلمان را دچار خون‌ریزی کند.»

توضیح :

در نسخه‌های پیشین الفبای جنگ می‌بینیم که برای برتولت برشت اصولاً سرمایه‌داری آمریکایی و فاشیسم آلمانی چندان تضادی با یکدیگر ندارند.

۵۴

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :

«سی و پنج لشکر آلمانی مأموریت داشتند که به مسکو حمله کرده و آن را به تسخیر خود درآورند. ولی مسکو توسط یگان‌های کارگری و لشکرهای دفاع خلقی و ارتش شوروی محافظت می‌شد. زن و مرد پیر و جوان در اتحاد با یکدیگر و نفرتی که از جنگ افروزان داشتند، نه برای دفاع از قدرت خارجی، بلکه به خاطر منافع خودشان مقاومت کردند و به جز پیروزی هیچ سرنوشت دیگری نداشتند. به این ترتیب وقتی روز ۶.۱۲.۱۹۴۱ دست به حمله زدند، یگان‌های هیتلری را تا ۴۰۰ کیلومتر به سوی غرب به عقب نشینی واداشتند.»

توضیح :

ما را شکست دادند/ برشت درباره ملاقاتی با کورتیر، هانریش من، لودویگ مارکوز در خانه لیون فوشتوانژر می‌نویسد : «من گفتم که مردم با ماهیتابه علیه تانک‌های آلمانی جنگیدند، این جنگ برای آنها موضوعی شخصی بود، نازی‌ها از این مقاومت برآشفته شده بودند و آن را «غیر قانونی» می‌نامیدند، و هانریش من با شوخ طبعی گفت : «بله، تانک‌ها قانونی است ولی ماهیتابه قانونی نیست.» (روزنامه ۱۹۴۱.۱۲.۰۳)

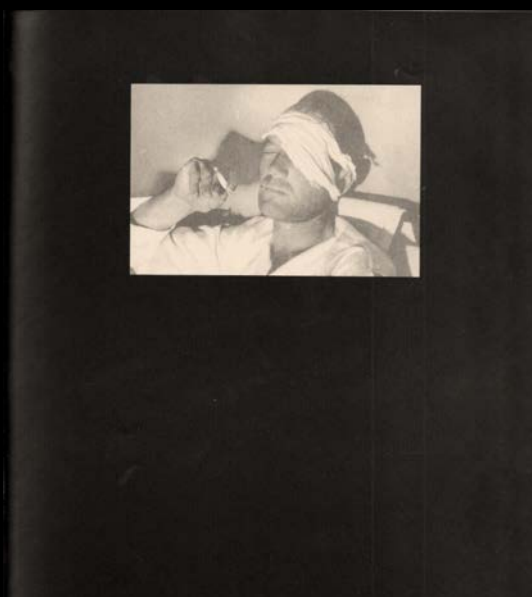
۵۵

پس از انتقادات رسمی که به این چهار بیتی وارد شده بود، برشت می خواست آن را تغییر دهد، ولی سرانجام از این کار قطع نظر کرد. (سیر تکوین الفبای جنگ شماره های ۲۱ و ۲۲ را بخوانید)

فیل رام شده (دست آموز) به معنی سرباز آلمانی، و هم نوع او نیز به معنای سرباز روسی است.

برشت فیل وحشی را به فیل رام شده ترجیح می دهد (ترانه هشتمین فیل در نمایشنامه «سه چویان نیک سرشت»)

۵۶



عکس از مجله لایف بریده شده است ۱۹۴۱.۱۰.۲۷

۵۷

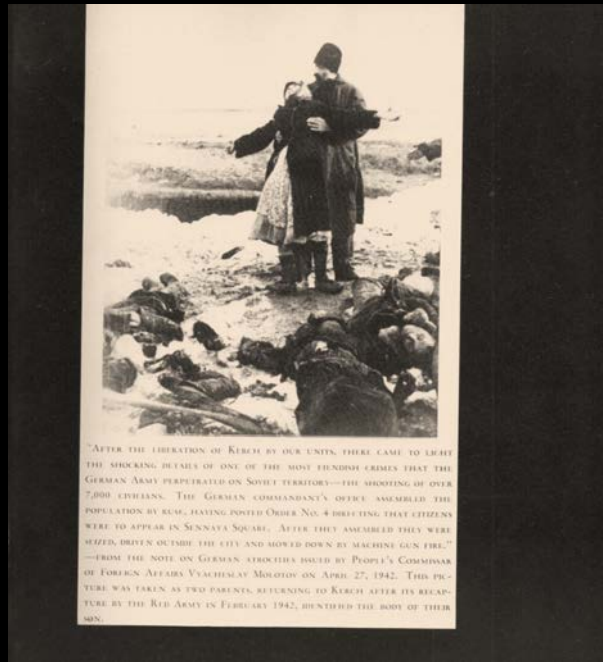


این عکس تنها عکس در الفبای جنگ می باشد که برای چهار بیتی گرفته شده و صحنه واقعی نیست.

۵۸

مرغ... کوتوله/ درک این چهار بینی خیلی مشکل است. دو خط آخر احتمالا از قصه های برادران گریم به عاریت گرفته شده و به اختلال روانی سرباز آلمانی اشاره دارد. و «دانه» به اورل یعنی منطقه ای کشاورزی در روسیه اشاره دارد که این سرباز در آن جا به سر می برده است. در توضیح عکس نوشته شماره ۳۳ می بینیم که یکی از اهداف جنگ علیه روس ها تصاحب گندم روسیه بوده است.

۵۹



آه ای مادر، من آن را ترجم دروغین می نامم

هر ترجمی که به خشم سرخ مبدل نگردد

و از تکاپو باز بایستد

تا سرانجام این خار قدیمی از کالبد بشریت بیرون کشیده شود.

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :

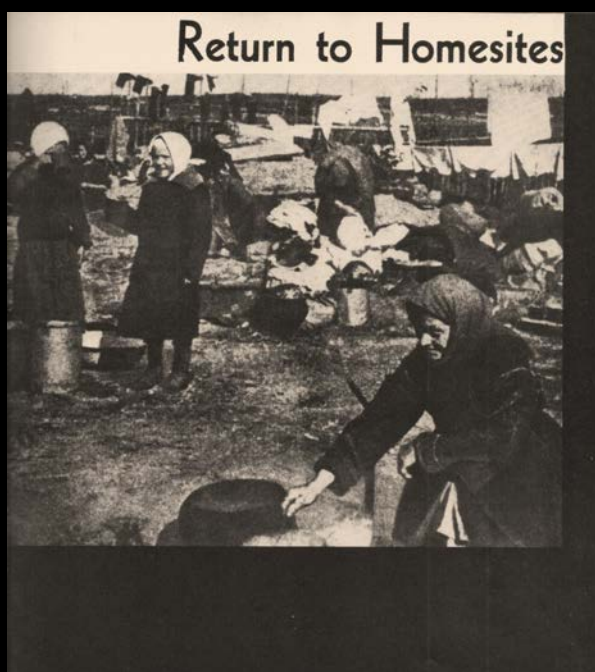
«طی جنگ جهانی دوم بالاترین خسارات انسانی به ملت های اتحاد جماهیر شوروی وارد شد. در گزارشی «مولوتوف طی کنفرانس صلح در پاریس اعلام کرد که ۷۰۰۰۰۰ (هفت میلیون) سرباز شوروی در جنگ کشته شده اند، و انستیتوی پژوهش درباره اقتصاد شوروی درپاریس تعداد قربانیان غیر نظامی را ۱۰۰۰۰۰۰ (ده میلیون) برآورد کرده است که نیمی از آنها در اثر سرما یا گرسنگی یا اسارت در اردوگاه ها از بین رفته اند.»

توضیح :

۱. امروز در جبهه شوروی تعداد قربانیان را ۱۸۰۰۰۰۰۰ (هجده میلیون) نفر برآورد کرده اند که ۷۰۰۰۰۰۰ (هفت میلیون) نفر از آنها غیر نظامی بوده اند، و در جبهه آمریکایی ها تعداد قربانیان جنگ ۲۹۸۰۰۰ (دویست و نود و هشت هزار) نفر بوده است.

۲. در ژوئیه ۱۹۳۷ برشت برای نشان دادن راهی که باید پیمود خطاب به تولید کنندگان فرهنگی می گوید : «. آنها می دانند که محکوم کردن ستم باید به از میان برداشتن ستم گران بیانجامد، هم دردی با قربانیان خشونت باید به انتقام خدشه ناپذیر علیه آنهایی تبدیل شود که قربانی می کنند، هم دردی باید به خشم مبدل شود و نفرت از خشونت باید به خشونت تبدیل شود. خشونت افرادی که به طبقه ممتاز تعلق دارند باید با تمام نیروی بنیان کن خشونت مردم مواجه گردد.» (سخنرانی در دومین کنگره بین المللی نویسندگان برای دفاع از فرهنگ).

۶۰



این عکس از مجله لایف بریده شده است ۱۹۴۲.۰۶.۰۵
برادر من / به معنای پرولتاریای آلمان است که به سرباز تبدیل شده.

۶۱



این عکس از مجله لایف بریده شده است ۱۹۴۳.۰۲.۲۲
این عکس برای جلد الفبای جنگ نیز در نخستین چاپ به سال ۱۹۵۵ انتخاب شده بود.

توضیح چاپ نخست ۱۹۵۵ :
«۱۹ نوامبر ۱۹۴۲، یگان های ارتش سرخ اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی خط جبهه آلمان را در هم شکستند و استالینگراد را به محاصره درآوردند. هیتلر دستور صادر کرده بود که هیچ کس نباید تسلیم شود و تا آخرین گلوله باید بجنگند. پس از دو ماه نیم جنگ بیهوده بسیاری کشته شدند، ششمین ارتش آلمان روز ۲ فوریه ۱۹۴۳ تسلیم شد. از ۳۳۰۰۰۰ سرباز آلمانی تنها یک سوّم از آنها زنده مانده بود. ارتش آلمان از این شکست هرگز سر برنیاورد و از این پس آغاز پایان برای آنها شروع شد.»

توضیح :
تانک/ پشتیبان ماشین جنگی عظیم آلمان، در تحلیل نهایی، مردان هستند که وقتی دچار نقصان می شوند، به قربانیان ناتوانی بیش شباهت ندارند.

۶۲

توضیح :

۶۳

توضیح :

۶۴

توضیح :

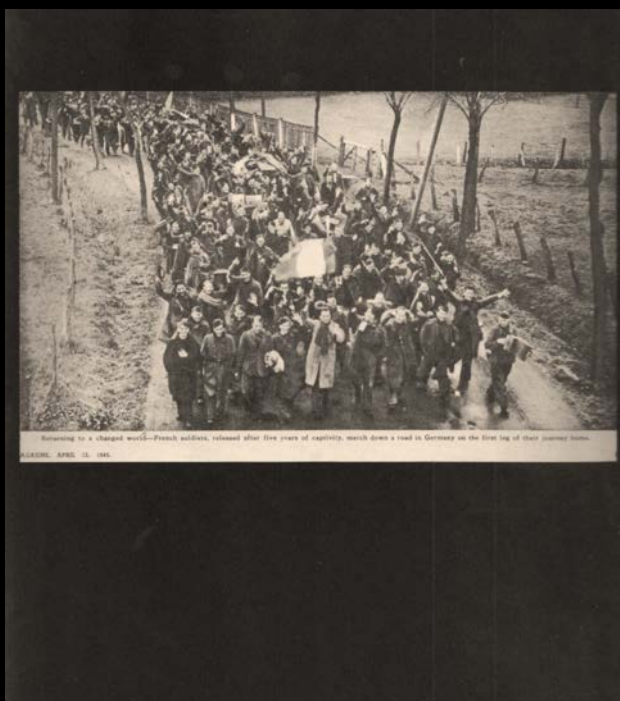
به خاطر منافع خودتان مبارزه کنید/ فراخوان برای تغییر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی نظام سرمایه داری است که بنیاد فاشیسم را تشکیل می دهد.

۶۵

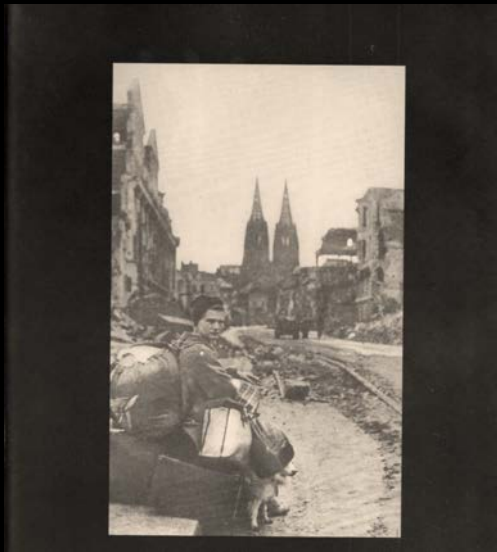
توضیح :

از تمام شهرهایی که ویران کردیم/ مسئولیت تخریب شهرهای آلمان را نباید به عهدهٔ بمب افکن های متفقین دانست، بلکه مسبب اصلی آن دسته از شهروندان آلمانی هستند که از هیتلر تبعیت کردند.

۶۶



عکس از یک مجلهٔ ناشناخته بریده شده است ۱۹۴۵.۰۴.۱۵



عکس از مجله لایف بریده شده است ۱۹۴۵.۰۳.۲۶
متن این عکس در نامه ای که برشت برای روت برلو سر دبیر خانه انتشاراتی
که الفبای جنگ را منتشر کرده، در آرشیو برشت پیدا شده است.

توضیح :

۱. دانینگ استریت/ اداره نخست وزیری بریتانیا در لندن.
۲. گناهکار/ به نظریه دیپلمات انگلیسی لرد وانسیتارد درباره مسئولیت همگانی
مردم آلمان در این جنگ اشاره دارد. پس از به قدرت رسیدن هیتلر، برتولت
برشت بین افشار اجتماعی آلمان که از هیتلر به شکل فعال طرفدارای می
کردند و دیگر افشار اجتماعی آلمان تفکیک قائل شد. برتولت برشت سیاست
انتقام و مجازاتی که نه اهداف مهم نظامی بلکه عموم مردم آلمان را هدف
گرفته بود، محکوم می دانست و نظریه گناهکاری مردم آلمان را رد می
کرد. (درباره این موضوع مراجعه شود به روزنامه برتولت برشت ۱۹۴۳.۰۸.۰۹ در
گفتگو با توماس من).

این موضوع یک بار دیگر در متن «پنج مشکل برای نوشتن حقیقت» مطرح می
شود :

« آیا واقعا می توانیم بگوییم که حقیقت همین است که با این همه سر و صدا
اعلام می کنند که باید به آلمان حمله کرد، زیرا این کشور هم اکنون به گهواره
واقعی شر، وارث جهنم و اقامت گاه شیطان ضد مسیح تبدیل شده است؟
پیش از همه، بهتر است بگوییم که مردمانی احمق، ناتوان و مضر هستند.
نتیجه این حمله پردازی ها چنین است که این کشور باید از روی نقشه جغرافیا
حذف شود. تمام کشور، با تمام ساکنینش باید حذف شوند و علاوه بر این و در
هر صورت وقتی بمب های شیمیایی پرتاب شوند، قادر به تشخیص بی گناه و
گناه کار نخواهند بود.»

۳. باشد/ به این معنا است که برشت تا حدودی گناهکاری ملت آلمان را می
پذیرد.

۴. تحمل تعریف ناپذیر/ تحمل تعریف ناپذیر آلمانی ها در برابر فاشیست ها یا انگلیسی ها در برابر سرمایه داری که به همان اندازه موجب از خودبیگانگی انسان می شود. بر این اساس اربابان لندن یا دیگران که از نظام سرمایه داری دفاع می کنند، از دیدگاه اخلاقی حق ندارند درباره ملت آلمان داورى کنند.

۶۸

توضیح :

۱. شما را می شناسم/ اشاره به دوران وایمار است که برشت در کنار طبقه کارگر برای برقراری سوسیالیسم مبارزه می کرد.

۶۹

چهار بیتى عكس شماره ۶۹ به شكل متفاوتى در نمایشنامه «صعود آرتور اوبی» (۱) نوشته شده است :
«شما یاد می گیرید که ببینید به جای این که احمقانه نگاه کنید. به جای وراجی عمل کنید. این همان چیزی است که ممکن بود بر جهان چیره شود. ولی ملت ها بر آن چیره شدند. با این وجود هیچ کس نباید بی موقع سرود پیروزی بخواند : رحم از جنینی که این اژدها از آن جا سرآورده بود، هنوز بارور است.»

۱.

۲۰ آوریل ۱۸۸۹ تاریخ تولد آدولف هیتلر است.

۳. توضیحات درباره چهار بیتى های بخش ضمیمه شده

A1

عکس نوشته در روزنامه برتولت برشت به تاریخ ۱۹۴۰.۱۰.۱۵

توضیح :

دیگ جوشان/ تبلیغات نازی پیش از دوران جنگ برای غذای سنتی تبلیغ

می کرد :

« Eintop »

A2

نارویک/ بندر نروژی که به تاریخ ۱۹۴۰.۰۴.۰۹ توسط ارتش آلمان اشغال شده بود و با وجود تلفات سنگینی که در حمله انگلیسی ها تحمل کرده بود تا ژوئن همان سال مقاومت کرد.

A3

به توضیح عکس شماره ۵۷ مراجعه کنید

A4

می بایستی که هیتلر نخست به روس ها حمله کند/ توضیحات شماره ۱۶ و ۵۳

A5

چهار بیتی به تاریخ ۱۹۴۰.۰۷.۰۸ نوشته شده است (آرشیو برتولت برشت). چهار بیتی دیگری با همین عکس را در شماره ۳۸ ببینید.

A7

چهار بیتی به تاریخ ۱۹۴۰.۰۸.۰۴ نوشته شده است (آرشیو برتولت برشت)

A8

قاتل برادرانت/همان گونه که دست نوشته های روی بمب ها نشان می دهد، هدفشان مالت است. مالت یکی از مستعمره های انگلیس است که طی جنگ جهانی دوم بارها مورد حملات سنگین آلمان ها قرار گرفت. درختان زیتون در ایتالیا واقع شده است.

A9

تاریخ عکس ۱۹۴۱.۱۰.۰۸ در آرشیو برتولت برشت.

توضیح :

در آغاز جنگ، جریان انزوا طلب در ایالات متحده به عنوان کشور بی طرف خیلی قوی بود. تنها پس از حمله ژاپن به پرل هاربر بود که ایالات متحده وارد جنگ شد.

A10



عکس از مجله لایف بریده شده است.

توضیح :

این گنده/ در این جا «گنده» ارنست بوین (۱۸۸۷-۱۹۵۱) است(۱). سندیکالیست قدیمی انگلیس، در سال ۱۹۴۰ به مقام وزارت کار و در سال ۱۹۴۵ به وزارت امورخارجه منتصب شد. او نماینده بریتانیای کبیر در کنفرانس پستدام (۱۹۴۵) بود و برای بهبودی روابط کشورش با ایالات متحده تلاش می کرد. از دیدگاه برتولت برشت او خائن به طبقه کارگر بود.

1)Ernest Bevin

A12



این عکس نوشته را برشت برخلاف میل خودش ولی به دلیل انتقادات مقامات حذف کرده بود (توضیحات بخش سیر تکوینی شماره های ۲۱ و ۲۲ را نگاه کنید)
 برشت در «نامه ای به آمریکایی ی بالغ» هالیوود را تشریح می کند، یعنی «شهری بی شأن» که در دوران تبعیدش در ایالات متحده در سال ۱۹۴۶ تجربه کرده بود.

A13

۱. اسپوکان (۱) شهری در ایالت واشینگتن.

1)Spokane

۲. کنگره/برشت در روزنامه اش می نویسد : «کنگره تصمیم گرفته است که بودجه ای را به خودش اختصاص دهد، و جنبشی را نیز به راه انداخته است...» (۱۹۴۲.۰۲.۲۵)

A14

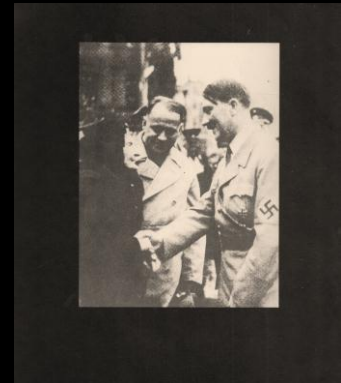
برشت این چهار بیتى را به شکل دیگری نیز نوشته است :
 «برای این که این زن چپاول قبیحانه را فراموش کند» (آرشیو برتولت برشت)

A15



عکس نوشته در روزنامه برتولت برشت ۱۰.۰۶.۱۹۵۰

A16



عکس نوشته در روزنامه برتولت برشت ۱۵.۱۰.۱۹۴۰

۴-مطالب فرامتنی در نخستین چاپ

افرادی که در نخستین چاپ شرکت داشته اند :

سردبیر : روت برلو (۱)

ماکت : پیتر پالیتچ (۲)

ویرایشگر : گونتر کانرت و هنز سیدل (۳)

1)Ruth Berlau 2)Peter Palitzsch 3)Günter Kunert et Heinz Sydel

پیش گفتار چاپ نخست (۱۹۵۵)

چرا تنها حالا این تصاویر تاریک گذشته را به کارگران صنایع ملّی شده، دهقانان مشارکتی، روشنفکران سازنده و جوانانی که از هم اکنون سهمی از خوشبختی دارند، نشان می دهیم؟ پاسخ این است که هر کسی که گذشته را فراموش کند از آن رهایی نخواهد داشت. این کتاب به هدف آموزش هنر بازشناسی و خوانش تصویر تهیه شده است. فردی که چنین هنری را نیاموخته باشد برای بازشناسی تصویر با همان مشکلی روبرو خواهد شد که برای خواندن خط تصویری، گستره ناآگاهی از واقعیات اجتماعی که نظام سرمایه داری با دقت و خشونت تمام به حراست از آن اشتغال دارد، هزاران عکسی را که در نشریات منتشر می شود به تابلویی تمام عیار از خط تصویری مبدل ساخته و درک مفهوم آن را برای خواننده از همه جا بی خبر امکان ناپذیر می سازد.

روت برلو

پیشگفتار منتشر شده روی پوشه کتاب

پناهنده زیر سقف کاهی در دانمارک،

دوستان، من مبارزه شما هستم...

برشت، ۱۹۳۹

زیر سقف کاهی در دانمارک - یک خانه روستایی، استبلی که با آهک سفید کرده بودند و با قطعات و ابزارآلات بنایی به دلیل طویل بودنش برای برشت تهیه دیده بودند که در آن جا دوران تبعیدش را بگذراند و کار کند، تا این که دوباره چمدانش را ببندد و به جای دورتری فرار کند. این پناهنده مانند آهن ربا شاگردان زیادی را به خود جلب می کرد و همیشه تعدادی از آنها در اطراف او دیده می شدند. یکی از این شاگردان : نوردال گریگ (۱) برای ملاقات با او از نروژ آمده بود. برتولت برشت هر پرسشی را با کمال میل پذیرا بود. و در تمام طول فرارهایش در هر کجایی که بود افرادی را پیرامون خود جذب می کرد که در پی یافتن پاسخ برای پرسش هایشان بودند. جای شگفتی است که او موارد بسیاری را پیش بینی کرده بود. خیلی پیش از

۱۹۳۹ او «مادر دلآور و فرزندانش» را می نویسد، و گالیه را زیر همین سقف کاهی در دانمارک به پایان می برد : نیاکان بمب اتمی که از ترس خشونت، مجبور به کتمان حقیقت می شود. برای ما دانمارکی ها، شعرهای برتولت برشت ناشناخته بود. برشت شعرهایش را در آرامش کامل با ماشین تحریر می نوشت.

من او را غالباً با قیچی و چسب به دست می دیدم. آن چه را که ما در این جا می بینیم حاصل «برش قیچی» نویسنده است : تصاویر جنگ.

روی یکی از ستون های چوبی نوشته ای نصب کرده بود : «حقیقت عینی است». به همین دلیل نیز بود که او این تصاویر را می برید، زیرا نفی یک پرونده مستند خیلی مشکل تر است. تماشاگر عکسی که سرباز آمریکایی را بالای سر جسد سرباز ژاپنی نشان می دهد (عکس شماره ۴۷)، پیروزی آمریکا علیه ژاپن را می بیند که در عین حال متحد آلمان هیتلری بوده است. ولی این عکس حقیقت دیگری را نیز بیان می کند که از عمق بیشتری برخوردار است : به این معنا که سرباز آمریکایی ابزار یک قدرت استعماری بوده و علیه قدرت استعماری دیگری می جنگد.

یا در مورد عکس شماره ۵۰ می توانیم بپرسیم که آیا آنهایی که کمک می کنند نباید به کار خود افتخار کنند؟ ولی چه کسی مسئول این وضعیتی است که در آن یک عده به کمک نیازمند می شوند؟ و بسته های آرد تا چه اندازه کافی خواهد بود؟ و این هدیه به چه بهایی تمام شده است؟ (مترجم : موضوع «کمک رسانی» یکی دیگر از موضوعات مورد توجه برتولت برشت بوده و موضوع مرکزی «اهمیت موافق بودن» دومین نمایشنامه آموزشی او را تشکیل می دهد)

برتولت برشت الفبای جنگ را به عنوان نوعی روزنامه معرفی می کند و چهار بیتی هایش را نیز تفسیر همین عکس ها می داند. حرکت برشت در این چهار بیتی ها (برشت تنها در رابطه با تأثر از حرکت حرف نمی زند، بلکه آن را در رابطه با شعر نیز مطرح می کند) چیزی نیست به جز حرکت و موضع گیری تماشاگر، به عبارت دیگر واکنشی است که او در روزنامه اش منعکس می سازد. رفتار او به مانند کسی است که منتظر می ماند، ولی هرگز تردید نمی کند. او بر این باور است که پیروزی همیشه از آن بشریت است.

برای ما که آلمانی نبودیم، یک موضوع شگفت آور بود و آن هم عشقی بود که او نسبت به هم وطنانش ابراز می کرد. اگر چه آنها او را رانده و از حق شهروندی در زادگاهش محروم کرده بودند.

ولی عشقی که به بشریت داشت - یا به بیان خود او - عشقی که به مردم داشت، این عشق بی قید و شرط نبود و می بایستی که به حذف حماقت بیانجامد!

مقدمات را بیاموز !

برای آنهایی که موعدهشان فرا رسیده

هرگز دیر نیست !

الفبا را بیاموز، کافی نیست، آری، ولی

آن را بیاموز! از آن رویگردان نشو !

پس شروع کن ! تو باید همه چیز را بیاموزی !

تو باید هدایت را به دست گیری !

این آن چیزی است که برتولت برشت می سراید و یا به طریق اولی فریاد می کند. به همین دلیل او را در دادگاه واشینگتن به «رفتار ضد آمریکایی» متهم می کنند. نکته مهم و بهانه ساز

در کیفر خواست همین شعر او دربارهٔ ضرورت آموختن بود. از دیدگاه آمریکایی ها این شعر به این دلیل که می گوید کارگران باید بیاموزند، و خصوصا به این دلیل که می گوید کارگران باید بیاموزند و هدایت امور را به دست گیرند، خیلی مضنون به نظرشان می رسید. وقتی برشت به آلمان باز گشت، قیچی را به زمین نگذاشت. این بار برای صلح به بریدن تصاویر پرداخت. پس از الفبای جنگ او در پی نوشتن الفبای صلح بود.

همواره در اتحاد با مردم - «فرزندان ما» - برشت در روزنامه اش دوران به یادماندنی و دهشتناکی را نشان می دهد. نویسندهٔ بزرگ آلمانی با احساس شرم از مردمی گول خورده حرف می زند و خواهش می کند که : «نیازمند پناه گاه هستند! یخ زده اند، گرمشان کنید» (تصویر ۶۱).

پشت پوشهٔ کتاب :

«فراموش نکنید : بسیاری از برادران شما خود را ساختند تا شما بتوانید پس از آنها این جا بنشینید. خودتان را به گورستان نسپارید، مبارزه کردن را بیاموزید یادگرفتن را بیاموزید و هرگز از یاد مبرید.»

(برگرفته از الفبای صلح)



بخش ۴

پایان نوشت

«الفبای جنگ» به سال ۱۹۵۵ در جمهوری آلمان دموکراتیک منتشر شد. این کتاب یکی از ناشناخته ترین آثار برتولت برشت است که غالباً اهمیت آن را یا به درستی ارزیابی نکرده اند و یا دست کم پنداشته اند. در نتیجه بین آثار نویسنده «مادر دلاور و فرزندان» غالباً از الفبای جنگ به عنوان یکی از آثار کم اهمیت یادکرده اند. به همین علت برخی از ناشران آلمانی و دیگران در بسیاری از موارد تنها بخش نوشتاری الفبای جنگ را منتشر کرده، یعنی الفبای جنگ ولی بدون عکس، و با این کار محتوای این کار ارزنده هنری را کاملاً از بین برده اند. در نتیجه با حذف عکس ها چهار بیتی ها به سختی قابل درک خواهند بود، برای این که نگوییم غیر قابل درک به نظر می رسند.

همان گونه که پیش از این گفتیم، برای نخستین چاپ الفبای جنگ، برشت مجبور شد برخی از عکس نوشته هایش را حذف کند. ولی ما در چاپ حاضر این عکس نوشته های حذف شده را منتشر کرده ایم. در نتیجه چاپ حاضر کاملترین نسخه الفبای جنگ می باشد. برشت در زمان حیاتش بارها در اشکال گوناگون نسبت به این اثر دلبستگی بسیاری ابراز داشته است. ولی فراهم آوردن نسخه کامل الفبای جنگ تنها انگیزه ما برای انتشار آن نبوده است. زیرا مضامینی که در این کتاب مطرح شده، هنوز می تواند به عنوان رویدادهای روزمره امروزی مطرح باشد و ارزش آن تنها به وجه مستند و تاریخی آن منحصر نیست. ما بر اساس خواست خانم برشت شال، دختر برتولت برشت، تمام تأملات روی رابطه متن و تصویر که در این کتاب به اجرا گذاشته است، مد نظر داشته و امیدواریم که روی کرد ما به بهترین شکل ممکن معرف این اثر بوده باشد.

اذهان عمومی غالباً آثار برتولت برشت را به بعد نمایشی آن منحصر می داند، ولی الفبای جنگ کتابی است که به شکل غیر قابل منتظره ای بعد دیگری از آثار این نویسنده را آشکار می سازد. برشت این اثر را طی دوران تبعیدش نوشته و طبیعتاً متأثر از رویدادهای چنین دورانی بوده است - تبعیدی که از تاریخ ۲۸ فوریه ۱۹۳۳ در فردای آتش سوزی رایشتاگ آغاز می شود. در این دوران به همان شکلی که خود برتولت برشت می گوید، « بیشتر از کفش هایش، کشور عوض می کند» و این پرسش خیلی زود برای او مطرح شد، یعنی موضوعی که برای او اهمیت ویژه ای پیدا کرده بود : چگونه نویسنده مارکسیست و انقلابی می تواند به فعالیت ها و تلاش های هنری اش ادامه دهد در حالی که شرایط زیستی و کاری او کاملاً تحول پیدا کرده است؟ در واقع، مشکل تنها قطع امکانات زیستی و تولیدی او (تأثر، سینما، رادیو...) در آلمان و یا قطع رابطه روزمره با تماشاگران در آلمان، و یا کسب اطلاعات مستقیم و حقیقی از رویدادهای اجتماعی و سیاسی کشورش نیست، بلکه او در عین حال از ریشه کن شدن از زیستگاه زبان مادری و کاربرد روزمره اش رنج می برد. از سوی دیگر، برشت در تبعیدگاه های مختلف به تحلیل اوضاع آلمان می پردازد و خیلی فوری ارزیابی ها و تحلیل های گذشته اش را درباره فاشیسم مورد بررسی و باز بینی مجدد قرار می دهد : فاشیسم تب تند نیست که فوراً فروکش کند، بلکه این گونه به نظر می رسد که

ادامه داشته، و پس از سرکوب جنبش کارگری و تمام جریان های اپوزیسیون، پایگاه اجتماعی پر اهمیتی ایجاد کرده است. سیاست سازشکارانه کشورهای غربی و تأیید آن در توافقات مونیخ برتولت برشت را بیش از پیش معتقد ساخت که تسلط هیتلر طولانی تر از آن مدتی خواهد بود که تصور می کرد. مشاهده چنین واقعیتی - بین سال های ۱۹۳۹-۱۹۴۰ - نویسنده را به باز بینی مفهوم و برد اثرش هدایت می کند: جنگ با کاروان فجایع آن در گیر شده است، در نتیجه مخاطبان «الفبای جنگ» بیشتر بازماندگان جنگ و نسل های آینده هستند تا آلمانی هایی که زیر چکمه های هیتلر زندگی می کنند. علاوه بر این، آلمان نازی نسبت به هر گونه تأثیر ادبی خارج از نظام حاکم کاملاً محافظت شده و غیر قابل نفوذ بود. برشت در این باره می نویسد: «من پیشنهاداتم را در زبانی می نویسم که دوام بیاورد زیرا فکر می کنم که مدت زیادی باید بگذرد تا قابل اجرا باشد.»

پس از به قدرت رسیدن هیتلر، تمام تأثرهای آلمان نمایشنامه های برتولت برشت را ممنوع اعلام کردند. همکاری با تأثرها و گروه های خارجی انتظارات او را برآورده نمی کرد، به همین علت، همان طور در روزنامه اش می نویسد، به شیوه بیانی شاعرانه روی می آورد: «در حال حاضر تنها می توانم شعر هشت بیتی و فعلاً چهار بیتی بنویسم.» (روزنامه ۸.۱۹.۱۹۴۰) شعرهای «سوندبورگ» (شهری در دانمارک) نخستین جلوه گاه این تحولات عمیق نزد نویسنده و حاوی پاسخ او به موقعیت تبعید است. نخستین بخش آن، زیر عنوان «الفبای جنگ آلمان» در سال ۱۹۳۷ منتشر شد که البته با الفبای جنگ حاضر کاملاً متفاوت است. همان گونه که از عنوان آن بر می آید، این مجموعه در اشکال ساده، و هر چند شاعرانه، می خواهد حقایق مقدماتی در رابطه با وضعیت داخلی آلمان و حرکت هیتلر را نشان دهد که به شکل اجتناب ناپذیری به سوی جنگ پیش می رود. در این سال های پیش از جنگ که اروپا به گفتمان صلح جویانه هیتلر باور دارد، برشت قاطعانه حقیقت سیاسی را در رابطه با اربابان جدید رایش آشکار می سازد:

«آنها از بالا در دولت قرارداد عدم تجاوز می نویسند.

پس تو ای فرزند خلق

وصیت نامه ات را بنویس.»

برشت بر این باور بود که پیروزی فاشیست ها در «جنگ طبقاتی» در آغاز سال های ۱۹۳۰ که در آلمان بیداد به پا کرده بود، سرانجام راه حل نهایی خود را در جنگی خواهد یافت که دیر یا زود اروپا و تمام جهان را به آتش خواهد کشید. خیلی معنی دار است که برخی از اشعار «سوندبورگ» از اشکال شعر کوتاه کلاسیک (اپیگرام) الهام گرفته شده که به سنت عهد قدیم باز می گردد. بر اساس این سنت، این اشعار برای حک شدن روی سنگ، یا بنای یادبود یا ساختمان دولتی نوشته می شده. از همین رو، کاملاً معنی دار است که برشت شعر شماره ۵ در «الفبای جنگ در آلمان» را (در نسخه اولیه) که قربانیان «حمله برق آسا» (شیوه جنگی نازی ها) را مطرح می کند «اپیتف» می نامد (اپیتف، در عهد قدیم قطعات کوتاهی بود که روی سنگ قبر می نوشتند) ... برشت به شکل خاصی از سنت کلاسیک «اپیگرام» (شعر های کوتاه) نیز الهام می گیرد. او چهار بیتی را به دو بخش تقسیم می کند، در دو بیت اول صحنه ای متناقض یا واقعیتی ابهام آمیز را به نمایش می گذارد، و در دو بیت بعدی برای آن توضیح و یا تعبیر اصلی مطرح می کند. برشت همیشه سلیقه خاصی برای طرح های تناقض آمیز داشت:

«روی دیوار با گچ نوشته بود
جنگ می خواهند.
کسی که این کلمه را نوشته بود
حالا مرده است.»

علاوه بر این، برشت خود را محدود به شکل شعر های کوتاه و مسرع های شش هجایی نکرده، و ریتم آزاد را ترجیح می دهد، و غالبا بخشی را با ریتم و بخش دیگر را بدون ریتم می نویسد. همان طور که پیش از این دیدیم، ابیات اشعار کوتاه (اپیگرام) به شکلی در نظر گرفته شده که احتمالا می تواند روی سنگ حک شود، در نتیجه اگر بخواهیم به شکل خیلی دقیق تری بگوییم، ایجاز می بایستی کفایت کند. تلاش برشت در این جا دستیابی به «وحدت اضداد» در شعر آلمانی بود که در پیوند با سنتی که از گوته به ارث رسیده و به باور او در قرن نوزدهم و بیستم به فراموشی سپرده شده است (روزنامه ۲۲.۰۸.۱۹۴۰) آن چه که برشت را مجذوب اشعار کوتاه (اپیگرام) می سازد، ویژگی عینی این اشکال شاعرانه است. در یکی از یادداشت های او در «روزنامه» این موضوع را توضیح می دهد: «در اشعار کوتاه (اپیگرام) یونان عهد عتیق، اشیاء روزمره از ساخته های انسان، در عین حال به شکل کاملا طبیعی با شعر و غزل آمیخته بود، حتی سلاح ها، شکارچی یا مردجنگی هنر خود را به خدایان هدیه می کردند. تفاوتی نداشت که تیر سینه انسان را بشکافد و یا بر بال کبک بنشیند. در دوران ما در حله نخست عوامل بازدارنده ای که مانع پیدایش چنین اشیاء شاعرانه ای می شود اخلاقی است. در زیبایی یک هواپیمای جنگی چیزی ابتذال آمیز وجود دارد (روزنامه ۲۸.۰۸.۱۹۴۰). از همین رو برای نشان دادن چنین اندیشه ای، در روزنامه اش عکس دماغه یک هواپیما را ضمیمه می کند. از سال ۱۹۳۹ او بیش از پیش تصاویر جنگ و عکس شخصیت های فاشیست را به روزنامه اش ضمیمه می کند: «عکس های هفته نامه های فاشیستی غنیمت خوبی برای تأثر است! این نوع بازیگران هنر تأثر حماسی را بخوبی می دانند، که عبارت است رنگ و لعاب تاریخی زدن به رویدادهای روزمره و بی اهمیت. (روزنامه کار ۰۸.۱۰.۱۹۴۰). برشت کمی پس از این تاریخ در تقاطع راه ها یعنی سرودن اشعار کوتاه از یک سو و ضمیمه کردن عکس از سوی دیگر، کاری را که [عکس نوشته] نامیدیم آغاز کرد. برشت دو عکس از هیتلر (در یکی از آنها هیتلر را می بینیم که در حال صرف نهار است «آ» در انتشار حاضر، و در دیگری هیتلر را در حال گفتگو با زنان سالخورده می بینیم «آ۶» در انتشار حاضر) و زیر هر یک از این دو عکس قطعه شعر کوتاهی می نویسد، و به این ترتیب است که کار روی «عکس نوشته» شروع می شود.

A1



A16



کلمه ترکیبی که ما برای این نوع کارها انتخاب کردیم به روشنی گواه بر تلاقی تصویر و نوشته است. بی گمان چنین کشفی برای برتولت برشت حاصل تأملات قدیمی درباره رابطه بین تصویر و نوشته است. در سال ۱۹۲۷، برشت کتاب مشهور «جنگ در جنگ» را که مضمون آن انتقاد به نظامی گری بود، به عنوان یکی از بهترین کتاب های سال های گذشته ارزیابی می کند. کتاب «جنگ در جنگ» مجموعه ای از عکس های معلولان جنگ اول جهانی را به نمایش می گذاشت، ولی این عکس ها تفسیر و یا زیر نوشته ای نداشتند. از دیدگاه برشت این کتاب با تصاویر دهشتناک، چهره پردازی بسیار موفقیت آمیزی را از بشریت به نمایش می گذاشت. در //فبای جنگ، برشت نظریاتی را که پیش از این در رابطه با هنر نمایش (تأثر) مطرح کرده بود به زمینه عکس گسترش داد: از دیدگاه او به هیچ عنوان نمی بایستی از طریق انطباق هویتی با شخصیت ها و تحریک احساسات و هیجانات نزد تماشاگران، به آنها «پالایش روحی» (کاتارسیس) عرضه کرد. نمی بایستی در پی تحریک احساس و هیجان از طریق انطباق هویتی با شخصیت ها نزد خواننده - تماشاگران بود که به پالایش روحی (کاتارسیس) دست پیدا کنند. تصاویری را که انتخاب می کند همان هایی هستند که فاشیست های معمولی استفاده می کنند، ولی او با تفسیر شاعرانه ابعاد تاریخی آن را روشن می سازد. برشت از نقش مهمی که آبشار تصاویر، عکس ها و سینما در دوران او در تشکل افکار عمومی بازی می کرد، بی آگاه نبود. برخلاف نظریات رایج که عکس را بازتولید بازنمایی وفادار واقعیت تعریف می کردند، در سال ۱۹۳۰ می نویسد: «آن چه وضعیت را مشکل تر می سازد، این است که تنها بازنمایی واقعیت هرگز هیچ اطلاعی درباره واقعیت در اختیار ما نمی گذارد. عکس کارخانه کروی عملاً هیچ گزارشی از این مؤسسه به ما نمی دهد، و به این ترتیب واقعیت به مفهوم عمیق کلمه، محتوای عمل کرد خود را از دست می دهد، و به عنوان مثال، اجازه نمی دهد که روابط انسانی جاری و ساری در بطن این کارخانه بازتولید شود. در نتیجه باید چیزی ساخت، چیزی تصنعی. بر این اساس هنر بسیار ضروری خواهد بود.» (برگرفته از نوشته ها: درباره سینما) در همین زمینه باید از «فتو مونتاژ» های جان هرتهیلد (۱) یاد کنیم که برتولت برشت توجه خاصی به آنها نشان می داد و با شیوه کار بازنمایی و تعبیر او در افشای واقعیت آشنایی داشت و کار او را ستایش می کرد. برشت در عین حال با هجونامه نویس مشهور کورت توچولسکی (۲) در روزنامه ای که به سال ۱۹۲۹ (۳) منتشر می شد آشنایی داشت، یعنی روزنامه ای که کورت توچولسکی در بخشی از آن به تفسیر فتو مونتاژهای جان هرتهیلد پرداخته است. به طور کلی، این فتو مونتاژها در برگه های مصور به تعداد زیاد زیر کنترل حزب کمونیست آلمان منتشر می شد. در سال ۱۹۳۱ برتولت برشت به مناسبت بزرگداشت دومین سالگرد تأسیس این روزنامه مطالبی می نویسد:

«گسترش فوق العاده گزارش تصویری و عکاسی شده به هیچ عنوان موجب آشکار ساختن حقایق رویداد های جهان نگردید. بلکه بر خلاف تمام انتظارات، عکس در دستان بورژوازی به سلاحی کارا علیه حقیقت تبدیل شد. گسترش پرونده های تصویری با عکس هایی که ظاهراً باید حقایق پیرامون ما را آشکار سازند، در جهت خلاف عمل کرده و آن را پنهان می سازد. دستگاه عکاسی و ماشین تحریر هر دو می توانند دروغ بگویند. حزب کمونیست آلمان برای دفاع از حقیقت دست به اقدامات بسیار قابل ستایشی زده است.»

در همین دوران والتر بنیامین (از دوستان برتولت برشت) مقاله بلندی درباره عکاسی نوشت و در مورد عکاسی پرسشی مطرح کرد که عبارت است از این امر که آیا به عهده عکاس هست یا نیست که «خطا را نشان داد و گناهکار را معرفی کند» و آیا «تفسیر باید و یا نباید به عنصر اصلی کلیشه تبدیل شود؟» (والتر بنیامین، تاریخ مختصر عکاسی، شعر و انقلاب، پاریس، انتشارات دو نوئل ۱۹۷۱، صفحه ۳۴).

والتر بنیامین می گوید : باید خواندن تصاویر را آموخت و ظواهر خنثی آن را بازشناسی کرد. برشت در مقدمه الفبای جنگ از والتر بنیامین نقل می آورد که پیامبرانه می گفت : «در آینده فرد بی سواد آن کسی نیست که خواندن و نوشتن نمی داند، بلکه آنی است که قادر به خواندن و تعبیر تصویر عکاسی نیست.» برتولت برشت در این مورد پافشاری کرده و می گوید که انسان قرن بیستم باید بتواند خط تصویری را بخواند. ولی فراسوی چنین تأملاتی، برتولت برشت سیر پژوهش های متعددی را که در دوران جمهوری وایمار در زمینه فنون و عملکرد مونتاژ انجام گرفته بود کشف کرد. مقاله ای که به تاریخ ۷ ژانویه ۱۹۴۰ در یک روزنامه سوئدی نوشته بود که بر حسب اتفاق اخیراً کشف شد، به خوبی چگونگی این پژوهش ها را طی دورانی که الفبای جنگ را می نوشت نشان می دهد. درباره این مقاله که تحت عنوان «شعر در خانه مردم» (۴) منتشر شده، و در فرانسه شناخته شده نیست، به اندازه کافی به نقل خواهیم آورد. در واقع وقتی برتولت برشت کار الفبای جنگ را آغاز می کند، در تبعیدگاه سوئدی اش با هانس تومبروک (۵) نقاش سوئدی «طرح مشترک شعر و نقاشی» را به اجرا می گذارند. طرح آنها بیان موضوع مشترک بر اساس شعر و تصویر بود. در این مورد برشت می گوید تصویر به هیچ عنوان «بازنمایی شعر» را به عهده ندارد، تصویر و نوشته به هیچ عنوان ترجمان یکدیگر نیستند، بلکه وحدت آنها را پیش از همه باید از راه «تداعی سیال آزاد معانی» باید صورت پذیرد. این نوع تداعی معانی در رابطه تصویر و نوشته، از دیدگاه برتولت برشت تأثیر بیشتری روی تماشاگران و خوانندگان خواهد داشت که از بازنمایی جداگانه آنها ساخته نیست : «به همان شکلی که در دوران باستان انبوهی از نوشته ها روی دیوار ها و یا روی اشیاء روزمره رایج بوده است و یا به شکلی که در دوران ما تابلوهای نورانی و یا روی ستون موریس(۶) و بسیاری موارد دیگر که نوشته هایی چند را به چشم انداز روزمره ما در خیابان تحمیل می کند، جملگی حاکی از این امر است که نوشته هایی که در چنین اشکالی به نمایش گذاشته می شود دارای قابلیت تأثیر گذاری می باشد.» اندیشه اصلی برتولت برشت چنین است : تداعی معانی آزاد تصویر و نوشته به تماشاگر اجازه می دهد که در رابطه با موضوع مطرح شده به نظریه و دیدگاه خاص خودش دست یابد که بی گمان عینی تر خواهد بود. «موضوع مطروحه روی تابلو به شکل دو شیوه بیانی و دو آفرینش هنری که از دو ذهنیت فردی منشأ گرفته به تماشاگر عرضه می شود - به شکلی که توسط نقاش دیده می شود و به شکلی که شاعر و نویسنده آن را بیان می کند. تماشاگر هر دو دیدگاه را در ذهنش ضبط می کند و با عبور از یکی به دیگری، به ساخت و پرداخت سومین دیدگاه یعنی دیدگاه خودش می پردازد.» برشت برای توضیح این دیدگاه که در ادامه نظریاتش در مورد فاصله گذاری در تأثر می باشد، مثالی مطرح می کند : «به عنوان مثال برای کتابخانه مردم که سالن گورکی نامیده اند دو تابلو در نظر گرفته ایم. روی یکی از تابلوها گورکی را می بینیم و روی دیگری قطعه شعری که به یاد بود او سروده شده است. نقاش تصویر کاملاً مشخصی از گورکی نقاشی کرده و شاعر نیز به همین ترتیب قطعه ای به یاد بود او سروده است، این دو کار هنری در واقع ارتباط ضروری با یکدیگر ندارند. شیوه بیانی که در این دو قطعه به کار برده شده با یکدیگر تفاوت دارد و نقاشی به خودی خود بازنمایی ذهنیت فردی مستقلی است. با این وجود، بی گمان به نمایش گذاردن این دو تابلو در کنار یکدیگر : نقاشی و شعر، خیلی بیشتر موجب بحث و گفتگو خواهد شد، و گفتگو یکی از سطوح بسیار بالای لذت هنری است که جامعه می تواند به آن دست یابد.»

نظریات برشت در رابطه با پیوند های نقاشی و شعر کاملاً قابل انطباق با شیوه ای می باشد که در الفبای جنگ به کار بسته است. او فکر می کرد که اگر آنها را در مکان هایی مانند خانه مردم و یا دیگر نهادهای رسمی به نمایش بگذارد، یا عکس ها را روی پرده

منعکس کند و نوشته ها را توسط خوانندگان به سمع تماشاگران برساند تأثیر بیشتری روی آنها خواهد داشت. در واقع، در الفبای جنگ، تأثیر عینی یعنی عناصری که به خواننده و تماشاگر اجازه می دهد که به دیدگاه خاص خود نایل آید، تنها از تلاقی عکس روزنامه ها و قطعات شعر کوتاه حاصل نمی آید، بلکه برشت توضیحات و تفسیر روزنامه هایی که عکس هایش را از آن جا به عاریت می گیرد، غالباً حفظ کرده و علاوه بر این توضیحات دیگری را خود او ضمیمه می کند. به این ترتیب چهار دیدگاه کمابیش مستقل از یکدیگر در تلاقی و در رابطه دیالکتیک با یکدیگر قرار می گیرند و در نتیجه در رابطه با تشکل دیدگاه تازه نزد تماشاگر یا خواننده رویکردهای متفاوتی را در رابطه با واقعیت (که در فاصله نگهداشته شده) عرضه می کند.

شصت و نه عکس نوشته که در نخستین انتشار الفبای جنگ مشاهده می شود که بر اساس سیر تاریخی چیده شده است. بازنمایی دور کامل جنگ جهانی دوم را که با جنگ اسپانیا شروع شد و با یادآوری مکان ها و رویدادهای اصلی جنگ جهانی دوم، از اول سپتامبر ۱۹۳۹ تا ۸ می ۱۹۴۵ ادامه می یابد. در الفبای جنگ نیز مانند دیگر آثار برتولت برشت، می توانیم فصل هایی را با مضامین متنوع در رابطه با مضمون کلی مشاهده کنیم که وجوه خاصی از آن را نشان می دهد، به عنوان مثال عکس نوشته شماره ۱۵ تا ۲۲ را می توانیم به شکل یک فصل در نظر بگیریم که آغاز جنگ، و رویارویی نبرد هوایی بین آلمان و انگلستان را بازنمایی می کند. به نظر من در الفبای جنگ، اگر چه ظاهراً فصل بندی خاصی انجام نگرفته ولی می توانیم کتاب را به سه فصل تقسیم کنیم. فصل نخست از عکس نوشته شماره ۳ تا ۲۲، جنگ اسپانیا، جنگ هوایی آلمان و انگلستان، اشغال فرانسه در مجموع نخستین مجموعه ای را تشکیل می دهند که طی آن جنگ در اروپا ترسیم شده، و عکس نوشته شماره ۲۳ نیز این بخش را به پایان می برد و نتیجه می گیرد که این جنگ ادامه جنگ طبقاتی در آلمان بوده است. دومین بخش از عکس نوشته شماره ۲۳ تا ۴۸ در مفصل دو فصل: از یک سو جنایتکاران را افشا کرده و به ارزیابی انگیزه های آنان می پردازد، و از سوی دیگر گسترش جنگ امپریالیستی را نشان می دهد (از شماره ۳۳ تا ۴۸) آخرین فصل از عکس نوشته شماره ۴۶ تا ۶۷ روی ضد حمله متفقین تمرکز داشته و به قربانیان جنگ می پردازد. دو عکس نوشته اول و آخر چهار چوب کلی کتاب را نشان می دهد که به شکل دایره به مفهوم عادی کلمه تنظیم شده است. در آغاز می بینیم که کارگران به فراخوان هیتلر پاسخ گفته و برای جنگ آماده می شوند. در پایان، سال ۱۹۴۵ کارگران را در لباس نظامی می بینیم که خسته و گول خورده به حال خود رها شده اند. ولی برشت چشم اندازی به روی آینده باز می کند: شکست خورده ولی در آینده راه دیگری به جز زندگی در بردگی پیدا خواهند کرد. عکس نوشته ای که در مرکز کتاب واقع شده، نقش محوری دارد: هیتلر پیروزی خود را جشن می گیرد، او در اوج قدرت به سر می برد، ولی فروپاشی او نیز از همین جا آغاز می شود. در عکس اول و آخر هیتلر در حالت سخن ران دیده می شود. ولی از نخستین پیروزی در سال ۱۹۳۳ تا شکست ۱۹۴۵، تنها چرخ تاریخ به دور خود چرخیده است، اگر آلمان نازی شکست خورده، ولی آن نظامی که باعث به وجود آمدن چنین رژیم شده است، از بین نرفته. بر این اساس، چشم انداز تاریخی به روشنی ترسیم شده است.

- 1) John Heartfield
- 2) Kurt Tucholsky
- 3) Deutschland, Deutschland über alles (1929)
- 4) Bertolt Brecht. Lyrik und Malerei für Volkshäuser, In / Notate (éd. Brecht-Zentrum der DDR, 10.1978, P.6sq.)
- 5) Hans Tobmrock
- 6) Colonne Morris

ستون موريس يك عنصر ساختمان شهري است كه پيش از همه در پاریس ایجاد شد. ستون موريس به شكل سيلندر است كه در آغاز برای تبلیغات برای تآتر و سینما مورد استفاده قرار می گرفت. در شب چراغی آن را روشن می سازد و غالباً به دور خود می گردد. درون آن نیز برای نگهداری وسایل نظافت شهرداری، توالت و یا تلفن مورد استفاده قرار می گیرد. کولن موريس به نام چاپخانه گابریل موريس نامیده شد كه جواز انحصاری آن را در سال ۱۸۶۸ برای اهداف تبلیغاتی به دست آورد.

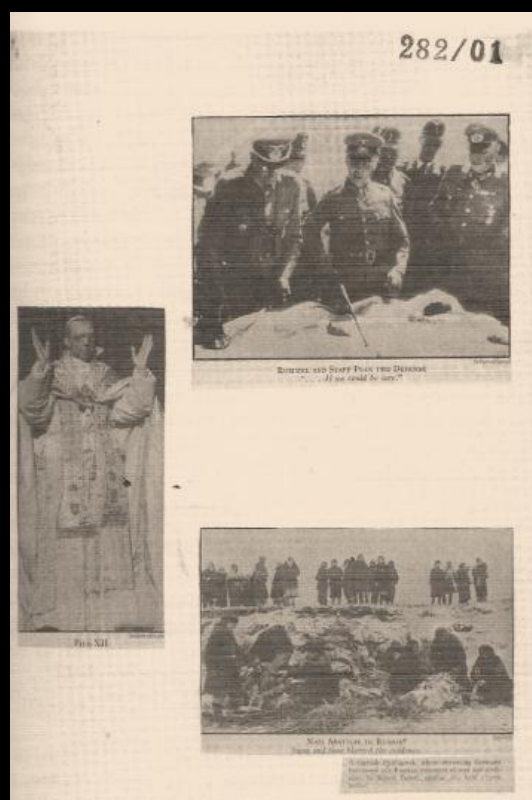
در آلمان، اختراع این قطعه را به ارنست لیتفاس (۱۸۷۴-۱۸۱۶) نسبت داده اند كه آن را در دسامبر ۱۸۵۴ برای جلوگیری از آفیش هایی كه روی در و دیوار شهر می چسبانند، ایجاد كرد.



از کتاب «وقتی تصاویر موضع می گیرند، چشم تاریخ» نوشته ژرژ دیدی-هوبرمن(۱)

«این گونه به نظر می رسد که همه چیز درهم ریخته و هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارد.(...)»

تقابل، متارکه، پراکندگی. ولی تمام این به هم ریختگی ها به نمایش گذاشته می شود تا فضای بین چیزها آشکار گردد و قاعده مشترک و پیوند های غیر قابل رؤیت آنها را علی رغم ظاهر امر آشکار سازد. در الفبای جنگ بی گمان چیزی از این «تصویر شناسی فاصله» وجود دارد. به عنوان مثال، در ۱۵ ژوئن ۱۹۴۴، برتولت برشت سه تصویر را کنار یکدیگر می چیند، ابتدا پاپ پی دوازدهم(۲) را در حال دعای خیر می بینیم، سپس مارشال رومل را در حال بررسی یک نقشه در مرکز فرماندهی مشاهده می کنیم، و سومین تصویر گورستان نازی در روسیه. ظاهراً این سه تصویر هیچ رابطه ای با یکدیگر ندارند و در پراکندگی کامل هستند، ولی وقتی کنار یکدیگر قرار می گیرند - و در مونتاژ - در تلاقی آنها هم خوانی خاصی حاصل می آید. این سه رویدادی که به سه مکان مختلف تعلق دارد، در واقع کاملاً معاصر یکدیگر هستند، و نسبت مشترکی در روند تاریخی یگانه ای دارند. مونتاژ این سه تصویر نشان می دهد که چگونه رهبر مذهبی با خواندن دعای خیر دست هایش را از بی عدالتی می شوید، و جنایت را به سکوت برگزار می کند، و چگونه دست هایی که به حالت دعا به سوی آسمان بلند شده، تداعی کننده چوبی است که رومل با آن مقتدرانه به نقطه ای از نقشه اشاره می کند که بی گمان همان جای است که باید مورد حمله قرار گیرد و چگونه این دو حرکت قدرتمندانه (مترجم: دو حرکتی که به ویژه در ذهن آنهایی که متأسفانه قادر به درک رابطه دیالکتیک نیستند به سختی قابل فهم خواهد بود و شاید هرگز) در رابطه با ناله های دردناک آنهایی که چیزی برای از دست دادن ندارند، زنان روس که مرده هایشان را زیر خاک بیرون آورده و در آغوش می گیرند.»



1) Georges Didi-Huberman, *Quand les images prennent position, l'oeil de l'histoire* I, p.78

2) pape Pie XII



فهرست

- ۱- انتشار نسخه اولیه الفبای جنگ
- ۱۱- عکس نوشته های منتشر نشده در نسخه اولیه الفبای جنگ
- ۱۱۱- تفسیر

۱. سیر تکوین «الفبای جنگ»

۲. توضیحات درباره عکس نوشته ها

۳. توضیح در چاپ اول (۱۹۵۵)

۳. توضیحات درباره چهاربیتی های بخش ضمیمه شده

۴- مطالب فرامتنی در نخستین چاپ

پیش گفتار چاپ نخست (۱۹۵۵)

پیشگفتار منتشر شده روی پوشه کتاب

۵. پایان نوشت

